

# دکتر مصطفی چمران و کردستان

بهزاد خوشحالی

bkhoshhali@yahoo.com

پیش گفتار

هدف از گرد آوری این مجموعه، آشنایی با یکی از پراهمیت ترین دوره های تاریخ کردستان و ایران است. خوانندگان این مجموعه با بسیاری از رویدادها و شخصیت های آن دوران آشنایی دارند، اما آشنایی با اندیشه های آنان در همان عصر، و جایگاه اندیشه ورز ایشان از زبان خود آنها بسی جالب تر می نماید. سرزمین کردستان در آن دوران، روزگار نگرانی های سیاسی و اضطراب های اجتماعی از يك سو و كشاكش های مسلکی از سوی دیگر بوده است، عصري كه يكي از پرتلاطم ترین دوره ها در تاریخ نوین ایران و دوره ای است كه انقلاب ایران به بار نشست، دوران بی ثبات گذار را پشت سر نهاد و دوره ای ناآرامی کردستان را تجربه کرد.

مجموعه ای حاضر، سرگذشت چگونه اندیشیدن و چه کردن، چگونه تلقی کردن و چگونه پنداشتن، چگونه تاثیرگذاران و چگونه تاثیر پذیرفتن، و چه بودن ها و چه شدن ها در این دوران سرکش است.

شاید اندیشه نگاری نسلی از بزرگترین معماران تاریخ معاصر پس از انقلاب، آن هم از زبان همین معماران، آسان ترین راه برای درك واقعیات آن دوران باشد... تاریخ خود را تکرار می کند و چون حالت های کنونی چیزی جز بازگشت به حالت های گذشته نیستند، به همین خاطر، آگاهی از تحولات گوناگون و پیایی گذشته، کلید ورود به دنیای آینده خواهد بود... فراموش نکنیم: تاریخ کتابی است که ما می نویسیم و خود نیز در آن نگاشته می شویم... این مجموعه از مطبوعات ایران در سال های ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ استخراج شده است.

حکومت نظامی در مریوان؟!

خبر تعجب آور هفته که در صورت صحت می تواند موجب شگفتی شود، اعلام حکومت نظامی در مریوان است. گویا نمایندگان دولت که در راس آنان آقای دکتر مصطفی چمران حضور داشتند، با نمایندگان مردم مریوان که شهر را ترك کرده و در کوهها بسر می برند به نتیجه ای نرسیده است چون دولت می خواهد با آخرین قوا در مقابل کردها بایستد و طبق خبرهای واصله گویا ارتش در مریوان و شهرهای دیگر کردستان مستقر شده است. آقای چمران گفته بود: "ما هم برای بزم آمده ایم هم برای رزم"، و اینك به نظر می رسد که رزم را برای حل مشکلات کردستان بر بزم ترجیح داده اند (تهران مصور ۱۳۵۸/۴/۳۰)

معاون نخست وزیر: ارتش به مهاباد نیرو می فرستد.

ارومیه - خبرنگار کیهان : دکتر چمران معاون نخست وزیر در گفتگو با کیهان اعلام کرد: "به مهاباد نیرو اعزم خواهد شد و ارتش در نقاط مهم مستقر میشود. همچنین کمیته سه نفری در ارومیه تشکیل و حفاظت این شهر را بعهده خواهد گرفت. «

دکتر چمران گفت: " کارهای سازندگی در مناطق کردنشین ارومیه آغاز شد و ساکنین روستاهائی که در پی تیراندازی‌ها خانه‌های خود را ترک کرده‌اند، با برقراری آرامش به خانه‌های خود باز میگردند." و ی در پاسخ اینکه روسای عشایر چه درخواست‌هایی در مذاکرات ارومیه از دولت داشتند، گفت:

"شروع کارهای سازندگی در روستاها، تامین بهداشت ساکنین مناطق کردنشین، استخدام تحصیلکردگان کرد، توسعه مدارس و راهسازی، از جمله خواسته‌های روسای عشایر کرد بود و چون بین ترک و کرد، تفاوتی نیست و همه ملت ایرانند، بمحض اینکه امنیت در منطقه برقرار شد، کارهای عمرانی و سازندگی در مناطق عشایری شروع میشود." و ی در اینمورد اضافه کرد: "خوشبختانه دولت پول هم دارد و فقط مردم مناطق باید در عمران و آبادی با دولت همکاری کنند."

معاون نخست وزیر گفت: " ۱۰ نفر از افراد جهاد سازندگی در مه‌باد زندانی هستند که اینهم باعث تاسف شدید دولت است. ( ۴ تن از این افراد که پاسدار بودند، روز گذشته آزاد شدند. ) و ی این حادثه را تاسف بار خواند و آنرا بهانه توطئه گرانی خواند که نمی خواهند منطقه آباد شود."

چمران در مورد تامین امنیت منطقه گفت: این امر بعهد ارتش واگذار شده و ارتش در مناطق مهم مستقر خواهد شد. مسلماً به مه‌باد هم که پادگان آن برچیده شده است، نیرو اعزام خواهد شد. همچنین پاسگاه‌های ژاندارمری در سراسر منطقه دایر می‌شود و هر کس علیه قوای انتظامی دست به توطئه بزند، ضد دولت و ضد انقلاب بحساب خواهد آمد و شدیداً سرکوب خواهد شد."

و ی در مورد استقرار مجدد گروهان ژاندارمری در "سرو" گفت: چون بزرگان منطقه با صلح و صفا، قضایای منطقه را حل میکنند، بنابراین گروهان ژاندارمری "سرو" در یک محیط دوستانه بازسازی میشود و استقرار می‌یابد و حمایت از آن را ارتش تقبل خواهد کرد."

معاون نخست وزیر، رفع کدورت و دشمنی بین کرد و ترک را از جمله اقدامات ثمربخش مذاکرات ارومیه خواند و اضافه کرد کسانی که خانه‌های خود را در اثر تیراندازی‌ها در دهات ترک کرده بودند، بخانه‌های خود بازگشتند و مشکل این منطقه خاتمه یافت.

#### تشکیل کمیته هماهنگی در ارومیه

معاون نخست وزیر در این گفتگو، اشاره به تشکیل کمیته هماهنگی و کنترل افراد مسلح و حفاظت و رهبری شهر توسط این کمیته کرد و اعلام نمود که هیچکس بدون اجازه این کمیته سه نفری، حق حمل اسلحه را نخواهد داشت و همچنین دستگیری افراد و هر عمل انتظامی دیگری زیر نظر مراجع رسمی دولتی و حقوقی و دادستان انقلاب اسلامی خواهد بود.

بگفته چمران: " این کمیته سه نفری مرکب از نماینده سپاه پاسداران، نماینده کمیته‌ها و یک افسر ارتش از سوی فرماندهی لشکر ۶۴ ارومیه خواهد بود. این کمیته همه کارهای پاسداران و سپاهیان داخل شهر ارومیه را رهبری خواهد کرد." اسامی اعضای این کمیته هنوز فاش نشده است.

مذاکرات برای آزادی ۱۵ تن از عوامل مسلح که در نخستین روز درگیری مریوان در نزدیکی‌های پادگان مریوان دستگیر شده‌اند، ادامه دارد.

بدنبال تظاهراتی که دیروز در مریوان صورت گرفت، تظاهر کنندگان که مخالف استقرار پاسداران در داخل پادگان بودند، خواهان آزادی ۱۵ نفر شدند، این گروه در ارتباط با درگیریهای خونین مریوان که منجر به کشته شدن ۱۳ تن از پاسداران مستقر در مریوان شد، در نزدیکیهای پادگان مریوان دستگیر شدند.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز صبح امروز در یک تماس تلفنی به خبرنگار کیهان گفت: طبق آخرین خبری که تا این ساعت بدست ما رسیده مذاکرات رضایت بخش نبوده و در مورد استقرار پاسداران در داخل پادگان، مخالفت شده است.

در مورد آزادی ۱۵ نفری که در ارتباط با جریانات اخیر مریوان دستگیر شده‌اند، سخنگوی سپاه پاسداران گفت: "پس از رسیدگی به علل و جوانب امر تصمیماتی در مورد این گروه صورت می‌گیرد". (کیهان ۱۳۵۸/۵/۵)

نقشه‌های اسرائیل در کردستان پیاده می‌شود.

### تظاهرات در ارومیه

ارومیه - خبرگزاری پارس: به مناسبت سفر آیت‌الله موسوی اردبیلی نماینده اعزامی امام خمینی به استان آذربایجان غربی و برای پشتیبانی از اقدامات استاندار آذربایجان غربی و لشکر ۶۴ ارومیه بعد از ظهر چهارشنبه هزاران تن از گروه‌های مختلف مردم شهرستان ارومیه تظاهراتی در این شهر برپا کردند راه‌پیمایان ضمن دادن شعارهایی در حمایت از اقدامات روحانیون مجاهد و مبارز ارومیه و استاندار و فرمانده لشکر و تأکید بر رهبری امام خمینی در استادیوم ورزشی تختی این شهر اجتماع کردند و در این اجتماع قطعنامه‌ای در ۸ ماده قرائت شد در همین اجتماع نماینده امام خمینی و آقای چمران معاون نخست‌وزیر پیرامون دستاوردهای انقلاب اسلامی و توطئه‌های استعمارگران و فرصت‌طلبان سخن گفتند و آقای موسوی اردبیلی با اشاره به توطئه عناصر استعمارگر اظهار داشت: آنها می‌خواستند ارتش ما را از هم بپاشند و نقشه‌های شیطانی خود را در این کشور پیاده کنند غافل از اینکه امروز کشور ایران دارای ۲۵ میلیون نفر جمعیت معتقد و باایمان و در قید ارتش است آقای موسوی گفت: من از طرف امام اعلام می‌کنم که انقلاب ما طالب خونریزی نیست ولی اگر عناصر توطئه‌گر حاضرند نوکری اجانب را قبول کنند باید وجود کثیف آنها از میان برداشته شود آقای چمران با اشاره به نقشه‌های خائنه اسرائیل استعمارگر در لبنان گفت: مشابه همان توطئه کردستان در اینجا نیز پیاده می‌شود و این استعمارگر سرنوشتی همانند سرنوشت مردم لبنان برای ملت ما نیز پیش‌بینی کرده بود ولی باید بگویم که ملت ما هوشیارتر از آن است که فریب استعمارگران را بخورد. وی سپس با تشریح توطئه‌های شوم ابرقدرتها برای شناخت افراد ضدانقلاب ۳ اصل را برشمرد آقای چمران گفت:

۱- از کسانی که استقلال گفت و تمامیت ارضی مملکت را زیر پا بگذارد.

۲- اگر کسی خلاف نظر رهبري انقلاب قرار گیرد و عمل مطابق با انقلاب باشد.

۳- کسانی که علیه دولت و ارتش موضع‌گیری کند و مسلحانه اقدام نمایند ضدانقلاب هستند. (کیهان ۶/۵/۱۳۵۸)  
دولت، پایان بحران مریوان را اعلام کرد.  
توافقنامه مذاکرات مریوان رد شد.

کرمانشاه - خبرنگار کیهان: در حالیکه استاندار کردستان و هیات اعزامی به مریوان خبر از توافق و پیروزی مذاکرات مریوان دادند، سخنگویان کمیته انقلاب مریوان و شوراي موقت شهر مریوان اطلاعیه استاندار را در مورد توافق در مذاکرات و بازگشت کوچ کنندگان به شهر رد کردند.

محمد رشید شکبیا استاندار کردستان امروز صبح تلفنی به خبرنگار کیهان گفت: ما دیروز پس از يك هفته مذاکره با شوراي موقت شهر مریوان به توافق رسیدیم و با تنظیم يك صورت مجلس اصول توافق را بر پایه ۳ ماده مهم بنا نهادیم و قرار شد که بدنبال این توافق کوچ کنندگان به شهر باز گردند. وي افزود: ماده اول توافق خروج پاسداران غیر بومی از مریوان بود زیرا هر دو طرف تشخیص دادیم که نیازی به بودن آنها در محل نیست. ماده دوم حفظ نظم توسط ارتش بطور موقت و تا آرامش کامل و برقراري و تاسیس واحد ژاندارمری و شهربانی در مریوان و سوم انجام برنامه‌های رفاهی و عمرانی بطور سریع در منطقه و اصلاحات لازم در این شهر بود که در هر ۳ مورد اعضای شوراي شهر موافقت کردند.

استاندار گفت: براین اساس ما اطلاعیه دیشب خود را به رادیو و تلویزیون دادیم و در انتظار آن هستیم که مردم به خانه و کاشانه خود برگردند و آرامش و آشتی در سطح منطقه برقرار شود. برای بازگشت کوچ کنندگان مقرر شد ۴۰ تا ۵۰ دستگاه مینی بوس و اتوبوس نیز آماده شود. در پی این اظهارات خبرنگار کیهان با کمیته انقلاب اسلامی مریوان تلفنی تماس گرفت. یکی از اعضای کمیته، اطلاعیه‌ای دیشب رادیو و تلویزیون و خبر توافق در مریوان را رد کرد و گفت: شوراي شهر مریوان اطلاعیه دیشب استاندار کردستان را تکذیب می‌کند و مردم هم حاضر به بازگشت به خانه‌های خود نیستند.

وي گفت: البته ما از نظر اصول بر سر پاره ای مسائل به توافق رسیدیم و قرار براین بود که اعضای شوراي شهر دیشب مفاد این توافق را با کوچ کنندگان مریوان در محل اردوگاه مطرح کنند و در صورت تصویب آنها اعلام موافقت رسمی‌شود ولي با اقدام دیشب استاندار کردستان و پخش متن موافقت نامه، مردم و کوچ کنندگان و شوراي شهر مریوان بشدت ناراحت شدند.

وي گفت: "اگر قرار است دولت و هیات اعزامی اینقدر آسان مطالب کذب اعلام کنند ما به حسن نیت این عده بی‌اعتماد می‌شویم."

شب گذشته راه پیمایان مسیر سنندج - مریوان به محل اردوگاه مردم مریوان رسیدند. طبق گزارشهای رسیده تعداد چند هزار نفر از مردم مهاباد و بانه، قبل از حصول توافق، بعدازظهر دیروز دکتر چمران معاون نخست وزیر و رئیس هیات اعزامی دولت جلسه مذاکره با نمایندگان گروه‌های مختلف مردم مریوان را ترک کرد و اعلام داشت بهیچوجه شوراي موقت فعلی شهر مریوان را به رسمیت نمی‌شناسد.

دکتر چمران بعدازظهر دیروز مریوان را سمت سنندج ترك کرد. دکتر چمران در این زمینه بخرگزاری پارس گفت: گروه‌های سیاسی مریوان قبلاً پیشنهاد ما در زمینه خلع سلاح عمومی، تحویل مجرمان و استقرار ارتش در مریوان را پذیرفته بودند ولی فعالیت شورایی موقت شهر در کنار ارتش برای حفظ امنیت شهر مانع حصول توافق نهایی شد.

در همین حال فرماندار مریوان تلفنی به خبرنگار خبرگزاری پارس در سنندج گفت: در مذاکرات دیروز، نظرات و پیشنهادهای یکصد تن از نمایندگان گروه‌های مردم مریوان با معاون نخست وزیر در میان گذاشته شد که برخی از این پیشنهادهای از طرف دکتر چمران رد شد و به‌رحال نتیجه‌ای از آن عاید نگردید.

فرماندار مریوان گفت: اکثر ادارات دولتی و کلیه مغازه‌های مریوان در حال تعطیل است و شهرداری مریوان بوسیله ماشین‌های آبکش آب آشامیدنی گروه‌هایی را که در خارج از شهر بسر می‌برند تامین می‌کنند به اظهار فرماندار مریوان، راه پیمایان سنندجی نیز که ساعت ۲ بعدازظهر دیروز در فاصله یکساعتی مریوان بودند با پیوستن روستائیان سر راه به آنها به ۱۰ هزار تن بالغ شده‌اند که در ساعات آینده وارد مریوان خواهند شد.

ورود این عده همزمان با خروج تعدادی از پاسداران انقلاب اسلامی با هلیکوپتر از پادگان مریوان صورت می‌گیرد. ارتش ضامن اجرای توافقی مریوان است.

دکتر چمران معاون نخست وزیر و رئیس هیات مذاکره کننده با نمایندگان مردم مریوان دیشب در گفتگوی تلفنی با خبرگزاری پارس تهران ارتش را ضامن اجرای اصولی دانست که عصر دیروز با مذاکره کنندگان مریوان بر سر آن توافق رسیدند.

چمران گفت: مردم مریوان به انقلاب و رهبری انقلاب مؤمن و معتقد هستند و از درگیری و خون‌ریزی بیزارند ولی احزاب و دستجاتی هستند که در کارها توطئه و کار شکنی می‌کنند و همین احزاب و دستجات سعی می‌کردند آرامش در منطقه برقرار نشود و تشنج ادامه یابد.

وی تأکید کرد به نظر من کسانی هستند که با توطئه گران خارجی در تماسند و برای اخلال در انقلاب اسلامی ایران از هیچ توطئه‌ای فروگذار نمی‌کنند.

معاون نخست وزیر در پاسخ به این سوال که آیا به پایداری قرارهای گذاشته شده اطمینان دارید؟ گفت ضامن اجرای اصول مورد توافق ارتش است یعنی ارتش تصمیم گرفته که امنیت را در منطقه برقرار کند.

اگر با سلام و محبت پذیرفتند فیه المراد والا بازور و قدرت وارد خواهد شد و امنیت را در منطقه برقرار خواهد کرد.

بنابراین ضامن اجرای توافق وجود ارتش و قدرت ارتش در منطقه است. دکتر چمران در پاسخ این سوال که آیا ورود قوای ارتشی به مریوان را در انعطاف طرف‌های مذاکره با هیات دولتی موثر میدانند یا خیر؟ گفتند: حقیقت اینکه مقدار زیادی از تجهیزات ارتشی به مریوان منتقل شده و مریوان از نظر نظامی به درجه‌ای هست که با قدرت بتواند امنیت را در منطقه برقرار بکند و به نظر رسید که وجود چنین قدرتی از ارتش در منطقه ضروری است.

چمران افزود: بنابراین دیگران نیز احساس کردند که اگر بخواهند در مقابل دولت تسلیم بشوند ارتش با قدرت نظامی خودش قادر خواهد بود که مخالفین خودش را سرکوب کند. به نظر من این يك اصلي بود که دیگران به این

توافق نامه گردن نهادند و تسلیم صلح و آرامش شدند و دولت در نظر دارد که مواضع نظامی خودش را در کردستان محکم کند تا هر توطئه را در هر کجا به وقوع پیوست سرکوب کند.

وی افزود: ارتش ارتش همه است و در هیچ امری یا در هیچ اختلافی بین گروه‌های مختلف دخالت نخواهد کرد ولی از جان و مال و ناموس همه دفاع خواهد کرد و همه مشکلات حقوقی و اجتماعی که بین افراد این منطقه وجود دارد بدست محکمه و دادگاه سپرده خواهد شد.

معاون نخست وزیر اضافه کرد: بنابراین میتوان اطمینان داد با وجود قدرت ارتش در منطقه جلوی افراد مسلح و توطئه گران گرفته خواهد شد و مردم میتوانند با صلح و آرامش در شهر خودشان زندگی کنند بدون آنکه در خطر باشند.

دکتر چمران در پاسخ این سؤال نیز که اگر قرارهای گذاشته شده رعایت نشود دولت چه اقدامی خواهد کرد اظهار داشت: دولت با قدرت نظامی خودش امنیت منطقه را تامین خواهد کرد. (کیهان ۹/۵/۱۳۵۸)

*چمران: شورای موقت فعلی مریوان را به رسمیت نمی شناسم.*

سنندج - خبرگزاری پارس: دکتر چمران معاون نخست وزیر و مأمور مذاکره جهت حل مسائل منطقه مریوان که جلسه مذاکره با نمایندگان گروه‌های مختلف مردم مریوان را ترک کرده است اعلام کرد بهیچوجه شورای موقت فعلی شهر مریوان را برسمیت نمی شناسد و بعدازظهر امروز (دیروز) از طریق سنندج به تهران باز می گردد.

در پی ترک جلسه مذاکرات بوسیله دکتر چمران، استاندار کردستان به گفتگوهای قبلی با نمایندگان مردم مریوان بامید حصول توافق ادامه داد.

دکتر چمران به خبرگزاری پارس سنندج در گفت: "گروه‌های سیاسی مریوان، قبلاً پیشنهاد ما را در زمینه خلع سلاح عمومی، تحویل مجرمان و استقرار ارتش در مریوان را پذیرفته بودند ولی طرح فعالیت شورای موقت شهر در کنار ارتش برای حفظ امنیت شهر مانع حصول توافق نهائی شد».

در همین حال فرماندار مریوان تلفنی به خبرنگار خبرگزاری پارس در سنندج گفت: "که در مذاکرات امروز نظرات و پیشنهادهای یکصد تن از نمایندگان گروه‌های مردم مریوان با معاون نخست وزیر در میان گذاشته شد که برخی از این پیشنهادهای از طرف دکتر چمران رد شد و بهرحال نتیجه ای از آن عاید نگردید».

فرماندار مریوان گفت: "اکثر ادارات دولتی و کلیه مغازه‌های مریوان در حال حاضر تعطیل است و شهرداری مریوان بوسیله ماشین‌های آبکش، آب آشامیدنی گروه‌هایی را که در خارج از شهر بسر میبرند تامین می کنند». به اظهار فرماندار مریوان، راه پیمایان سنندجی نیز که ساعت ۲ بعدازظهر امروز در فاصله یکساعته مریوان بودند با پیوستن روستائیان سر راه، به ده هزار تن بالغ شده‌اند که در ساعات آینده وارد مریوان خواهند شد ورود این عده همزمان با خروج تعدادی از پاسداران انقلاب اسلامی با هلیکوپتر از پادگان مریوان صورت میگردد. (آیندگان ۹/۵/۱۳۵۸)

*دکتر چمران بعدازظهر دیروز مریوان را به سمت سنندج ترک کرد.*

دکتر چمران در این زمینه بخبرگزاری پارس گفت: "گروه‌های سیاسی مریوان، قبلاً پیشنهاد ما در زمینه خلع سلاح عمومی، تحویل مجرمان و استقرار

ارتش در مریوان را پذیرفته بودند ولی فعالیت شورای موقت شهر در کنار ارتش برای حفظ امنیت شهر مانع حصول توافق نهایی شد».

در همین حال فرماندار مریوان، تلفنی به خبرنگار خبرگزاری پارس در سنندج گفت: "در مذاکرات دیروز، نظرات و پیشنهادهای یکصد تن از نمایندگان گروههای مردم مریوان با معاون نخست وزیر در میان گذاشته شد که برخی از این پیشنهادهای از طرف دکتر چمران رد شد و بهرحال نتیجه ای از آن عاید نگردید».

فرماندار مریوان، گفت: اکثر ادارات دولتی و کلیه مغازههای مریوان در حال تعطیل است و شهرداری مریوان، بوسیله ماشینهای آبکش، آب آشامیدنی گروههایی را که در خارج از شهر بسر میبرند، تامین میکند. "به اظهار فرماندار مریوان، راهپیمایان سنندجی نیز که ساعت ۲ بعدازظهر دیروز در فاصله یکساعتی مریوان بودند، با پیوستن روستائیان سر راه به آنها به ۱۰ هزار تن بالغ شده اند که در ساعات آینده وارد مریوان خواهند شد.

ورود این عده همزمان با خروج تعدادی از پاسداران انقلاب اسلامی با هلیکوپتر از پادگان مریوان صورت میگیرد.

ارتش ضامن اجرای توافقیهای مریوان است.

دکتر چمران معاون نخست وزیر و رییس هیات مذاکره کننده با نمایندگان مردم مریوان، دیشب در گفتگوی تلفنی با خبرگزاری پارس در تهران ارتش را ضامن اجرای اصولی دانست که عصر دیروز با مذاکره کنندگان مریوان بر سر آن بتوافق رسیدند.

چمران گفت: مردم مریوان به انقلاب و رهبری انقلاب مومن و معتقد و از درگیری و خون ریزی بیزارند ولی احزاب و دستجاتی هستند که در کارها توطئه و کارشکنی میکنند و همین احزاب و دستجات سعی میکردند آرامش در منطقه برقرار نشود و تشنج ادامه یابد».

وی تاکید کرد: بنظر من کسانی هستند که با توطئه گران خارجی در تماسند و برای اخلال در انقلاب اسلامی ایران از هیچ توطئه ای فروگذار نمیکنند.

معاون نخست وزیر در پاسخ به این سؤال که آیا به پایداری قرارهای گذاشته شده اطمینان دارید؟ گفت: "ضامن اجرای اصول مورد توافق، ارتش است یعنی ارتش تصمیم گرفته که امنیت را در منطقه برقرار کند.

اگر با سلام و محبت پذیرفتند فیه المراد و الا با زور و قدرت وارد خواهد شد و امنیت را در منطقه برقرار خواهد کرد.

بنابراین ضامن اجرای توافق و خود ارتش و قدرت ارتش در منطقه است».

دکتر چمران در پاسخ این سؤال که آیا ورود قوای ارتشی به مریوان را در انعطاف طرفهای مذاکره با هیات دولتی موثر میدانند یا خیر؟ گفتند: "حقیقت اینکه مقدار زیادی از تجهیزات ارتشی به مریوان منتقل شده و مریوان از نظر نظامی به درجه ای هست که با قدرت بتواند امنیت را در منطقه برقرار بکند و به نظر رسید که و خود چنین قدرتی از ارتش در منطقه ضروری است.

چمران افزود: بنابراین دیگران نیز احساس کردند که اگر بخواهند مدر مقابل دولت تسلیم بشوند ارتش با قدرت نظامی خودش قادر خواهد بود که مخالفین خودش را سرکوب کند. به نظر من این يك اصلي بود که دیگران به این توافق نامه گردن نهادند و تسلیم صلح و آرامش شدند و دولت در نظر دارد که مواضع نظامی خودش را در کردستان محکم کند تا هر توطئه را در هر کجا که بوقوع پیوست سرکوب کند.

وي افزود: ارتش ارتش همه است و در هيچ امري يا در هيچ اختلافي بين گروههاي مختلف دخالت نخواهد كرد ولي از جان و مال و ناموس همه دفاع خواهد كرد و همه مشكلات حقوقي و اجتماعي كه بين افراد اين منطقه و خود دارد بدست محكمه و دادگاه سپرده خواهد شد.

معاون نخست وزير اضافه كرد: بنا بر اين ميتوان اطمينان داد با وجود قدرت ارتش در منطقه جلوي افراد مسلح و توطئه گران گرفته خواهد شد و مردم ميتوانند با صلح و آرامش در شهر خودشان زندگي كنند بدون آنكه در خطر باشند.

دكتر چمران در پاسخ به اين سؤال نيز كه اگر قرارهاي گذاشته شده رعايت نشود، دولت چه اقدامي خواهد كرد اظهار داشت: دولت با قدرت نظامي خودش امنيت منطقه را تامين خواهد كرد. (كيهان ۱۳۵۸/۵/۱۲)

شوراي شهر مريوان اتهامات چمران را تكذيب كرد. شوراي شهر مريوان طي تلگرامي، اظهارات چمران معاون نخست وزير را كه طي آن اعضاي شوراي شهر مريوان را متهم به دخالت در حوادث خونين مريوان كرده بود، بشدت تكذيب كرد.

از سوي ديگر صدها نفر از مردم بانه، سقز و بوكان كه از سه روز قبل بعنوان اعتراض به دولت موقت و مرتجعين محلي و پشتيباني از آوارگان مريواني دست به راهپيمايي بسوي اين شهر زده اند، پنجشنبه گذشته در منطقه "دوآب" بيكديگر ملحق شدند.

در اين راهپيمايي كليه گروههاي سياسي و اجتماعي در اين شهرها بجز حزب دموكرات كردستان شركت دارند و روستائيان مسير راهپيمايي از آنان استقبال كردند.

شوراي شهر مريوان نيز طي تلگرامي در پاسخ اتهامات چمران معاون نخست وزير، اعلام كرد كه دليل بسيار ساده اي كه اتهام شوراي شهر مريوان را از دخالت در حوادث خونين مريوان رد ميكند اينستكه شوراي شهر ۲ روز بعد از اين حادثه تشكيل شد و بهمين دليل اتهامي را كه چمران به شوراي شهر زده است، شديداً تكذيب ميكنيم. (كيهان ۱۳۵۸/۵/۱۲)

اگر موارد توافق دولت و مردم مريوان رعايت نشود؛ دولت با قدرت نظامي امنيت را برقرار مي كند.

دكتر چمران معاون نخست وزير و رئيس هيات مذاكره كننده با نمايندگان مريوان ديشب در گفتگوي تلفني با خبرگزار پارس در تهران، ارتش را ضامن اصولي دانست. كه با مذاكره كنندگان مريوان بر سر آن به توافق رسيدند. چمران گفت: مردم مريوان به انقلاب و رهبر انقلاب مؤمن و معتقد و از درگيري و خونريزي بيزارند. ولي احزاب و دستجاتي هستند كه در كارهاي توطئه و كارشكني مي كنند. و همين اعضا و دستجات سعي مي كردند آرامشدر منطقه برقرار نشود و تشنج ادامه يابد. وي تاكيد كرد كساني هستن كه با توطئه گران خارجي در تماسند و براي اخلال در انقلاب اسلامي ايران از هيچ توطئه اي فروگذار نمي كنند. معاون نخست وزير در پاسخ به اين سؤال كه آيا به پايداري قرارهاي گذاشته شده اطمينان داريد، گفت: ضامن اجرائي اصول مورد توافق ارتش است، يعني ارتش تصميم گرفته كه امنيت را در منطقه برقرار كند. اگر با سلام و محبت پذيرفتند، فبه المراد، والا بازور و قدرت وارد خواهد شد و امنيت را در منطقه برقرار خواهد كرد. بنا بر اين ضامن اجرائي موارد توافق وجود ارتش و قدرت ارتش در منطقه است. دكتر چمران در پاسخ اين سؤال كه آيا ورود قواي



ارتشی به مریوان را در انعطاف طرف‌های مذاکره با هیات دولتی مؤثر میدانند یا خیر گفت: حقیقت اینکه، مقدار زیادی از تجهیزات ارتشی به مریوان منتقل شده و مریوان از نظر نظامی به درجه‌ای است که با قدرت بتواند امنیت را در منطقه برقرار بکند و به نظر رسید که وجود چنین قدرتی از ارتش در منطقه ضروری است بنابراین دیگران نیز احساس کردند که اگر نخواهند در مقابل دولت تسلیم بشوند، ارتش با قدرت نظامی خود قادر خواهد بود مخالفین خودش را سرکوب کند. به نظر من این يك اصلي بود که دیگران به این توافق نامه گردن نهادند و تسلیم صلح و آرامش شدند. دولت در نظر دارد که مواضع نظامی خودش را در کردستان محکم کند، تا هر توطئه را در هر کجا که به وقوع پیوست سرکوب کند. وی افزود: ارتش، ارتش همه است و در هیچ امری یا در هیچ اختلافی بین گروه‌های مختلف دخالت نخواهد کرد، ولی از جان و مال و ناموس همه دفاع خواهد کرد و همه مشکلات حقوقی و اجتماعی که بین افراد این منطقه وجود دارد، بدست محکمه و دادگاه سپرده خواهد شد. بنابراین می‌توان اطمینان داد با وجود قدرت ارتش در منطقه جلوی افراد مسلح و توطئه گران گرفته خواهد شد و مردم می‌توانند با وجود قدرت ارتش در منطقه جلوی افراد مسلح و توطئه گران گرفته خواهد شد و مردم می‌توانند با صلح و آرامش، در شهر خودشان زندگی کنند، بدون آنکه در خطر باشند. دکتر چمران در پاسخ این سؤال نیز که اگر قرارهای گذاشته شده رعایت نشود، دولت با قدرت نظامی خودش امنیت منطقه را تامین خواهد کرد. (اطلاعات ۱۴/۵/۱۳۵۸)

مذاکرات معاون نخست وزیر با نمایندگان کردها

رادیو صدای آمریکا - مصطفی چمران معاون نخست وزیر که در حال حاضر در مریوان با کردها گفتگو میکند هشدار داده است که دولت مصمم است مناطق کردنشین بهر قیمتی است صلح و آرامش را برقرار سازد. برای اولین بار دولت رسماً اعلام کرده است که برای سرکوبی افراد شورشی از ارتش استفاده کند. (کیهان ۱۴/۵/۱۳۵۸)

نظر چمران

در خبری که چمران معاون نخست وزیر بعدازظهر دیروز در مورد پاره در اختیار خبرگزاری پارس قرار داد، گفته شده است که ساعت ۲ بامداد دیروز - چهارشنبه - افراد مسلح مرکب از احزاب منطقه و حزب دموکرات گروهان و مرکز سپاه پاسداران پاره حمله مسلحانه کردند. در این تهاجم همه راه‌های ورودی شهر محاصره شده و تحت کنترل قرار گرفت. براساس این گزارش تا بامداد دیروز سه نفر از پاسداران زخمی شده‌اند و به گفته آقای چمران، نیروی کمکی از کرمانشاه به سوی پاره حرکت کردند. (اطلاعات ۲۸/۵/۱۳۵۸)

چمران چه گفت؟

خبرنگاران ما پس از ورود به پاره از چند و چون حوادث با دکتر چمران گفتگو کردند چمران گفت: ما صبح آن روز (۲۶/۵/۵۸) هر لحظه در انتظار مرگ بودیم و روحیه افراد ضعیف شده بود از طرفی دشمنان سخت ما را تحت فشار و محاصره قرار دادند و ما تصمیم داشتیم تا آخرین قطره خون خود به جنگ ادامه دهیم و به دشمنان اسلام و ایران ثابت کنیم قادر نخواهند بود این آب و خاک را صحنه تازی‌های خود قرار دهند هر لحظه جنگ سخت‌تر و دشمن قوی‌تر می‌شود و مهمات ما به پایان می‌رسید و برای شهادت آماده بودیم و همگی وصیت‌هایمان را نوشته بودیم حتی در پاسگاه ژاندارمری دشمن آنقدر پیشروی کرده بود که در فاصله ۵ متری ما بود و اطراف ژاندارمری را در محاصره کامل

داشتند آنها از دوستان ژاندارم ما می‌خواستند اسلحه‌هایشان را زمین گذاشته و تسلیم شوند و در امان خواهند بود مهاجمان می‌گفتند ما فقط پاسدار را سر می‌بریم اما ژاندارم‌های شریف که حاضر نشدند تسلیم دشمن شوند به شدت به جنگ ادامه دادند بدین ترتیب دشمن نتوانست ژاندارم‌ری را تسلیم کند.  
فرمان امام

چمران در ادامه سخنان خود گفت: تا لحظه‌ای که فرمان امام از رادیو شنیده شد و انقلاب دگرگونی عجیبی پدید آمد. همه مردم منقلب شده و فریاد الله اکبر شهر را به لرزه در آورد حتی بدون آنکه نفرات کمکی و مهمات رسیده باشد سنگرهای دشمن یکی پس از دیگری با نیروی ایمنان به تصرف درآمد و نیروهای دشمن به سرعت عقب‌نشینی کردند هنگامی که هلی‌کوپترهای جنگی و نفرات رسیدند، آنچنان شور و هیجان بر سراسر پناه حکمفرما شد که در نوع خود بی نظیر است. (کیهان ۲۹/۵/۱۳۵۸)

مصاحبه اختصاصی با دکتر چمران معاون نخست‌وزیر:

من جنگ‌های چریکی را به اتفاق یزدی و قطب‌زاده در مصر فرا گرفتم.

تا موقعی که فضای ترورو حشت بر کردستان حاکم است نمی‌توان به هیچ کار سازنده‌ای دست زد.

دکتر مصطفی چمران معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب که اینک در حلقه محاصره عوامل ضد انقلاب در شهرستان پناه گرفتار است و با شهامت و پایداری خاص مقاومت می‌کند از نظر اکثر مردم چهره‌ای تاشناخته است. این مصاحبه اختصاصی هفته گذشته قبل از عزیمت وی به پناه از سوی خبرنگار کیهان صورت گرفت که خوانندگان را با این چهره ملی آشنا می‌کند.

س: با توجه به اینکه چهره شما کمتر شناخته شده است. مختصری از شرح حال خود را بگویید.

ج: در سال ۱۳۱۰ در تهران متولد شده‌ام دوران دبیرستان و متوسطه را در تهران گذرانده و بعد در دانشکده فنی در رشته الکترومکانیک پایان رسانده و شاگرد اول دانشکده فنی شدم و جزو به ورسیه‌های دانشکده فنی برای ادامه تحصیل به آمریکا رفتم و در آنجا در دانشگاه برکلی تحصیلات خود را پایان رساندم.

از چه سالی فعالیت‌های سیاسی خود را آغاز نمودید. دوران تحصیل من در دانشکده مصادف بود با ایام نهضت ملی و مبارزه برای ملی کردن صنعت نفت من در آن سالها نماینده کلاس خودم بودم و بلااستثناء در تمامی تظاهرات شرکت می‌کردم. در واقعه ۱۶ آذر شرکت فعال داشتم و از قضا هرسه شهید دانشگاه بزرگنیا... قندچی و شریعت رضوی با من دوست و آشنایی نزدیک داشتند. بهمین دلیل مفصل‌ترین مقاله‌ای که در مورد ۱۶ آذر نوشته شد من نوشتم که بعدها در نشریه‌ای بهمین اسم در آمریکا منتشر شد البته مبارزه من

از دانشگاه آغاز نشد بلکه از دوران ۱۵ و ۱۶ سالگی شروع شد و در تمامی دوران متوسطه دانشگاه در همه درگیری‌ها و تظاهرات شرکت داشتم.

بعد از ۲۸ مرداد و سقوط دولت ملی نهضت مقاومت ملی تشکیل شد که آیت‌الله طالقانی، مهندس بازرگان، آیت‌الله زنجانی و مهندس سحابی تقریباً سمت‌رهبیری را داشتند یکی از فعالین موثر نهضت ملی بودم. در روزنامه راه مصدق ارگان نهضت مقاومت ملی من مسوول پخش بودم. این روزنامه مخفی بود و گرفتن یعنی شکنجه و زندان طولانی بود. در آن زمان دانشجویانی که وارد می‌شدند کیفیتشان را می‌گشتند اگر حتی اعلامیه‌ای پیدا می‌شد شدیداً شکنجه می‌شدند ولی ما بهر حال با برنامه خاصی این روزنامه را به دانشگاه تهران می‌رساندیم.

#### آموزش‌های ائدولوژیک

از جمله حوادث معروفی که تقریباً اکثر فارغ‌التحصیلان دانشکده فنی ذکر می‌کنند اینکه مهندس بازرگان در سال سوم به من نمره ۲۲ داد با توجه به اینکه او در دادن نمره بسیار سختگیر بود. و این در تاریخ دانشکده با این جمله معروف است کسی که توانست از شخص بازرگان نمره ۲۲ بگیرد.

از سن ۱۵ سالگی در انجمن اسلامی دانش‌آموزان شرکت داشتم که باز در آنجا هم با آیت‌الله طالقانی و دکتر سحابی و مهندس بازرگان برخورد و آشنایی داشتم و در مسجد هدایت در خیابان استانبول یکی از شاگردان پر و پا قرص آیت‌الله طالقانی بودم و تفسیر قرآن او را از آن سال تا وقتی که به خارج می‌رفتم گوش می‌دادم و مقدار زیادی از آموزش‌های ایدئولوژیک خود را از آقای طالقانی و انجمن‌های اسلامی آنوقت فرا گرفتم.

س: چه سالی به خارج رفتید و مبارزات خارج از ایران شما کی شروع شد؟

ج: در سال ۱۳۳۷- سال ۳۶ از دانشکده فنی فارغ‌التحصیل شدم و یک سال در آنجا تدریس کردم "رشته شیمی و فیزیک" و پس از یکسال به آمریکا رفتم. در آمریکا در تگزاس دوره فوق لیسانس خودم را در رشته برق یک ساله تمام کردم و بعد به کالیفرنیا به دانشگاه برکلی رفتم. در تکرار همه نمره‌های من "الف" بود و این بود که علیرغم سخت‌گیری دانشگاه برکلی که کسی را نمی‌پذیرفت به آنجا رفتم. من در لابراتوار بزرگ دانشکده برق برکلی کار می‌کردم و دکترای خود را سه ساله تمام کردم و در سال ۱۹۶۲ فارغ‌التحصیل شدم.

س: با مرحوم دکتر شریعتی کی آشنا شدید؟

دکتر شریعتی را از تهران می‌شناختم و از آنجایی که او در انجمن اسلامی دانشجویان و دانش‌آموزان مشهد فعالیت داشت و من در تهران - با هم رابطه داشتیم و دوست بودیم و آخرین بار که او مرا دید در زمان دکتر اقبال بود (۱۳۳۶) که یورش به نهضت مقاومت در سطح مملکت آوردند و ۸۶ نفر را دستگیر کردند از جمله استاد محمد تقی شریعتی و دکتر شریعتی، طاهر احمدزاده را از مشهد به تهران آورده‌اند و یادم هست که سر دکتر شریعتی را تراشیدند و کتک بسیار مفصلی به او زدند چون جوانترین آنها بود و تحمل کتک را داشت و من قبل از رفتن به آمریکا او را دیدم.  
فعالترین سازمان

س: آیا در آمریکا فعالیت سیاسی شما ادامه یافت

در آمریکا اولین کاری که کردیم انجمن‌های اسلامی دانشجویان را در آمریکا تاسیس کردیم که صادق قطب‌زاده و دکتر یزدی هم در آن شرکت داشتند. خود من در "برکلی" بودم و قطب‌زاده در واشنگتن بود و با هم مکاتبه داشتیم. این انجمن‌ها هنوز هم هست و بعدها در اروپا هم بوجود آمد که همین انجمن‌های اسلامی دانشجویان خارج است از نظر سیاسی فعالیت ما با انجمن دانشجویان ایرانی شروع شد که در برکلی این انجمن را بوجود آوردیم و خانه ایران را بوجود آوردیم بعدها این انجمن‌ها پایه کنفدراسیون را تشکیل داد قطب‌زاده، بزرگر، علی فاطمی و اردلان این‌ها همه بچه‌های ملی و عضو کنفدراسیون بودند و بعدها یعنی وقتی که ما از آمریکا خارج شدیم کنفدراسیون بدست عوامل چپ‌گرا افتاد.

از سال ۱۹۶۱ که جبهه ملی در خارج تشکیل شد در سال ۱۳۴۰ در تهران تجدید حیات کرد و همزمان با تجدید حیاتش در ایران در خارج هم تشکیل می‌شد. من هم عضو هیات اجراییه بودم و مسوول نشریات نشریه معروف اندیشه جبهه را در آن روزگار چاپ می‌کردیم به خصوص در ۱۵ مرداد پرکارترین و فعالترین سازمانی که در آمریکا اخبار ایران و اعلامیه‌های آقای خمینی و ملیون را منتشر می‌کرد، سازمان ما بود.

س: اشاره کردید که از آمریکا خارج شدید و با خارج شدن شما

نوعی خلاء ایجاد شد، علت خروج شما از آمریکا چه بود؟

ج: بعد از خرداد چهل و دو نوعی تحول کیفی در شکل مبارزه ما ایجاد شد به این معنا که دیگر مبارزه پارلمانی برای ما قانع کننده نبود و به این نتیجه رسیدیم که باید دست به مبارزه مسلحانه زد به خاطر همین فعالیت وسیع و گسترده از ناحیه دوستان ما آغاز شد

که قطب زاده و دکتر یزدی نیز شرکت داشتند، دکتر شریعتی هم در آن زمان در اروپا بود و شیوه جدید مبارزه از ناحیه گروه کثیری دیگر چه در خارج و چه در داخل کشور حمایت و تشویق می شد به همین جهت در سال ۴۲ یعنی ۱۹۶۳ و به همراه قطب زاده و یزدی و عده ای دیگر از دوستانمان عازم مصر شدیم و دو سال در آنجا تعلیم جنگ های چریکی و سازماندهی مخفی دیدیم. البته درگیری هایی هم با بعضی جنبه های افراطی ناسیونالیسم عربی داشتیم و در مورد عنوان خلیج عربی یا اطلاق عربستان به خوزستان اعتراضاتی به عبدالناصر کردیم که ناصر اعتراضات ما را وارد دانست و تایید کرد. وی گفت که جریان ناسیونالیسم عربی آن قدر قوی است که نمی تواند براحتی با آن مقابله کرد و تاکید کرد که افسوس که ما هنوز ندانسته ایم که بیشتر این تحریکات از ناحیه دشمن و برای ایجاد تفرقه در بین مسلمانان است به ما گفت تنها کاری که می تواند بکند این است که به ما اجازه بدهد حرف های خودمان را بزنیم و شاید هم بتوانیم اعراب را روشن کنیم و آنها را متقاعد بکنیم که این برنامه ها برنامه های تفرقه انداز است و نباید پی گیری بشود.

برنامه ما در جنوب لبنان

س: چرا به لبنان رفتید و فعالیت شما در آنجا به چه شکل بود؟  
ج: ما احتیاج به یک پایگاه در منطقه داشتیم که از آنجا بتوانیم فعالیت خودمان را بر علیه رژیم ایران سازمان بدهیم در آن زمان مناسب ترین نقطه لبنان بود اضافه بر اینکه امام موسی صدر رهبر شیعیان لبنان که مخالف حکومت شاه بود حاضر به همکاری با ما بود قطب زاده با وی آشنایی داشت و ما از این طریق با امام موسی رابطه برقرار نمودیم تا بالاخره من در سال ۱۹۷۰ با خانواده خودم آمریکا را ترک و به لبنان رفتم... (کیهان ۲۹/۵/۱۳۵۸)

چمران، جزئیات حوادث پاوه را تشریح کرد.

خبرنگاران مطبوعات دیروز توانستند به پاوه بروند آنها از این شهر جنگ زده گزارشهای تهیه کرده و فرستاده اند که در زیر می خوانیم.

دیروز شهر جنگ زده پاوه یک پارچه اندوه و ماتم بود از بامداد دیروز تیراندازی در این شهر قطع شده و نیروهای ارتش کنترل شهر را بدست گرفته اند دیروز پس از ۴ روز جنگ و گریز فرصتی بود تا مردم پاوه از خانه هایشان بیرون آیند و اجساد کشته شدگان خود را با اندوه و شیون و زاری به خاک بسپارند.

اجساد که روزها در زیر آفتاب سوزان مانده و متلاشی شده بودند مردم پاوه دسته دسته و با دسته های گل خوشبو و شیشه های عطر به سراغ اجساد رفتند و بدین وسیله بوی تعفن را از بین می بردند. صدها زن و مرد پاوه ای در حالیکه به شدت گریه می کردند در خیابان های این شهر براه افتاده و در محوطه بیمارستان شیر و

خورشید این شهر بر سر اجساد مجاهدینی که بر اثر حمله مهاجمین به شهادت رسیده بودند گرد آمده بودند.

در حال حاضر در پاوه کمتر خانواده‌ای پیدا می‌شود که عزیزی را از دست نداده باشد مهاجمین حتی به بیماران بستری شده در بیمارستان رحم نکرده و آنان را به گروگان بردند بیمارستان شیر و خورشید پاوه وضع دلخراشی دارد تمام وسائل پزشکی و آزمایشگاهی این بیمارستان از بین رفته و نابود شده است محوطه اطاقها و سالن بیمارستان پراز پوکه فشنگ و کف اتاقها از خون مردم رنگین شده است.

دکتر حسن عمادی سرپرست شبکه ۶ بهداری و بهزیستی پاوه در مورد وضع بیماران بیمارستان شیر و خورشید سرخ گفت: مهاجمان تمام بیماران را که در بیمارستان بستری بودند کشته و یا با خود به گروگان برده‌اند البته به اعضای کادر پزشکی بیمارستان رحم نکرده و حتی آنهایی را که متاهل بوده‌اند با خانواده‌هایشان به گروگان گرفته و به منطقه‌ای به نام (باینگان) که در آنجا برای معالجه افراد خودشان درمانگاه دایره کرده‌اند برده‌اند. ما هیچگونه اخباری از سرنوشت آنان نداریم اسامی بهیاران بیمارستان که توسط مهاجمان به گروگان گرفته شده‌اند عبارتند از: زهرا اسماعیلی، فروغ خالقی، پروین خمیرچی، شهناز رادفر، شهناز صیامی، بلمی ونورا که هر دو فیلیپینی هستند چند پزشک نیز به گروگان گرفته شده‌اند.

دکتر عمادی اسامی مجروحین را که فعلاً در پاوه بستری هستند بدین شرح اعلام کرد: قادر حمیدی، امین دلاور، اسدی مجاهد، غلام محمد طاهر، نامیان، صابر حسین زاده، محمد خورشیدی، حسین صفری، علی محمد صالحی، بکیرامینی، خلیل احمدی، فتح الله رضایی، محمود بیک محمدی، قنبر احمدی، نورالله شریفی، پریچه محمد جعفر، عزیزی دکتر عمادی تعداد کشته‌شدگان را بین ۶۰ تا ۷۰ نفر خواند و گفت که اکثر کشته‌شدگان مجاهدین هستند که از شهرستانهای دیگر به پاوه آمده بودند.

دکتر عمادی از تعداد کشته‌شدگان مهاجمین اظهار بی اطلاعی کرد و گفت: مهاجمین اغلب کشته‌ها و مجروحین را با خود برده‌اند و با اجساد آنها در بالای کوهها و در سنگرها همچنان باقی مانده است و ما نتوانستیم به اجساد آنها دسترسی پیدا کنیم.

بابا خاص برادر یکی از مجاهدین پاوه که بدست مهاجمین کشته شده است در مورد حمله مهاجمین به بیمارستان پاوه گفت: مجاهدین مستقر در بیمارستان تا زمانی که مهمات داشتند در برابر مهاجمین مقاومت کردند و پس از اتمام مهمات خود به دو گروه ده

نفری تقسیم شده و به عقب نشینی پرداختند. که متأسفانه در این عقب نشینی ۲۵ نفر از آنان جان خود را از دست دادند باپاخاص در مورد چگونگی وضع بیماران بیمارستان گفت مهاجمین اغلب بیماران بیمارستان را به وضع فجیعی کشته و تعدادی از آنها را نیز به گروگان گرفتند در حال حاضر از تعداد کشته شدگان طرفین به علت عدم دسترسی به سنگرهای ارتفاعات اطلاع دقیقی در دست نیست، ولی پیش بینی می شود که صدها نفر از طرفین در این درگیری کشته شده اند.

### چگونگی محاصره

دکتر چمران معاون نخست وزیر که فرماندهی عملیات رادر پاوه به عهده دارد در گفتگویی با خبرنگاران درمورد حوادث اخیر پاوه گفت وقتی خبر حمله مهاجمین به مارسید شهر بکلی در محاصره مهاجمین بود من به اتفاق تیمسار فلاحی تصمیم گرفتم که فوراً با هلی کوپتر خودمان را به وسط شهر محاصره شده برسانیم هنگامی که هلی کوپتر ما فرود آمد هدف گلوله قرار گرفت ولی با موفقیت به زمین نشست ولی در بازگشت هلی کوپتر نتوانست کنترل خود را حفظ کند و سقوط کرد و با در جای دیگر مجبور به فرود شد که ما از واقعیت امر بی اطلاع هستیم در هر حال توسط افراد جلال طالبانی، ایل سالارچاق و نیروهای پالیزبان به رهبری دمکراتها و بعضی از احزاب چپ نمای دیگری شهر را محاصره کرده بودند و هر روز ضربات شدیدی به شهر وارد می کردند و مناطق جدیدی از شهر را به تصرف خود درمی آوردند شدیدترین زد و خوردها شاید در بیمارستان شیرو خورشید رویداد و من میتوانم این بیمارستان را قتلگاه نام گذاری کنم زیرا در این بیمارستان حتی مریض ها را سر بریده اند و پاسداران ما سخت ترین زد و خوردی که با آنها کردند حدود سی شهید بجا گذاشتند و نیروهای کمکی که بسمت پاسداران مستقر در بیمارستان فرستادیم حین حرکت توسط مهاجمین یا به شهادت رسیدند یا به شدت مجروح شدند تا بالاخره بیمارستان بطور کلی به دست مهاجمین افتاد تا آن شب وحشتناک که همه شهر به تصرف آنها درآمده بود جز ژاندارمری که تا ۵ متری آنها نیز نفوذ کرده بودند و با خمپاره و رگبارهای سنگین آنها را به گلوله بستند مهاجمین به ژاندارمرها اظهار داشتند ما با شما کاری نداریم اسلحه خود را تحویل دهید و همه سلامت بروید ما می خواهیم سر پاسداران را ببریم.

البته پاسداران قسم خورده بودند تا آخرین قطره خون خود به جنگ ادامه دهند و عده ای از ژاندارمری ها که در آنجا بودند مقاومت

کرده و به جنگ ادامه دادند و جنگ در کمال شدت تا صبح ادامه داشت.

فرمان امام

دکتر چمران در ادامه سخنان خود گفت:

در خود شهر پاوه که من نیز در آنجا بودم حلقه محاصره هر لحظه تنگ تر می شد و چیزی نمانده بود که به مرکز پاسداران انقلاب دست یابند ولی پاسداران یک لحظه دست از جنگ بر نداشتند تا بالاخره صبح شد که در این لحظه سخنان و فرمان امام منتشر شد به محض انتشار خبر وضع به کلی دگرگون شد و بچه ها با فریاد الله اکبر فرمان امام را لبیک گفتند و دشمنان تیز مانند مور و ملخ پراکنده شدند با اینکه نیروهای جدید هنوز نرسیده بود و همان نیروهای خسته و تقریباً از کار افتاده همچنان در پاوه مقاومت می کردند و جنگ ادامه داشت.

تا اینکه ما شروع به پیشروی کردیم و موفق شدیم ارتفاعات را که پاسگاه ژاندامری در آنجا واقع شد پاکسازی کنیم.

که در این لظه یک نفر از مجاهدین نیز شهید شد در ضمن برای گرفتن فرودگاه که هلی کوپتر در آنجا به زمین می نشستند به ۳ گروه تقسیم شدیم و با حمله ۳ جانبه موفق شدیم فرودگاه را به تصرف درآوریم و امکان فرود هلی کوپتر و نیروهای کمکی را فراهم آوریم هر چند که در این حمله چندین تن از پاسداران را از دست دادیم همچنین بیمارستان را نیز بعد از ظهر بین ساعت ۵ و ۶ با حمله گروهی به تصرف خود در آوردیم از این ساعت به بعد سیل هلی کوپترهای حامل نیروهای کمکی و کادر درمانی به پاوه اعزام شد و مردم پاوه از خانه های خود که ۳ روز بود بیرون نیامده بودند بیرون آمدند.

دکتر چمران در پایان گفت امروز سیل نیروها به طرف پاوه سرازیر شد و ما در حال پیشروی هستیم مناطق زیادی را از وجود مهاجمان پاکسازی کنیم و مطمئناً با استقرار نیروهای اعزامی از کرمانشاه امنیت از هر جهت به منطقه باز خواهد گشت.

ساعت ۱۲:۳۰ دقیقه دیروز قوای ارتش با تجهیزات کامل سه فرماندهی تیمسار فلاحي وارد پاوه شد و در محلهای حساس این شهر مستقر شد در حدود ساعت ۳ بعد از ظهر دیروز به دنبال انتشار خبر صدای جمهوری اسلامی ایران بار دیگر در پادگانهای کرمانشاه جنب و جوش عجیبی به چشم می خورد و آماده باش اعلام شد و گروههای مختلف مردم ضمن تماس با مقامات مربوط آمادگی خود را جهت اعزام به سنندج اعلام داشتند خبرنگاران که از تبریز عازم پاوه



شده بودند در گزارش‌های خود از کرمانشاه می‌نویسند در حال حاضر کنترل جاده میاندوآب به بوکان در دست اعضای حزب دمکرات کردستان است و رفت و آمد اتومبیل‌ها به شدت کنترل می‌شود خبرنگار ما می‌افزاید در حد فاصل شهرهای میاندوآب و بوکان مسافران بیش از ده بار توسط اعضای حزب دمکرات کردستان به شدت کنترل می‌شوند و کسانی که اسلحه نداشته باشند میتوانند عبور نمایند.

دیروز ارتش جمهوری اسلامی ایران طی اعلامیه‌ای از هموطنان مسلمان درخواست کرد که به هوش باشند و فریب عده‌ای اخلالگر را که هدفی جز ایجاد آشوب و بلوا ندارند نخورند. (کیهان ۲۹/۵/۵۸)

پیام چمران

دکتر چمران معاون نخست‌وزیر دولت موقت جمهوری اسلامی ایران خطاب به ملت ایران پیامی فرستادند متن پیام به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت شریف و قهرمان ایران به خاطر همه شهدای خونین کفن پاوه، به خاطر مجروحین و به خاطر همه رزمندگان از جان گذشته از شما هوطنان عزیز و از این همه احساسات پاک و این همه بزرگواری و احساس مسوولیت صمیمانه تشکر می‌کنم. به هیچ‌وجه گمان نمی‌کردم که زنده بمانم. در میان رگبار گلوله و در میان محاصره دشمن حتی يك لحظه امید زنده ماندن را نداشتم ولي قاطعانه تصمیم گرفتم که با کمال افتخار به استقبال شهادت بروم تا به دنیا نشان بدهم که سربازان اسلام در صحنه مرگ و زندگی چگونه جانبازي می‌کنند و چطور با مرگ روبرو می‌شوند. از يك معركة هولناك و صحنه دردناك دیگر می‌دویدم و با توکل به خدا و قبول آنچه او برای ما مقدر کرده است سعی می‌کردم که نیروهای مومن به انقلاب را متمرکز کنم. به دوستان مایوس و دلشکسته‌ام امید بدهم و رسالت مقدس اسلام را به آنها بازگو کنم و تصمیم قاطعی برای استقبال شجاعانه شهادت را به آنها ابلاغ نمایم. سخت‌ترین لحظات زندگی من لحظاتی بود که بهترین دوست مبارزم که کنارم ایستاده بود یکباره بی‌جان و قطعه قطعه شد در برابرم به خاک افتاد که گویی هیچگاه حیات نداشته است و دردناک‌ترین لحظه هنگامی بود که دوستان کرد و منقلب شده و دیوانه‌وار خود را به هر طرف می‌زدند. من در حالی که قلبم می‌جوشید و می‌خروشید باید آمرانه فرمان دهم که کشته‌ها را جمع کنید و حتی به نزدیکترین دوستان منقلب شده‌ام سیلی بزنم و آنها را با زور و قدرت به کار وادارم. و سوزناکترین لحظات عمرم هنگامی بود که همه روزنه امید بسته شده بود و عده‌ای از پاسداران تقاضای بازگشت داشتند. کردهای مومن به انقلاب با نگاهی دردناک و

تاثرآور به من می‌نگریستند که چگونه می‌خواهم آنها را در میان دریای مرگ و نابودی رها کنم و بروم. آنگاه با صدای قاطع به آنها گفتم که دوستان من تصمیم قاطع گرفتم که همراه شما شهید شوم. من باز نمی‌گردم و شما را تنها نمی‌گذارم زیرا شهادت در راه خدا افتخارآمیز و لذت بخش است. اما معجزه رخ داد. چنان کوبنده و زیرورو کننده که برای هیچ کس قابل تصور نبود، همانگونه که چند ماه پیش انقلاب پرافتخار ایران معجزه‌وار پیروز شد و فرمان امام صادر شد و کوه و دره‌ها و دشت‌ها لرزه انداخت. پاسداران از جان گذشته با فریاد الله اکبر می‌خروشیدند. به زمین و آسمان لبیک می‌گفتند. چه معجزه‌ای که فقط از مردان برانگیخته خدا میسر است. نیروهای دشمن از هر سو پا به فرار گذاشتند و مومنین به انقلاب آنچنان نیرو و قدرت گرفتند که دست به پیشروی زدند و پاسگاه ژاندارمری را که در دست دشمن بود با یک هجوم شجاعانه و فقط با یک شهید تسخیر کردند. منطقه وسیع و خطرناک راه نوسود را با یک یورش سریع پاکسازی نمودند و فقط یک شهید دادند و بیمارستان مشهور به قتلگاه را نیز بدون هیچ تلفاتی به تصرف درآورده و چنان روحیه و قدرتی یافتند که می‌توانستند هر دشمن قوی پنجه‌ای را از پای درآورند. بعد نیروی کمکی با شور و هیجان فراوان رسیدند. هلیکوپترها مرتباً فرود می‌آمدند و نیروهای جدید پیاده می‌کردند و شهدا و مجروحین را انتقال می‌دادند. راستی که شب پیش شهادت و شکست و سقوط بود با فرمان امام آنچنان تغییر کرد که شب بعد شب امید و آرامش و پیروزی بود. چه کسی می‌توانست چنین معجزه‌ای را بوجود آورد. که از یک شب هولناک و نقطه‌ای تاریک چنین تحول و تحرکی خلق کند که مبدا جنبش و حرکت و پیشروی بسوی انقلاب راستین اسلام باشد. در این روز مصیبت می‌توانم به جرئت بگویم که حتی یک قطره اشک نریختم و در برابر سخت‌ترین فاجعه‌های منقلب کننده با آنکه در درون خود گریه کردم ولی در ظاهر قدرت خود را به شدت حفظ می‌نمودم و همه دردها و ناراحتی‌ها را در ضمیر خود حبس می‌کردم تا لحظه‌ای که در فرمانداری به عکس امام برخورد کردم یکباره سیل اشک از دیدگانم فرو چکید و همه عقده‌ها و فشارها و همه ناراحتی‌هایم آرامش یافت و خوب احساس می‌کنم که فقط یک قدرت روحی بزرگ در این یک ابرمرد تاریخ قادر است، چنین معجزه کند و امیدوارم که ملت ما نیز قدر رهبر عظیم انقلابی خود را بداند و تحت رهبری او همه توطئه‌های دشمنان اسلام و ایران را نابود کند من اطمینان دارم که ملت ما یک چنین روحیه و ایمان و فداکاری با آگاهی و احساس مسوولیت قادر است که همه مشکلات را حل کند و این رسالت بزرگ و مقدس را با افتخار به سر منزل مقصود برساند.

از پاوه، دکتر مصطفی چمران (جمهوری اسلامی ۲۹/۵/۱۳۵۹)

مصاحبه اختصاصی جمهوری اسلامی با دکتر چمران معاون نخست‌وزیر در پاوه

دکتر چمران مردی ۴۸ ساله است داری ۳ فرزند است وی درجه دکتری فیزیک و الکترونیک را از دانشگاه برکلی گرفته است. وی در آمریکا به تحقیق مشغول بود تا اینکه واقعه ننگین ۲۸ مرداد روی می‌دهد و لزوم جبهه نظامی را در خاورمیانه احساس می‌کند و راهی لبنان می‌شود این نقطه منطقی در زندگی مبارزاتی دکتر چمران به حساب می‌آید او در جنوب لبنان ۸ سال بر علیه اسرائیل می‌جنگید و رهبری شاخه نظامی امل (افواج مقاومه لبنانیه) را به عهده داشت پس از پیروزی انقلاب به بازگشت وی زمانی که در ایران بود در محضرایت‌الله طالقانی و استاد شهید مطهری کسب فیض می‌کردند و یکی از موسسین انجمن‌های اسلامی در ایران و آمریکا بوده اند و از کسانی بود که در لیست سیاه ساواک قرار داشت.

شجاعت و ایمان و قاطعیت و متانت و استقامت و آگاهی‌این مرد همه را به شگفتی وا می‌دارد، وی در شبها با استتار به میان مهاجمین رفته و مواضع آنان را شناسایی می‌کرد با این اطلاعات هلیکوپترهای هوانیروز را به مواضع آنان هدایت و آنان را سرکوب می‌کرد.

متانت و قاطعیت و عطوفت همه در روی جمع است همه از پاسدار و ارتشی بومی و غیر بومی‌او را دوست می‌دارند.

به گفته‌ایشان پیروزی بر مهاجمین یک معجزه بود، زیرا از شهر و خانه بیشتر در تصرف پاسداران نبود و آنان از نظر مواضع اسلحه نفرات و تکنیک و هماهنگی بر پاسداران برتری داشتند.

اما پاسداران با اسلحه ایمان و استقامت بر آنان پیروز شدند و آیات قرآنی مصداق پیدا کرد.

ان ینصرالله ینصرکم و ثبت اقدامکم، اگر خدا را یاری کنید و استوار باشید خدا نیز شما را یاری می‌کند "به‌آیه دیگر" کم من فئه قلیله غلبت فئه کثیره باذن الله" چه بسیار اتفاق افتاده است که نیروی اندکی بر نیروی زیادی به اذن خدا پیروز شدند».

در نیمه شب هنگامی که جنگ به حداکثر خود رسیده بود سقوط پاوه قطعی بنظر می‌رسید به چمران و مردم پیشنهاد می‌کنند تسلیم شوند و چمران در جواب می‌گوید باید از مقامات بالا سؤال کند صبح فردا هنگامی که هلیکوپتر کبرا رسیدند مواضع آنان را در هم کوبیدند و آنان را عقب راندند و شهر پاوه را از سقوط نجات دادند و این یک معجزه بود.

ما با ایشان در شهرستان پاوه به صحبت نشستیم و در باره مساله پاوه گفتگو کردیم.

س-آقای چمران آیا در میان مهاجمین کسانی بودند که خواستار مذاکره باشند؟

آنهايي که مي‌خواستند مذاکره بکنند با آنهایی که واقعاً محرك بودند اختلاف دارند. اصلاً دهاتی بودند که می‌خواستند مذاکره کنند. مردم تمام دهات

س: اینها که از اول با شما درگیر نبودند؟

چرا قبلاً درگیر شده بودند. به دو قسمت شده بودند. یک قسمت با آنها بود یک قسمت با انقلاب.

س-چرا اینطور شد؟

اختلافات داخل پاره از قدیم است و مربوط به جدید نیست و اختلاف خود پاره با مناطق دیگر باز هم قدیمی است فقط همیشه با هم رقابت و دشمنی داشتند. دیگران که ایل قلخانی و بنابراین وابسته به پالیزبان است و بنابراین فاسدند. و می‌گویند اکثر رهبرانشان دزد هستند و با دزدی امرار معاش می‌کنند و آدمهایی هستند که وقتی می‌گویند یک نفرشان کشته شده شدایلهای دیگر می‌گویند. الحمد لله دعا میکنند که این کشته شده است.

ایل دیگری است که وابسته به سالار جاف است که اینها از دهات آمده بودند و یک مقدار از آدمکش‌هایی که شب حمله به بیمارستان انجام داده‌اند و وابستگان به سالار جاف بودند که از سرپل ذهاب آمده بودند و بعد وابستگان پالیزبان هست که ایلات دیگری هستند. یک عده از جوانرودها بودند و جوانرودها تکذیب کردند ولی از جوانرودها هم عده‌ای بودند که آمده بودند و نیروهای بسیار خطرناک مهاجمین که از دسته جلال طالبانی بودند که از نوسود از مرز عراق آمده بودند و چهار روز قبل از رفتن هلیکوپتر ما در حال نشستن بود یک تیر زیر آن زدند و هلیکوپتر سوراخ شد البته روی فرودگاه بود و نشست و هنوز سرنوشت هلیکوپتر را بطور دقیق نمی‌دانم چطور شد؟ به سلامت برگشت یا نه گفتند بین راه گمشده همان که ما با آن آمده بودیم تیر خورده و نشست و ما زیر رگبار گلوله بیرون پریدیم و بلند شد رفت مثل اینکه جای دیگری فرود اجباری کرده فکر می‌کنم که سقوط کرده بعد فهمیدیم که یک عده حاضر شده‌اند که مذاکره کنند و یک عده از دهات اطراف وقتی هواپیماهای جت آمدند و دیوار صوتی را شکستند و بعد هلیکوپتر ما حاضر شد اینها احساس کردند که خلاصه دولت وارد عمل شده، اگر هواپیماها بیایند و بگویند و ارتش وارد عمل شود دخل اینها در خواهد آمد و خانه، زندگی و زن و بچه‌هایشان از بین خواهد رفت. بنابراین مردم عادی شهرها مخالف بودند به اینکه می‌جنگند ولی آن افرادی که ذکر کردیم. از پالیزبان و سالار جاف و جلال طالبانی به اضافه حزب دموکرات که تقریباً رهبر مهاجمین است و از نظر سازمانی اینها را رهبری می‌کردند و رهبرشان هم آمده بود که از سنندج آمده بود و چریکهای فدائی خلق و چپ‌نماهای دیگری نیز با اینها بودند. وقتی بلندگویشان در شهر اعلام می‌کرد و مردم را به تسلیم دعوت می‌کرد، خلاصه حرفشان این بود که ما حزب دموکرات هستیم و از شما ای مردم شهر پاره درخواست می‌کنیم که به ما بپیوندید. (از شما دعوت می‌کنیم که وفاداری خودتان را به حزب دموکرات اعلام بکنید). البته وقتی اینها را می‌گفتند: پاسداران هم رگبار گلوله به اینها می‌بستند برای اینکه صدایشان با صدای گلوله اینها در هم شود. بنابراین نقش حزب دموکرات به عنوان رهبر یا خطاط این برنامه چیز واضحی است و بعد آدمهایی مثل قلخانیها که وابسته به پالیزبان یا سالار جاف هستند اینها را مردم محل می‌شناسند و حتی مهاجمین ما هم ارتباط خانوادگی و غیره دارند. اینها شهادت می‌دهند که این افراد را معرفی کنند.

س-ا شماره کردید که اختلافات در پاره و در دیگر نقاط این استان آن قدر عمیق است که برای شما تعجب‌آور است که اینها چگونه توانسته‌اند به این صورت متحد باشند واقعاً اینها چه خط مشترکی دارند که در این مورد همه با هم متحد شدند و بر علیه دولت دارند می‌جنگند.

ج: تنها خط مشترکی که مخالفتشان با انقلاب اسلامی ایران بود سالار جافها، پالیزبانها، جلال طالبانیها، و دموکراتها و چریکهای فدائی خلق همه یک هدف دارند و آن سقوط نظام فعلی است بنابراین دست اتحاد با هم داده

بودند براي چه مي‌جنگيدند ولي عده زيادي از مردمی که دنبالشان آمده بودند براي غارت آمده بودند.

س- شما فرموديد که مهاجمين مي‌خواهند يك خط سياسی کاملاً مشخص باشند و اما اين حادثه کم‌کم پيش آمد و در جريان حادثه، حوادث بعدي تکميل کننده آن بود؟ بنابراین يك مسير مشخص سياسی بوده است؟

ج: يك ناراحتی ساده و ممکن است همیشه وجود داشته باشد که دشمن می‌آيد و اين ناراحتی ساده را می‌گیرد و از آن استفاده می‌کند و برای نجات پایه يك معجزه بود. هنگامیکه مساله امنیت مطرح است کارهای عمرانی باید به موازات آن انجام شود. سالار جاف‌ها، دموکراتها، پالیزبانها، جلال طالبانی‌ها و چریک‌های فدایی خلق همه يك هدف دارند و آن سقوط نظام جمهوری اسلامی است.

مصالح سياسی خودش بکار می‌اندازد. از نظر من حزب دموکرات و اين ناراحتیها و ناراحتیهای محلی را که از قدیم وجود داشت مورد استفاده قرار داد و مردم منطقه را تحریک کرد بنظر من خبیث‌ترین و کوبنده‌ترین دليل علیه حزب دموکرات همین قضیه است که برای پيش‌بردن قسم خود حاضر شده است با پالیزبانها و سالار جافها دست در دست هم قرار بدهند و به دولت انقلاب اسلامی لطمه بزنند.

بنابراین چیزی برای ناراحتی وجود داشته ولی اینها این ناراحتی را به نفع خودشان مورد استفاده قرار دادند و برای ایشان مهم نیست که چه ماده‌ای است هر چه باشد تا وقتی که هدف آنها را تامین بکند انجام خواهند داد.

س- آقای دکتر چمران در رابطه با این مساله می‌بینیم که از يك ماه پيش همینطور که آقای فرماندار فرموده‌اند روزنامه‌ها حساسیت روی مساله پایه نشان داد و آن را با تیتراژ درشت در صفحه اول ذکر می‌کردند ولی ظاهراً دولت به آن توجهی نکرد یا این عدم ضعف با بی‌توجهی دولت نبود که این مساله را زودتر حل نکرد؟

ج: شکل دولت این است که قدرت ندارد. قدرت ارتش است قوای انتظامی است که آنها هم با مشکلات بسیار زيادی دست به گریبان هستند که متأسفانه حل آن هم ساده بنظر نمی‌آيد و این مشکلات يك مقدار مشکلات اصولی و اساسی است، مشکلات ناشی از اشتباه‌کاری‌هایی که در همین ماههای اخير بوجود آمده، ارتش اصولاً يك مقدار سردی بیطرفی، بی‌حسی، عدم مسوولیت از خود نشان داده و حتی می‌شود گفت عناصر فاسدی هم که در ارتش وجود داشتند توطئه و کارشکنی کردند کارها را متوقف کردند به عنوان نماینده رسمی فلاحی هم که فرمانده نیروهای زمینی است آمده ولی می‌بینید که عملاً نمی‌توانند کاری بکنند.

بنابراین اگر بخواهید بگوئید دولت نمی‌خواهد کاری بکنند این صحیح نیست برای اینکه بزرگترین و موثرترین افراد خودشان را فرستادند ولی آن افراد، آن ارتش، آن نظام و آن سیستم طوری است که نمی‌شود با آن کاری کرد یعنی قدرت ندارد قاطعیت ندارد بنابراین مساله به این صورت برمی‌گردد که این دستگاهی که به تمام قوای انتظامی در دست دولت‌هاست آیا قادر به عمل مثبت هستند یا نیست!

این سئوالی بود که این پاسداران ما از ما می‌کردند در حالتی که بسیار عصبانی و ناراحت بودند که دولت نمی‌خواهد کار بکند و جواب می‌دادم همین که من به عنوان نماینده محبوب نخست‌وزیر که پيش شما آمده‌ام همکاری

دولت را به شما نشان بدهم از این بیشتر چه انتظار دارید و می‌دانید که اگر هم مردید با شما خواهیم مرد بنابراین احساس می‌کنید که این عدم توجه و عدم علاقه به شما نیست علاقه و توجه به این شدت وجود دارد ولی قدرت نظامی ما و دستگاه ما جوری است که سریعتر از این کار پیش نمی‌رود این خود يك مشکل هست.

س- نقش قیاده موقت چه بود؟

ج: هیچ دخالتی نداشتند در مریوان هم هیچ دخالتی نداشتند و آنهایی هم که می‌گویند در مریوان دخالت داشتند دروغ می‌گویند.

س- درباره انفجارهایی که در حد مرزی ایران یعنی از خوزستان تا آذربایجان رخ می‌دادند دولت چه فکری کرده است؟

ج: به نظر من این نقاط نقاطی است که به علت قرنها فقر و محرومیت که در این مناطق گذشته ماده مستعدی برای پذیرش توطئه است بنابراین نقطه ضعفی، برای دولت و ملت ایران به حساب می‌آید و دشمن هم سعی می‌کند که در این نقاط ضعف ما را بگوید بنابراین می‌بینیم که بلوچستان و خوزستان و کردستان را به آتش می‌کشد.

س- به نظر شما اساسی‌ترین اقدامی که دولت می‌تواند ضرب الاجل در این نقاط انجام دهد، چیست؟

ج: بنظر من کارهای عمرانی است که این ماده فقر و محرومیت را از بین ببرد و نشان بدهد که آن عدالت واقعی اسلامی را برای همه بکار خواهد برد و برای دولت ما فرق بین کرد و ترک و عرب و بلوچ وجود ندارد. همه در مقابل عدالت اسلام یکسان و برادر و برابرند.

س- قبل از اختصاص بودجه عمرانی باید امنیت منطقه اینجا تامین شود با این نقطه نظر موافق هستید.

ج: صد درصد موافق هستم برای اینکه در منطقه مریوان یا مهاباد یا سرو یا کامیاران دیدیم که افراد جهاد سازندگی را گرفتند و به زندان انداختند و شکنجه کردند و امکان کار به آنها ندادند، به طور کلی می‌شود گفت: که دشمنان ما نمی‌خواهند این فقر و محرومیت از بین برود برای اینکه از این ماده توطئه را بتوانند استفاده ببرند. بنابراین برای اینکه بتوانیم کار عمرانی بکنیم باید به هر ترتیب که هست امنیت منطقه حفظ شود به هر ترتیبی که ضروری باشد ولی ما معتقدیم که هنگامی که مساله امنیت مطرح است کارهای عمرانی هم به موازات انجام شود و این کار را در مریوان کردیم از نظر کارهای عمرانی از نظر شرکت‌های تعاونی و غیره و با اهتمام خاصی که دولت و وزارت کشور و جهاد سازندگی در منطقه داشت نیروهای خودش را در منطقه بکار انداخت که به مردم نشان بدهد که واقعاً این‌ها می‌خواهند با جان و دل برای شما کار بکنند.

س- دولت افراد معتمدی را سراغ دارد که وقتی بودجه در اختیارشان قرار می‌دهد بودجه را صرف خرید اسلحه نکنند؟

ج: به نظر من بله، با شناختی که من در مناطق کردستان و در نقاط مختلف پیدا کردم، افراد پاک و مومن و فراوان پیدا کردم ولی این افراد پاک و مومن از نظر احزاب توطئه‌گر آدم‌های نابابی هستند و به علت عدم وجود امنیت اینها در لیست سیاه آنها فاسدانی شده‌اند و اغلب محکوم به اعدام هستند اگر گیر آنها بیفتند از بین خواهند رفت. بنابراین تا هنگامی که امنیت وجود ندارد آنها نمی‌توانند کاری بکنند اگر امنیت وجود داشت به نظر من نیروهای پاک و مومن واقعی در این منطقه زیاد هستند ولی خوب در قدم اول جهاد سازندگی و دولت

می‌تواند از نمایندگان خاص خودش بفرستد و در ضمن کار در منطقه با افراد پاک‌ی که در منطقه وجود دارند همکاری بکنند و همدیگر را بشناسند و سپس کا را تحویل آنها بدهد و در این صورت اشکالی نخواهد داشت. (جمهوری اسلامی ۱۳۵۸/۶/۶)

معاون نخست وزیر:

ارتش به مهاباد نیرو می‌فرستد.

ارومیه - خبرنگار کیهان: دکتر چمران معاون نخست وزیر در گفتگو با کیهان اعلام کرد، به مهاباد نیرو اعزام خواهد شد و ارتش در نقاط مهم مستقر می‌شود. همچنین کمیته سه نفری در ارومیه تشکیل شده و حفاظت شهر را بعهد خواهد گرفت.

دکتر چمران گفت: "کارهای سازندگی در مناطق کرد نشین ارومیه آغاز خواهد شد و ساکنین روستاهائی که در پی تیراندازی‌ها خانه‌های خود را ترک کرده‌اند، با برقراری آرامش به خانه‌های خود باز می‌گردند."

وی در پاسخ اینکه روسای عشایر چه درخواست‌هایی در مذاکرات ارومیه از دولت داشتند. گفت شروع کارهای سازندگی در روستاها، تامین بهداشت ساکنین مناطق کردنشین، استخدام تحصیل‌کردگان کرد، توسعه مدارس و راهسازی از جمله خواسته‌های روسای عشایر کرد بود و چون بین ترک و کرد تفاوتی نیست و همه ملت ایرانند، بمحض اینکه امنیت در منطقه برقرار شد، کارهای عمرانی و سازندگی در مناطق عشایری شروع می‌شود. وی در اینمورد اضافه کرد:

"خوشبختانه دولت پول هم دارد و فقط مردم مناطق باید در عمران و آبادی با دولت همکاری کنند."

معاون نخست وزیر گفت: "۱۰ نفر از افراد جهادسازندگی در مهاباد زندانی هستند که اینهم باعث تأسف شدید دولت است. (۴ تن از این افراد که پاسدار بودند، روز گذشته آزاد شدند) وی این حادثه را تأسف بار خواند و آنرا بهانه توطئه گرانی خواند که نمی‌خواهند منطقه آباد شود."

چمران در مورد تامین امنیت منطقه گفت:

"این امر بعهد ارتش واگذار شد و ارتش در مناطق مهم، مستقر خواهد شد. مسلماً به مهاباد هم که پادگان آن برچیده شده است، نیرو اعزام خواهد شد. همچنین پاسگاه‌های ژاندارمری در سراسر منطقه دایر می‌شود و هر کس علیه قوای انتظامی دست به توطئه بزند، ضد دولت و ضد انقلاب بحساب خواهد آمد و شدیداً سرکوب خواهد شد."

وی در مورد استقرار مجدد گروهان ژاندارمری در (سرو) گفت:

چون بزرگان منطقه با صلح و صفا قضایای منطقه را حل می‌کنند، بنابراین گروهان ژاندارمری (سرو) در یک محیط دوستانه بازسازی می‌شود و استقرار مییابد و حمایت از آن را از ارتش، تقبل خواهد کرد.

معاون نخست وزیر رفع کدورت و دشمنی بین کردو ترک را از جمله اقدامات ثمر بخش مذاکرات ارومیه خواند و اضافه کرد کسانی که خانه‌های خود را در اثر تیراندازی‌ها در دهات ترک کرده بودند بخانه‌های خود بازگشتند و مشکل این منطقه خاتمه یافت.

تشکیل کمیته هماهنگی در ارومیه

معاون نخست وزیر در این گفتگو اشاره به تشکیل کمیته هماهنگی و کنترل افراد مسلح و حفاظت و رهبری شهر توسط این کمیته کرد و اعلام کرد که

هیچکس بدون اجازه این کمیته سه نفری حق حمل اسلحه را نخواهد داشت و همچنین دستگیری افراد و هر عمل انتظامی دیگری زیر نظر مراجع رسمی دولتی و حقوقی و دادستان انقلاب اسلامی خواهد بود.

بگفته چمران: این کمیته سه نفری مرکب از نماینده سپاه پاسداران، نماینده کمیته‌ها و یک افسر ارتش از سوی فرماندهی لشکر ۶۴ ارومیه خواهد بود. این کمیته همه کارهای پاسداران و سپاهیان داخل شهر ارومیه را رهبری خواهد کرد. اسامی اعضای این کمیته هنوز فاش نشده است.

مذاکرات برای آزادی ۱۵ تن از عوامل مسلح که در نخستین روز درگیری مریوان در نزدیکی‌های پادگان مریوان دستگیر شده‌اند ادامه دارد

بدنبال تظاهراتی که دیروز در مریوان صورت گرفت، تظاهر کنندگان که مخالف استقرار پاسداران در داخل پادگان بودند خواهان آزادی ۱۵ نفر شدند، این گروه در ارتباط با درگیری‌های خونین مریوان که منجر به کشته شدن ۱۳ تن از پاسداران مستقر در مریوان شد، در نزدیکی‌های پادگان مریوان دستگیر شدند.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز صبح امروز در یک تماس تلفنی به خبرنگار کیهان گفت: آخرین خبری که تا این ساعت بدست ما رسیده مذاکرات رضایت‌بخش نبوده و در مورد استقرار پاسداران در داخل پادگان مخالفت شده است.

در مورد آزادی ۱۵ نفری که در ارتباط با جریان‌های اخیر مریوان دستگیر شده‌اند سخنگوی سپاه پاسداران گفت: پس از رسیدگی به علل و جوانب امر تصمیماتی در مورد این گروه صورت می‌گیرد. (کیهان ۱۰/۶/۱۳۵۸)

پیام دکتر چمران

دکتر چمران در پیام دیروز خود، به چگونگی قرار گرفتن هلیکوپترها اشاره کرد و از نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران در وقایع غرب کشور ستایش نمود. متن پیام دکتر چمران به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

درد بی پایان به ارتش جمهوری اسلامی، درود به خلبانان نیروی هوایی، به کسانی که همچون شهاب آسمان، غرب ایران را از شمال تا جنوب و از شرق به غرب می‌پوشاند و مواضع ضدانقلابیون را می‌کوبند و به دنیا نشان می‌دهند که عالی‌ترین خلبانان و وفادارترین از جان گذشتگان انقلاب اسلامی ایرانند. درود به خلبانان هوانیروز که سخت‌ترین مأموریت‌های خطرناک را با شجاعت و فداکاری بی‌نظیر انجام می‌دهند و در مقابل رگبار مسلسل‌ها وارد معرکه می‌شوند و یک لحظه از مسوولیت حیاتی خود سرباز نمی‌زنند. همین دیروز (پریروز) که با عده‌ای از پاسداران و نیروهای ویژه به مأموریت می‌رفتم دو هلی‌کوپتر ما هدف گلوله قرار گرفت. بر یکی دو گلوله و بر دیگری ۲ گلوله اصابت کرد و با آنکه به آنها فرمان دادم فوراً منطقه را ترک کنند، تا آخرین گلوله خود و آخرین ذخیره بنزین در معرکه ماندند و صحنه را ترک نکردند. درود به نیروهای ویژه و زبده ارتش که برای مأموریت‌های سخت و محال بر هم پیشی می‌گیرند و چون عقاب، آماده هجوم به هر منطقه بحران و خطرناک هستند. درود به افسران و درجه‌داران و تکاوران و سربازان که داوطلبانه به صحنه خطر آمده‌اند و با روحی جدید و ایمانی قوی به فرمان امام به پیش می‌تازند و از هیچ مانعی روی گردان نیستند. درود به پاسداران انقلاب و کمیته‌های شهرها و نیروهای مردمی و برادران مؤمن کرد که به استقبال شهادت آمده‌اند و معرکه‌ی مرگ و حیات را به صحنه جشن و شادی مبدل کرده‌اند و سر از پای نمی‌شناسند و به جلو



می‌تازند و آسمان را بر شهادت شاهد می‌گیرند و زمین را با خون خود منقش می‌کنند و صفحه‌ای گلگون بر تاریخ پر افتخار این آب و خاک می‌آفرینند. درود به ملت شریف و آگاه و فداکار ایران که محبت و پشتیبانی بی‌دریغ خود را از پاسداران و سربازان با ارسال نان و میوه و پتو و دارو و احتیاجات دیگر منطقه در کمال بلند نظری و سخاوت، بی‌نظیر نشان داده است. چقدر تکان دهنده و رقت‌انگیز است که می‌بینند یکی پول فرستاده و دیگری که به هندوانه دسترسی داشته کامیون بار کرده و آن دیگر نان بار کرده و دیگری از جنوب شیرینی ارسال داشته، دیگری دوستان را جمع کرده چند نفری با هر چه داشته‌اند در معرکه نبرد حاضر شده‌اند و آن یکی که هیچ چیز نداشته خود را به ما رسانده و در کمال خلوص، جان خود را تقدیم کرده و با التماس تقاضا می‌کند که به او نیز فرصت شهادت داده شود. راستی که این ملت زنده و بیدار، با این پشتیبانی عمیق خود بزرگترین تظاهرات ارزنده این کشور را در رابطه با مساله کردستان از خود نشان داده است. درود بی‌پایان به رهبر عالیقدر انقلاب ایران، امام خمینی که با فرمان انقلابی خود، روحی جدید به همه مردم ایران دمید و جهشی بزرگ در تاریخ انقلاب این کشور بوجود آورد و یکبار برای همیشه به استعمارگران خارجی و دست نشاندهگان داخلی آنها ثابت کرد که توطئه‌های شوم آنها بر انقلاب پیروزمند انقلاب اسلامی ایران کارگر نیست.

به پیش، سربازان از جان گذشته پیروز انقلاب اسلامی ایران. (اطلاعات ۱۱/۶/۱۳۵۸)

پیام دکتر چمران

ارتش و پاسداران در غرب کشور وارد عمل شدند.

دیروز نیروهای ارتش و پاسداران در منطقه غرب وارد عمل شدند و

همزمان با آن دکتر چمران پیام زیر را فرستاد:

بسم الله الرحمن الرحيم - درود بی‌پایان به ارتش جمهوری اسلامی درود به خلبانان نیروی هوایی، به کسانی که همچون شهاب، آسمان غرب ایران را از شمال تا جنوب از شرق به غرب می‌پوشانند و مواضع ضد انقلابیون را می‌کوبند و به دنیا نشان می‌دهند که عالی‌ترین خلبانان و وفادارترین از جان گذشتگان انقلاب اسلامی ایرانند. درود به خلبانان هوانیروز که سخت‌ترین مأموریت‌های خطرناک را با شجاعت و فداکار بی‌نظیر انجام می‌دهند و در مقابل رگبار مسلسل‌ها وارد معرکه میشوند و يك لحظه از مسوولیت حیاتی خود سرباز نمی‌زنند.

همین دیروز که با عده‌ای از پاسداران و نیروهای ویژه به مأموریت می‌رفتیم دو هلی‌کوپتر ما هدف گلوله قرار گرفت بریکی دو گلوله و برد دیگری چهار گلوله اصابت کرد و با آنکه به آنها فرمان دادم فوراً منطقه را ترک کنند تا آخرین گلوله خود و آخرین ذخیره بنزین در معرکه ماندند و صحنه را ترک نکردند درود به نیروهای ویژه و زبده ارتش که برای مأموریت‌های سخت و محال برهم پیشی می‌گیرند و چون عقاب آماده هجوم به هر منطقه بحرانی و خطرناک هستند.

درود به افسران و درجه‌داران و تکاوران و سربازان که داوطلبانه به صحنه خطر آمده‌اند و با روحی جدید و ایمانی قوی به فرمان امام به پیش می‌تازند و از هیچ مانعی روی گردان نیستند درود به پاسداران انقلاب و کمیته‌های شهرها و نیروهای مردمی و برادران کرد مومن که به استقبال شهادت آمده‌اند و معرکه مرگ و حیات را به صحنه جشن و شادی مبدل کرده‌اند و سر از پای نمی‌شناسند و به جلو می‌تازند و آسمان را پر شهادت شهید میگیرند و زمین را باخون خود منقوش می‌کنند و صحفه‌ای گلگون بر تاریخ پرافتخار این آب و خاک می‌آفرینند درود به ملت شریف و آگاه و فداکار ایران که محبت و پشتیبانی بی‌دریغ خود را از پاسداران و سربازان با ارسال نان و میوه و پتو و دارو و احتیاجات دیگر منطقه در کمال بلند نظری و سخاوت بی‌نظیر نشان داده است. چقدر تکان دهنده و رقت‌انگیز است وقتی که می‌بینند از این ملت یکی پول فرستاده دیگری که به هنداونه دسترسی داشته به کامیون بار کرده و آن دیگر نان فرستاده و دیگری از جنوب شیرینی ارسال داشته دیگری دوستان را جمع کرده چند نفری با هر چه داشتند در معرکه نبرد حاضر شده‌اند و آن یکی که هیچ چیز نداشته است خود را به محل رسانده و در کمال خلوص جان خود را تقدیم کرده و با التماس تقاضا می‌کند که به او نیز فرصت شهادت داده شود. راستی که این ملت زنده و بیدار با این پشتیبانی عمیق خود بزرگترین تظاهرات ارزنده این کشور را در رابطه با مساله کردستان از خود نشان داده است.

درود بی‌پایان به رهبر عالیقدر انقلاب ایران امام خمینی که با فرمان انقلابی خود روح جدید به‌همه مردم ایران دمید و جهشی بزرگ در تاریخ انقلاب این کشور بوجود آورد و یکبار برای همیشه استعمارگران خارجی و دست نشانده‌گان داخلی آنها ثابت کرد که توطئه شوم آنها بر انقلاب پیروزمند اسلامی ایران کارگر نیست. به پیش سربازان از جان گذشته پیروز انقلاب اسلامی ایران. (کیهان ۱۱/۶/۱۳۵۸)

گفت و گو با دکتر مصطفی چمران معاون نخست‌وزیر ایران  
چمران تنها معاون نخست‌وزیر مسلسل بدست دنیا

دکتر مصطفی چمران معاون نخست‌وزیر، مردی که علیرغم سالها مبارزه بدلیل شرایط خاص اطلاعاتی در رژیم شاه مخلوع هنوز برای بسیاری از مردم ما ناشناخته مانده با حادثه خونین پایه ناگهان نامش بر سر زبانها افتاد. شرح عملیات متهورانه او در ژاندارمری پایه و بعد از آن با تحلیلی که مهندس بازرگان از وی به عمل آورد. بدان‌گونه که گفت: نامش باید در تاریخ ایران ثبت شود. اگر چه ناشناخته اما آشنا با دل‌های مردم. بعد از سالها قطب‌زاده، مدیر رادیو و تلویزیون، خبرنگاران و عدسی کنجکاو دوربین عکاسان و فیلم برادران را در "هاوانا" به خود جلب کرده و بعد از ابوالحسن بنی‌صدر که حالا، دیگر همگان او

را به عنوان تئورسین و متفکر اسلامی پذیرفته‌اند، مصطفی چمران، بیش از همه دولتمردان، پیرامون خود، شایعه دارد.

او کیست؟ از کجا آمده؟ چگونه ناگهان سر از کاخ نخست‌وزیری درآورده و با عنوان معاون نخست‌وزیر، مسلسل بدست، به غرب کشور رفته است. او که پشتوانه سالها مبارزه در فلسطین را با خود دارد، چگونه به عضویت سازمان "امل" در لبنان در آمده و چگونه، پس از پیروزی انقلاب، سروکله اش در ایران پیدا شد. و چندی بعد، مقام معاونت نخست‌وزیر را احراز کرده است؟ بدیهی است این چنین چهره‌ای، با چنان پشتوانه و عملکردی باید شایعات بسیاری با خود داشته باشد، به ویژه که چندی پیش نیز گفته شد: "چمران" سازمان امنیت جهنمی شاه و نصیری را دوباره در ایران سازماندهی و احیاء می‌کند» هر چند که این شایعه، بیدرنگ با لحن تند و قاطع دکتر صادق طباطبایی، معاون سیاسی نخست‌وزیر و سخنگوی دولت به شدت تکذیب شد. . .

بالاخره، چمران کیست؟ او چنان که اینجا و آنجا شنیده می‌شود یک جاسوس است؟ ماموری ورزیده و فعال از جانب سیا است تا انقلاب ایران را رنگ و سویی از آمریکایی بدهد؟ آیا نیم‌نگاهی به اسرائیل دارد یا به شرق یا به غرب؟ یا او آنچنان که در یکی دو هفته اخیر، عملانشان داد، نان ایران را بر لب و جان خویش را بر کف گرفته و در کوه و کمر پر خطر کردستان، الله اکبر گویان، شهادت را جستجو می‌کند؟

فرصتی است تا مصطفی چمران را که یکبار نیز ساواک شاه او را به مرگ محکوم کرده، از زبان خودش بشناسیم و او را در کنار شایعاتی که پیرامونش وجود دارد، با عیار وجدان بسنجیم. در کنارش می‌نشینیم و از او می‌خواهیم، برابمان از "مصطفی چمران" بگوید و از گذشته‌های دور و نزدیک . . . آرام - بر خلاف آنچه که از مبارزات و منش نظامی‌اش انتظار می‌رود - با جملات کوتاه سخن می‌گوید:

چمران، از دو کلمه "چم" و "ران" تشکیل شده است. چم یعنی جمشید و ران یعنی ایران. ضمناً محلی هم بین ساوه و طالقان وجود دارد که در نقشه بنام چمرون مشخص شده است. از ایل شاهسونم. متولد ۱۳۱۱ در محله عودلاجان، تحصیلات ابتدایی را در مدرسه انتاریه و دبیرستان را در دارلفنون و البرز گذراندم. دوران دانشجویی من در دانشکده فنی، مقارن با کودتای ۲۸ مرداد بود. البته من از ۱۵ سالگی عضو انجمن اسلامی بودم و در مسجد هدایت، پای عظ و تفسیر قرآن حضرت آیت‌الله طالقانی حاضر می‌شدم.

شاگرد بازرگان

مصدق؛ معبود من بود. در تمام تظاهرات شرکت می‌کردم. سخت‌ترین مبارزات من در دانشگاه بود. شریعت رضوی، قندچی و بزرگ نیا که روز ۱۶ آذر ۳۲ شهید شدند، هر سه دوستان و همکلاسی من بودند. در آن سال بخاطر ورود نیکسون به ایران بچه‌ها را می‌گرفتند و به خارك می‌فرستادند. من راجع به این وقایع در آمریکا مطلبی در روزنامه‌ای بنام "۱۶ آذر" نوشتم و شرح وقایع را مو به مو دادم. در دانشکده فنی، مهندس بازرگان استاد من بود یکبار بجای نمره ۲۰ به من ۲۲ داد و من معروف این نمره شدم! من مأمور پخش روزنامه راه مصدق در دانشگاه بودم. این کار بسیار سخت و پردردسر بود. در سال ۱۳۳۶ بر اثر یورش عمال دکتر اقبال به نهضت مقاومت ملی ۸۵ نفر در سراسر ایران دستگیر شدند من هم جزو دستگیرشدگان بودم. دکتر علی شریعتی از جوانترین دستگیرشدگان بود. سال ۱۳۳۷ با بورسی که به مناسبت شاگرد اولی در

دانشکده داشتم به تگراس رفتم. مدرک مهندسی برق را در آنجا گرفتم بعد به دانشگاه کالیفرنیا برکلی رفتم. در همان موقع، دولت بورس مرا قطع کرد چرا که فعالیت‌های سیاسی داشتم و چون نمراتم عالی بود، توانستم از بورس دانشگاه استفاده کنم.

#### مبارزه مسلحانه

اولین کار من، تأسیس انجمن اسلامی بود. صادق قطب‌زاده در واشنگتن، یزدی، در نیوجرسی و من در برکلی در سالهای ۶۰-۱۹۵۹ این انجمن‌ها را بوجود آوردیم. بعد انجمن‌های دانشجویی را بر پا کردیم و از همان موقع در لیست سیاه ساواک قرار گرفتیم و اولین و بزرگترین تظاهرات علیه شاه را ما در سانفرانسیسکو بر پا کردیم که برای او، غیر مترقبه بود. بعد از فراغت از تحصیل، به اتفاق یزدی و قطب‌زاده، با دکتر شایگان که رهبر جبهه ملی در خارج از کشور بود، همکاری کردم و مسوول تبلیغات آن بودم. در همین روزها بود که قیام خونین ۱۵ خرداد ۴۲ بوقوع پیوست و ما در آنجا پس از بحث‌های فراوان نتیجه گرفتیم که باید، مبارزات مسلحانه را آغاز کرد. به همین علت، از جبهه ملی بیرون آمدیم و با معرفی آیت‌الله طالقانی، و بازرگان من و یزدی و قطب‌زاده، با گروهی به مصر رفتیم و دو سالی (از ۶۲ تا ۶۴) در آنجا تعلیمات چریکی دیدیم. روابط ایران با مصر قطع شد و ما به لبنان رفتیم، چون پس از مطالعات زیاد دریافتیم بهترین پایگاه برای تعلیمات چریکی و مبارزات ما در خارج لبنان است، زیرا هم به ایران نزدیک است و هم مسافر ایرانی زیاد به لبنان می‌آیند و از طرفی عبور و مرور آسان است و مقاومت فلسطینی آنجا هم پایگاهی دارد البته با فلسطینیها از آمریکا آشنایی داشتیم. مهمتر از همه وجود امام موسی صدر بود که با تمام قدرت از ما حمایت می‌کرد. من از ۱۹۷۰ به لبنان رفتم و امام موسی صدر، مرا به مدیریت مدرسه صنعتی "جبل عامل" منصوب کرد و همانجا پایگاه ما شد. هشت سال در آنجا زندگی کردیم البته رفتن من به لبنان بر اثر تصمیم دسته جمعی گروه ما بود که دکتر یزدی و قطب‌زاده هم جزو آن بودند به من ماموریت دادند و در آنجا خدمت کنم. در لبنان حرکت مجرومین و جناح نظامی افواج مقاومه لبنانیه را بوجود آوردیم که مسوول سازماندهی آن من بودم. و بچه‌ها را تعلیم می‌دادیم.

#### توطئه قتل

#### چه گروهی را تعلیم می‌دادید؟

- گروه‌های ملی مسلمان از بچه‌های انجمن اسلامی که از نهضت آزادی و مقاومت ملی بودند و مهندس سحابی و بازرگان آنها را انتخاب می‌کردند. در خارج هم دانشجویان انتخاب و به لبنان اعزام می‌شدند، البته در آنجا، علاوه بر امام موسی، یاسر عرفات هم خیلی به ما محبت داشت. بارها، مامورین شاه، برای کشتن من آمدند و مامورین امن عرفات با خبر شده و مانع عمل آنها شدند.

- در یکی از مطبوعات آمده بود که شما از شاه و ساواک پول می‌گرفتید؟  
- باید این اتهام را ثابت کنند وگرنه باید ۸۰ ضربه شلاق بخورند.
- می‌گویند در ماجرای خوزستان علاوه بر گروه جرح حبش، گروه امل هم بیکار بوده و این را از چشم شما می‌بینند، در این مورد چه جوابی می‌دهید؟  
- البته من، چندین بار به خوزستان رفتم و پاسداران ما که خود من تربیتشان کردم (در حدود ۵۰ - ۴۰ نفر) در سخت‌ترین مرزهای شط‌العرب و شلمچه و نقاط خطرناک پاسداری می‌کنند و هر شب با عراقی‌ها و جبهه تحریریه، مبارزه دارند.

گروه جرح حبش و طرفداران او، در خوزستان فعالیت داشتند و پایگاه‌هایی برای تعلیم چریک، بوجود آورده بودند و در تخریب‌هایی که در جنوب بوجود آمده دست داشتند. ولی این که ما فعالیت داریم، باید بگویم خیر، چون در لبنان جبهه "شعبیه" (متعلق به جرح حبش) همیشه جنگندگان "امل" را از پشت سر مورد حمله قرار داده و می‌کشد و اکثراً در همان زمان جاسوسان ساواک در جبهه "شعبیه" رخنه می‌کردند. و گسترش می‌دادند و هیچ دلیلی نمی‌بینم که گروه امل با آن همه دشمنی با جرح حبش، در خوزستان، با آنها هم صدا و همکار شوند.

سازمان "امل" سازمانی است که بیش از هر سازمان و تشکیلاتی، به رهبری امام خمینی و انقلاب اسلامی ایران، ایمان و اعتقاد دارد و افراد آن حاضرند جان خود را در به ثمر رسیدن این انقلاب فدا کنند.

فتح و امل

• رابطه "امل" با "الفتح" چگونه است؟

- از روز اول، باهم رابطه و همکاری دوش به دوش داشته‌اند. در چهلم دکتر شریعتی، یاسر عرفات در آن مراسم باشکوه گفت: فتح همان امل و امل همان فتح است. بدون سازمان امل، فتح در جنوب لبنان زنده نخواهد ماند، ولی این را بگویم که کمونیست‌ها، با آنها مخالف هستند.

• می‌گویند سازمان امل، یک سازمان فاشیستی و سرسپرده آمریکاست؟

- سازمان امل سازمان شیعیان لبنان است که صدها شهید در مقابل اسراییل و فلاتژیست‌ها داده است. آن کسی که به این سازمان شک کند، خودش خائن است. دلیلش همان سخن یاسر عرفات است که قبلاً عرض کردم. آن کسانی که علیه انقلاب اسلامی ایران توطئه می‌کنند، علیه سازمان امل هم توطئه می‌کنند. ریودن امام موسی صدر، یک توطئه امپریالیستی و صهیونیستی بود. اگر امام موسی صدر آمریکایی، بود مسلماً او را نمی‌دزدیدند. مبارزه علیه آمریکا

• مدتی است حملات گوناگون به شما شروع شده است. شما را ابر قدرت ایران می‌دانند و دست‌نشانده آمریکا، در این مورد چه می‌گویید؟ اصولاً چرا این طور در مطبوعات مطرح شدید: مردی مرموز و پر قدرت و خشن که حتی برنامه‌هایی دارد؟!

- زندگی من سراسر مبارزه است. در آمریکا پس از آن همه تحصیلات، همه چیز را رها کردم و دنبال مبارزه را گرفتم. هشت سال در لبنان هر لحظه در انتظار مرگ بودم. ۹۰ درصد زندگی خود را در صحنه‌های جنگ گذراندم. بهترین دوستانم، در مقابل چشمانم شهید شدند. کسانی که مرا می‌شناسند، می‌دانند، افتخار من در این است که در مقابل ظلم و طاغوت ذره‌ای کرنش نکردم. سابقه مبارزات من و یارانم در آمریکا به حدی درخشان است که اگر کسی نگاهی به آن بکند، می‌فهمد علیه آمریکا چه مبارزاتی کردیم. استعمار، یا دشمنان نهضت، با آدم‌های عادی کار ندارند، ولی می‌خواهد آدمی را که سالها در انقلاب گذرانده و سازمانها را رهبری کرده، بکوبند. این حملات به این دلیل شروع شده است، چون می‌بینند، در مریوان و پاوه و سقز، آنها را بشکست کشاندیم. لباس جنگ پوشیدیم و دیدند که با کسی روبرو هستند که با صد نفر مثل آنها، برابر است.

ابر مرد ایران

• در مورد اینکه شما ابرمرد ایران هستید، چه می‌گویید؟!

- من خاك پاي همه ايرانيان هستم. بدنال شهرت نيستم. همه چيز براي من صفر است.

• مي‌گويند چطور شده از راه نرسیده صاحب مقام شده‌ايد؟  
- من براي شغل نيامدم. در سال ۱۹۴۲ دوستان تصميم گرفتند به ايران بازگردم. تا بغداد هم آمدم، ولي مهندس بازرگان و دكتر سحابي خبر دادند كه پرونده من آنقدر سنگين است كه اگر به ايران باز گردم، نابود مي‌شوم. زندگي ما براي ديگران معيار بوده است. هر كس بخواهد ما را بكويد، خودش مطرود و منكوب مي‌شود.

چپ‌ها در كردستان

• شما در مصاحبه تلويزيوني چند وقت پيش گفتيد كه در مريوان و كردستان، توطئه‌ها از طرف گروه‌هاي چپ بوده است. و آنها، شما و ارتش را متهم به كشتار و ديكتاتوري مي‌كنند. آيا در مورد دخالت گروه‌هاي چپ مداركي در دست داريد؟

- وجود چريكهاي فدائي خلق در آنجا به طور روزمره بهترين مدرك است. حزب دمكرات، شفق سرخ و جلال طالباني‌ها با همه نيروهايشان در كردستان حاضرند و عليه دولت و ارتش شعار مي‌دهند. دوستان من در آنجا جاسوسان خارجي را ديده‌اند.

• جاسوسان چه كشورهايي را؟

- متأسفانه وضع ما طوري است كه فعلا نمي‌توانيم اسم ببريم. انشاءالله بعداً افشاگري خواهيم كرد. در جلساتي كه داشتيم ناگهان يك نفر شروع به حمله مي‌كرد و سئوال مي‌كرد كه مشخص بود از افراد محلي نيست. وقتي تحقيق مي‌كرديم، مي‌فهميديم چريك فدائي است و اصلاً اهل اينجا هم نيست و از جاي ديگر آمده است.

• چه سئوالي مي‌كردند؟

- مثلاً سئوال مي‌كنند اگر جاسوس صهيونيسم ديده‌ايد چرا فاش نمي‌كنيد؟ چرا خيانت مي‌كنيد؟ اين سئوالها به صورت تحريك‌آميزي مطرح مي‌شد تا من صورت جاسوسهاي خارجي را شرح دهم و آنها بفهمند كه ما چقدر از كارهاي آنها اطلاع داريم.

• آيا شما در مقابل آنها عكس‌العمل نشان مي‌داديد؟

- البته، وقتي به آنها مي‌گفتيم شما به انقلاب اسلامي اعتقادي نداريد و مي‌خواهيد انقلاب كمونيستي كنيد افراد مسلح آنها مي‌آمدند و شاخ و شانه مي‌كشيدند تا ما را بترسانند.

• مردم عادي با افراد حزبيهاي مختلف چه روابطي دارند؟

- هميشه بين آنها دعواست و حزبي‌ها به اهل شهر مي‌گويند: شما مي‌خواهيد ملت خود را بفروشيد. آنها هم در جواب مي‌گويند: شما مي‌خواهيد شهر و زندگي ما را به آتش بكشيد. من مدت‌ها در صحنه عمل، توطئه‌ها را ديدم و لمس كردم براي من مهم نيست كه درباره من چه مي‌گويند. من مي‌خواهم خطر ضدانقلاب را دفع كنم.

• بعد از ورود ارتش، عكس‌العمل‌ها چگونه بود؟

- مردم با شادي پذيرفتند ولي كمونيستها تظاهراتي بر پا كردند كه چرا ارتش مسلحانه وارد شهر شدند.

• آيا دخالت ارتش صحيح بود؟

- اول ارتش دخالتی نکرد و اصلاً نمی‌خواست وارد کردستان شود. این گروه‌های مختلف بودند که مسلحانه عمل کردند و تظاهرات خونین به راه انداختند و ارتش را مجبور کردند وارد عمل شود. برای این دولت، هیچ چیز پراهمیت‌تر از آرامش و امنیت نیست. دولت نمی‌خواهد درگیری بوجود بیاورد.  
• آیا ارتش ما فعلاً به حد کافی قدرت دارد؟

- دولت ما قویترین دولت است. قدرتش به ارتشش نیست، به قدرت ملتش است، ارتش هم نباشد ملت با یک فرمان امام به راه می‌افتد. اما ارتش ما قوی، مؤمن و فداکار است.

• آیا شما فرمانده سپاه پاسداران انقلاب هستید؟  
- خیر قرار بود من مسوول شوم، ولی آقای منصوری مسوول است و زیر نظر شورای انقلاب کار می‌کند.

• کار شما در دولت چیست؟  
- ایجاد هماهنگی بین نیروهای موجود (ارتش - ژاندارمری - شهربانی و سپاه پاسداران).

• خدانگهدار، آقای چمران از اینکه اسلحه بسته‌اید خسته نمی‌شوید؟  
- من سالها با اسلحه خوابیده‌ام و همین عادت است که ضدانقلاب را بیچاره کرده است. (اطلاعات ۱۲/۶/۱۳۵۸)

پیام دکتر چمران معاون نخست‌وزیر:  
توطئه‌کنندگان علیه انقلاب اسلامی به شدت سرکوب می‌شوند.  
دکتر چمران، دیشب طی پیامی خاطرنشان ساخت: کسانی که علیه انقلاب اسلامی ایران توطئه کنند، به شدت سرکوب خواهند شد. متن پیام به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

هموطنان عزیز کرد، مدتی بود توطئه‌گران به تحریک استعمارگران خارجی منطقه شما را محل تاخت و تاز فعالیت‌های سیاسی، نظامی مخرب قرار داده بودند، بیگناهان را می‌کشتند، خانواده‌ها را تار و مار می‌کردند، با قدرت سلاح، افکار سیاسی خویش را در منطقه تحمیل می‌کردند و مخالفین خود را از بین می‌بردند. امنیت منطقه را مختل کرده بودند و به طور کلی علیه انقلاب اسلامی ایران و به خاطر مصالح خارجی توطئه کردند. دولت سعی کرد به طور مسالمت‌آمیز گمراهان را به راه آورد و از خونریزی جلوگیری کند، اما مفسدین از این حسن‌نیت و آزادی سوءاستفاده کردند و قسمتی از وطن عزیز را به آتش کشیدند و بی‌شرمانه علیه دولت مرکزی علم مخالفت برافراشتند و آشکارا علیه انقلاب اسلامی ایران دست به فعالیت‌های شدید زدند.

بالاخره رهبر عالیقدر انقلاب امام خمینی فرمان داد تا مفسدین و توطئه‌گران به شدت سرکوب شوند و همان‌طوری که دیدید توطئه‌گران به سرعت قلع و قمع شدند و راه فرار را پیش گرفتند و از آن همه گزاف‌بافیها و عربده‌کشیدن‌ها چیزی بجای نماند. به خواست خدای بزرگ و به برکت رهبری انقلاب و با اراده ملت از جان گذشته ایران امنیت به منطقه شما بازگشت. و اکثریت مردم با خوشحالی زیاد به خانه و کاشانه خود بازگشتند. ولی هنوز عده‌ای از مردم ساده فریب خورده در کوه‌ها متواری هستند و از بازگشت به خانه خود وحشت دارند. اما به فرمان امام خمینی عفو عمومی صادر شده است و همه فریب‌خوردگان به شرط آنکه اسلحه خود را تحویل دولت دهند و از گذشته خود نادم باشند، مشمول اغماض و عفو عمومی می‌شوند و کسانی که جرم بزرگی

مرتکب شده باشند، به محکمه خوانده می‌شوند و فقط محکمه می‌تواند در امر آنها رأی دهد و هیچکس حق تعرض به جان و مال دیگری را ندارد. (اطلاعات ۱۴/۶/۱۳۵۸)

پیام دکتر چمران

دکتر مصطفی چمران دیشب طی پیامی خاطر نشان ساخت کسانی که علیه انقلاب اسلامی ایران توطئه کنند، به شدت سرکوب خواهند شد

بسم الله الرحمن الرحيم

هموطنان عزیز کرد، مدتی بود توطئه‌گران به تحریک استعمارگران خارجی منطقه شما را را محل تاخت و تاز فعالیت‌های سیاسی - نظامی مخرب قرار داده بودند. بیگناهان را می‌کشیدند، خانواده‌ها را تار و مار می‌کردند، با قدرت سلاح افکار سیاسی خویش را در منطقه تحمیل می‌کردند و مخالفین خود را از بین می‌بردند و امنیت منطقه را مختل کرده بودند و بطور کلی علیه انقلاب اسلامی ایران و بخاطر مصالح خارجی توطئه کردند.

دولت سعی کرد بطور مسالمت آمیز، گمراهان را براه آورد و از خونریزی جلوگیری کند، اما مفسدین از این حسن نیت و آزادی سوء استفاده کردند و قسمتی از وطن عزیز را به آتش کشیدند و بی‌شرمانه علیه دولت مرکزی علم مخالفت برافراشتند و آشکارا علیه انقلاب اسلامی ایران دست به فعالیت شدید زدند. بالاخره رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی امام خمینی فرمان داد تا مفسدین و توطئه‌گران به سرعت قلع و قمع شوند و راه فرار را پیش گرفتند و از آن همه گزاف بافیها و عربده کشیدن‌ها چیزی بجا نماند.

بخواست خدای بزرگ و به برکت رهبر انقلاب و با ارداه از جان گذشته مردم ایران، امنیت به منطقه شما بازگشت و اکثریت مردم با خوشحالی زیاد به خانه و کاشانه خود بازگشتند.

ولی عده‌ای از مردم ساده و فریب خورده در کوهها متواری هستند و از بازگشت به خانه خود وحشت دارند، اما بفرمان امام خمینی عفو عمومی صادر شده است. و همه فریب خوردگان به شرط آنکه اسلحه خود را تحویل دولت بدهند و از گذشته خود نادم باشند مسوول اغماض و عفو عمومی می‌شوند و کسانی که جرم بزرگ مرتکب شده باشند به محکمه خوانده میشوند و فقط محکمه می‌تواند در امر آنها رأی بدهد و هیچکس حق تعرض به جان و مال دیگری را ندارد.

پادگانهای ارتش نیز مشغول جمع آوری اسلحه با تحویل رسید به صاحب اسلحه می‌باشند.

اکنون وقت آن فرا رسیده است که همه متواریان و حتی فریب خوردگان به خانه خود بازگردند و بخطای خود اعتراف کنند و از اعمال ناشایسته خود توبه نمایند و به دامن ملت باز گردند. دولت نیز سلامتی و امنیت آنان را تضمین خواهد کرد.



اما آنها که خدای ناکرده علیه انقلاب اسلامی ایران و رهبر بزرگوار آن توطئه کنند و احیاناً علیه نیروهای انتظامی اسلحه بکشند شدیداً سرکوب خواهند شد و دولت و ارتش به هیچ وجه به آنان رحم نخواهد کرد و در دنیا و آخرت سرشکسته و روسپناه خواهند شد. (کیهان ۱۴/۶/۱۳۵۸)

چمران: دموکرات‌ها در اولین مرحله جنگ‌های پارتیزانی هستند. در سرکوبی دموکرات‌ها، راه حل سیاسی را نباید فراموش کرد. دکتر مصطفی چمران وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران، امروز برای هماهنگ ساختن عملیات مبارزه با مهاجمان به کردستان رفت. دکتر مصطفی چمران دو روز پیش همراه با "هاشم صباغیان" وزیر کشور و مسئولان ارتش و سپاه پاسداران انقلاب و حجت الاسلام خامنه‌ای معاون وزارت و دفاع در قم به حضور امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران رسید و درباره مسائل منطقه غرب کشور بویژه کردستان، با امام گفتگو و تبادل نظرهایی بعمل آورد. یادآوری می‌شود دکتر مصطفی چمران، یک ماه پیش از غرب کشور به تهران بازگشت و سرگرم کارهای اداری خود بود و در این مدت، عده‌ای زیاد از مردم درخواست می‌کردند که او دوباره به کردستان بازگردد و اوضاع نابسامان آن منطقه را سامان بخشد و باعث دلگرمی رزمندگان و پیشرفت سریع نیروهای انقلابی گردد. دکتر مصطفی چمران در گفتگویی درباره علت بازگشت خود به کردستان گفت: "حقیقت این است که ما در ماه گذشته همه شهرها و مواضع مهم استراتژیک دشمن را به تصرف درآوردیم و بزرگترین ضربات را به آنها زدیم و نیروهای آنها را بکلی متلاشی کردیم آنگاه ارتش در پادگانها مستقر شد و عملیات نظامی متوقف گردید و پاکسازی منطقه از افراد حزب منحل دموکرات به ژاندارمری محول شد و طبق رسوم، ارتش در داخل پادگانهای خود در خارج شهرها مستقر شد و هیچ نوع درگیری با مردم شهرها نداشت. ضمناً پس از پیروزی نظامی ماه گذشته ارتش، دولت تصمیم گرفت کارهای عمرانی و اجتماعی در منطقه را گسترش دهد و راه مسالمت و محبت را باز و همه متهمین را عفو کند تا هرچه زودتر زندگی عادی برقرار شود و حتی الامکان از درگیری و جنگ و ستیز بپرهیزد و حسن نیت خود را به برادران و هموطنان کرد و همه دنیا عملاً نشان دهد". دکتر مصطفی چمران وزیر دفاع افزود: "به ارتش دستور داده شد که وارد شهرها نشود و از درگیری با مردم خودداری کند و باصطلاح، روش سیاسی برای حل مسئله در نظر بگیرد زیرا دولت قدرت قاطع خود را عملاً به همه نشان داده بود و دیگر لزومی نداشت که ارتش دست به عمل نظامی بزند و شدت عمل به خرج دهد. اما متأسفانه توطئه گران و فریب خوردگان برای هرچه بیشتر به آشوب کشیدن منطقه، راضی به راه حل سیاسی نبودند و از کارهای عمرانی و جهاد سازندگی دل خوشی نداشتند و میخواستند که پیروزیهای ارتش را با آشوب و هرج و مرج خنثی کنند و لذا دست به ترور و کشتار بی گناهان زدند و اینجا و آنجا به مردم و پاسداران حمله کردند و نظم و آرامش منطقه را به هم زدند و حمله به پاسداران در راه سردشت بانه در دنباله همین سلسله عملیات تروریستی بود". دکتر چمران در قسمت دیگری از سخنان خود گفت: "قبل از ماه گذشته، دموکرات‌ها قوی‌ترین قدرت منطقه بودند و همه شهرهای کردستان را زیر سلطه داشتند و حتی با اسلحه سنگین و تانکها و توپهای سنگین، دارای یک ارتش بودند و در حملات آنان

هزاران مسلح شرکت داشتند در حالی که بعد از شکست، نیروهای آنها به طور کلی متلاشی شد و فعلاً در اولین مرحله جنگ‌های پارتیزانی هستند که ترور و حمله و گریز از ویژگی‌های آن است». دکتر مصطفی چمران در پایان گفت: "همانند گذشته هر گاه ارتش تصمیم بعمل بگیرد، قادر است نیروهای آنها را متلاشی کند و البته این درحالی است که ما معتقدیم نباید راه حل سیاسی و عمرانی را فراموش کرد». (کیهان ۲۵/۶/۱۳۵۸)

دکتر چمران: عملیات پاکسازی در کردستان ادامه دارد. فداکاری ارتش و پاسداران و مردم منطقه نشان داد که هیچ توطئه داخلی و خارجی نمی‌تواند به انقلاب اسلامی خدشه‌ای وارد سازد.

سنندج - خبرگرای پارس: پیش از ظهر امروز دکتر چمران معاون نخست وزیر در امور انقلاب طی یک مصاحبه اختصاصی در فرودگاه سنندج گفت: "عملیات پاکسازی مناطق مختلف کردستان از جمله سقز - بانه - مهاباد سردشت و مریوان همچنان ادامه دارد و در خلال دو روز اخیر پاسداران انقلاب اسلامی اعزامی به این مناطق توانسته‌اند. تعداد زیادی سلاح‌های سنگین از جمله دو فرزند تانک تعدادی توپ با بردهای مختلف مسلسل و مقادیر زیادی مسلسل کلاشینکف - ژ ۲ - و غیره کشف نمایند». آقای دکتر چمران افزود: "واقعیت این است که تجربه حوادث ناگوار کردستان این حقیقت را ثابت کرد که هیچ نیرویی و هیچ قدرت ضد انقلابی چه در خارج و چه در داخل نمیتواند به انقلاب اسلامی ملت ایران خدشه‌ای وارد سازد. زیرا جانبازی و فداکاری و در عین حال جدیت نیروهای ارتش و پاسداران و کمک خود مردم مناطق مختلف کردستان ثابت نموده که چگونه این مناطق در مدت کوتاهی از دست عناصر ضدانقلاب خائن و وطن فروش گرفته شده و اکنون نیز پاکسازی آنها به شدت ادامه دارد».

دکتر چمران ساعت یازده دیروز از سردشت وارد سنندج شد. و پس از بررسی وضع پاسداران در سنندج به تهران بازگشت. (جمهوری اسلامی ۲۶/۶/۱۳۵۸)

دکتر چمران: ارتش می‌تواند ضد انقلاب را متلاشی کند. تهران - خبرگزاری پارس: دکتر مصطفی چمران وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران برای هماهنگ ساختن عملیات مبارزه با مهاجمان به کردستان سفر کرد. دکتر مصطفی چمران دو روز پیش همراه با هاشم صباغیان وزیر کشور و مسوولان ارتش و سپاه پاسداران انقلاب و حجت‌الاسلام خامنه‌ای معاون وزارت دفاع در قم به حضور امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران رسید و در باره مسایل منطقه غرب کشور به ویژه کردستان با امام گفتگو و تبادل نظرهایی به عمل آورد. یادآور می‌شود که دکتر مصطفی چمران یک ماه پیش از غرب کشور به تهران بازگشت و سرگرم کارهای اداری خود بود. و در این مدت عده زیادی از مردم درخواست می‌کردند که او دوباره به کردستان بازگردد و اوضاع نابه‌سامان منطقه را سامان بخشد و باعث دلگرمی رزمندگان و پیشرفت سریع نیروهای انقلابی گردد.

طی گفتگویی در آستانه سفر به کردستان از دکتر چمران سئوال شد که علت بازگشت ماه گذشته شما از کردستان چه بود؟

وزیر دفاع گفت: حقیقت این است که ما در ماه گذشته همه شهرها و مواضع هم استراتژیک دشمن را به تصرف درآوردیم و بزرگترین ضربات را به آنها زدیم و نیروهای آنها را متلاشی کردیم. آنگاه ارتش در پادگان‌ها مستقر شد و عملیات نظامی متوقف گردید و پاک‌سازی منطقه از افراد حزب منحلہ دمکرات به

ژاندارمري محول شد و طبق رسوم ارتش در داخل پادگان‌هاي خود در خارج شهرها مستقر شد و هيچ نوع درگيري با مردم شهرها نداشت. ضمناً پس از پيروي نظامي ماه گذشته دولت تصميم گرفت که کارهاي عمراني را و اجتماعي در منطقه را گسترش دهد و راه مسالمت و محبت را باز و همه متهمين را عفو کند تا هر چه زودتر زندگي عادي برقرار شود و حتي الامکان از درگيري و جنگ و ستيز پرهيزد و حسن نيت خود را به برادران و هموطنان کرد و همه دنيا عملاً نشان دهد.

دکتر مصطفي چمران وزير دفاع افزود: به ارتش دستور داده شد که وارد شهرها نشود و از درگيري با مردم خودداري کند. و به اصطلاح روش سياسي براي حل مساله در نظر بگيرد. زيرا دولت قدرت قاطع خود را عملاً به همه نشان داده بود و ديگر لزومي نداشت که ارتش دست به عمل نظامي بزند و شدت عمل به خرج دهد. اما متاسفانه توطئه‌گران و فريب خوردگان براي هر چه بيشتر به آشوب کشيدن منطقه راضي به حل سياسي نبودند و از کارهاي عمراني و جهاد سازندگي دل خوشي نداشتند و مي‌خواستند که پيروي‌هاي ارتش را با آشوب و هرج و مرج خنثي کنند و لذا دست به ترور و کشتار بي‌گناهان زدند و اينجا و آنجا به مردم و پاسداران حمله کردند و نظم و آرامش را به هم زدند و حمله به پاسداران در راه سردشت - بانه در دنبال همين سلسله عمليات تروريستي بود.

خبرنگار ما از دکتر مصطفي چمران پرسيد: آيا با دشمنان انقلاب قدرت بيشتري يافته و يا هنوز در همان وضع سابق هستند؟ وزير دفاع گفت: بايد بگويم که قبل از ماه گذشته دموکراتها قوي‌ترين قدرت منطقه بودند و همه شهرهاي کردستان را زير سلطه داشتند و حتي با اسلحه سنگين و تانکها و توپهاي سنگين داراي يك ارتش بودند.

در حملات آنان هزاران مسلح شرکت داشتند در حالي که بعد از شکست نيروهاي آنها بطور کلي متلاشي شد و فعلاً در اولين مرحله جنگ‌هاي پارتيزاني هستند. که ترور و حمله و گريز است. خبرنگار ما پرسيد آيا وضع آينده را چگونه مي‌بينيد؟ دکتر مصطفي چمران اظهار داشت: همانند گذشته هرگاه ارتش تصميم به عمل بگيرد قادر است نيروهاي آنها را متلاشي کند و البته اين در حالي است که ما معتقديم نبايد راه حل سياسي و عمراني را فراموش کرد. (جمهوري اسلامي ۱۹/۷/۱۳۵۸)

چمران: هنوز معتقديم در کردستان نبايد راه حلهاي سياسي و عمراني را فراموش کرد.

دکتر مصطفي چمران وزير دفاع جمهوري اسلامي ايران امروز براي هماهنگ ساختن عمليات مبارزه با مهاجمان به کردستان رفت. دکتر مصطفي چمران دو روز پيش همراه با "هاشم صباغيان" وزير کشور و مسوولان ارتشي و سپاه پاسداران انقلاب و حجت‌الاسلام خامنه‌اي معاون وزارت دفاع در قم به حضور امام خميني رهبر انقلاب اسلامي رسيد و درباره مساييل منطقه غرب کشور بويژه کردستان با امام گفتگو و تبادل نظرهايي به عمل آورد، يادآور مي‌شود که دکتر چمران يك ماه پيش از غرب کشور به تهران بازگشت و سرگرم کارهاي اداري خود بود و در اين مدت عدة زيادي از مردم در خواست مي‌کردند که او دوباره به کردستان بازگردد و اوضاع نابسامان آن منطقه را سامان ببخشد و باعث دلگرمي رزمندگان و پيشرفت سريع نيروهاي انقلابي گردد. خبر گزار يارس پس از آگاهي از تصميم دکتر مصطفي چمران براي سفر به کردستان

گفتگویی با وی انجام داد در این گفتگو از دکتر مصطفی چمران سؤال شد که علت بازگشت ماه گذشته شما از کردستان چه بود؟ وزیر دفاع گفت: «حقیقت اینکه ما در ماه گذشته همه شهرها و مواضع مهم و استراتژی دشمن را به تصرف درآورده‌ایم و بزرگترین ضربات خود را به آنها زده‌ایم و نیروهای آنها را متلاشی کرده‌ایم آنگاه ارتش در پادگانها مستقر شد و عملیات نظامی متوقف گردید و پاکسازی منطقه از حزب دمکرات به ژاندارمری محول شد طبق رسوم، ارتش در داخل پادگانهای خود خارج شهرها مستقر شد و هیچگونه درگیری با مردم شهرها نداشت. ضمناً پس از پیروزی نظامی ماه گذشته ارتش دولت تصمیم گرفت کارهای عمرانی و اجتماعی را در منطقه گسترش دهد و راه مسالمت آمیز و محبت را باز و همه متهمین را عفو کند تا هر چه زودتر زندگی عادی برقرار شود و حداقل امکان از درگیری و جنگ و ستیز بپرهیزد و حسن نیت خود را به برادران و هموطنان خود و همه دنیا عملآ نشان دهد». دکتر مصطفی چمران وزیر دفاع افزود: «به ارتش دستور داده شد که وارد شهرها نشوند و از درگیری با مردم خودداری کنند و به اصطلاح روش سیاسی برای حل مساله در نظر بگیرند زیرا دولت قدرت قاطع خود را عملاً به همه نشان داده بود و دیگر لزومی نداشت که ارتش دست به عمل نظامی بزند و شدت عمل به خرج بدهد اما متأسفانه توطئه‌گران و فریب خوردگان برای هر چه بیشتر آشوب کشیدن منطقه راضی به راه حل سیاسی نبودند و از کارهای عمرانی و جهادسازندگی دل خوشی نداشتند و می‌خواستند که پیروزیهای ارتش را با آشوب و هرج و مرج خنثی کنند و لذا دست به ترور و کشتار بی‌گناهان زدند و اینجا و آنجا به مردم و پاسداران حمله کردند. همچوم به پاسداران در راه سردشت به بانه در دنباله همین سلسله عملیات تروریستی بود. در پاسخ به این سؤال که آیا دشمنان انقلاب قدرت بیشتری یافته و یا هنوز در همان وضع سابق هستند؟ وزیر دفاع گفت: باید بگویم که قبل از ماه گذشته دمکراتها قویترین قدرت منطقه بودند و همه شهرهای کردستان را زیر سلطه داشتند و حتی با اسلحه سنگین و تانک‌ها و توپهای سنگین دارای یک ارتش بودند و در حملات آنان هزاران مسلح شرکت داشتند. در حالی که بعد از شکست نیروهای آنها بطور کلی متلاشی شد و فعلاً در اولین مرحله جنگهای پارتیزانی هستند که ترور و حمله و گریز است. خبرنگار خبرگزاری پارس از دکتر مصطفی چمران در مورد وضع آینده سؤال کرد؟ دکتر مصطفی چمران اظهار داشت: «همانند گذشته هرگاه ارتش تصمیم بعمل بگیرد، قادر است نیروهای آنها را متلاشی کند و البته این درحالی است که ما معتقدیم نباید راه حل سیاسی و عمرانی را فراموش کرد». (اطلاعات ۱۳۵۸/۷/۲۱)

در کردستان چه گذشت؟ (۱)

متن حاضر گفتگوی خبرنگار کیهان بادکتر چمران است که در ادامه از نظرتان می‌گذرد.

خبرنگار: آیا تیرباران یک فرد مجروح که از بیمارستان به محل تیرباران با برانکارد حمل شده بود توسط دادگاه انقلاب اسلامی در کردستان صحت دارد؟ چمران: والله عکسی را که منتشر کرده‌اند به عکس است. یعنی شخصی که در روی برانکارد نشان می‌دهد بسوی میدان اعدام نمی‌آمده است بلکه این عکس متعلق به وقتی است که کشته شده و جسد او را خارج می‌کنند. خبرنگار: شما بارها اشاره کرده اید وقتی که ارتش وارد شهرهای کردستان گردید با استقبال زیاد مردم روبرو شد و ما از طرف دیگر می‌بینیم که مخالفین

نیروهای ارتش در بین مردم هستند و مردم از آنها حمایت می‌کنند و این مساله يك تناقض را نشان می‌دهد اگر مردم واقعاً با نیروهای دولتي هستند چرا با آنها همکاری نمی‌کنند که نتیجه ان همین زد و خوردهای عمیق بوده‌اند؟

چمران: این درست است که عده‌ای با آنها همکای دارند ولي اکثریت مردم زیر سلطه سلاح زور و ترور اجباراً با آنها همکاری می‌کنند در همین چند هفته پیش در سقز چند نفر از طرفداران دولت را تیرباران کردند یعنی احزاب چپ طرفداران دولت را گرفتند و محاکمه و تیرباران کردند. در شهر تربت مردی بنام امیری را که از دولت حمایت کرده بود باز محاکمه کردند باز تیرباران نمودند در یکی از ده‌های نزدیک به سردشت دمکراتها یا بعضی از احزاب چپ وارد خانه‌ای می‌شوند و تقاضای نان می‌کنند. صاحبخانه می‌گوید ما طرفدار حکومت مرکزی هستیم. طرفدار انقلاب اسلامی ایران هستیم و نمی‌خواهیم به شما نان بدهیم. حزبی‌ها می‌گویند اگر ندهی زنت را در مقابلت می‌کشیم، می‌گوید نمی‌دهیم زن او را به رگبار گلوله می‌بندند و در مقابل شوهر می‌کشند و باز به او می‌گویند حالا نان می‌دهی یا نه می‌گوید: هنگامی که زنم زنده بود نان ندادم می‌خواهید بعد از مرگ او نان بدهم او را نیز به رگبار گلوله می‌بندند و سه گلوله به شکم او می‌زنند و او را سوراخ سوراخ می‌کنند و او را به زمین می‌زنند آنها فکر می‌کنند او مرده است ولي او زنده می‌ماند او را به بیمارستان سردشت می‌آورند و این داستان را برای دوستان ما سربازان ما نقل کرده‌اند و نظیر این ترور و جنایت همه روزه در نقاط مختلف کردستان پیاده می‌شود و بنابراین افراد عادی زیر سلطه‌ی مسلحین حزب قدرت نفس کشیدن ندارند. بنابراین اجباراً خود را با آنها همراه نشان می‌دهند من مطمئن هستم آنروزی که امنیت در کردستان مستقر شد و ارتش حاکمیت را به دست گرفت اکثریت مردم کرد با انقلاب اسلامی ایران و با حکومت مرکزی خواهند بود نه با احزاب چپی. به عنوان مثال در شهر بانه در همین شهر بانه‌ای که دشمنی او با دولت مرکزی شهرت دارد بعد از کشته شدن ۳۴ نفر از افسران و درجه‌داران ارتش در مدخل شهر و پس از جنگ‌های مستمر به مدت چند شب و چند روز بعد از مدتی که چپ‌نماها و چریک‌های فدایی خلق شهر گریختند. مردم شهر به نزد فرماندهی ارتش در بانه آمدند و اظهار وفاداری کردند و گفتند: این ما نبودیم که کشت و کشتار را به راه‌انداختیم این چپ‌نماها بودند که آمدند اینها کشتند و الان گریختند اما هنگامیکه این چپ‌نماها بر شهر مسلط بودند مردم شهر جرأت نفس کشیدن و ابراز عقیده نداشت بنابراین اجباراً با آنها همراه می‌شدند حتی در مهاباد می‌بینید که چپ‌نماها می‌ریزند دکان کسی را غارت می‌کنند و آتش می‌زنند به بهانه‌ی اینکه صاحب دکان طرفدار دولت است و در این صورت کس دیگری جرأت نخواهد کرد که از دولت مرکزی حمایت کند. به خصوص آنجایی که می‌داند شهر در سیطره‌ی چپ‌هاست و ارتش در پادگان خارج از شهر وجود دارد و بنابراین چپی‌ها قادرند هر کس را در شهر نابود کنند و اموالش را از بین ببرند بنابراین يك آدم عادی محال است که بتواند با اینها مخالفت کند و با آنها همراهی نماید در یکی از جنگ‌ها که حوالی سردشت به وقوع پیوست از بین غنایم بسیاری که به دست ارتش افتاد حدود ۵۰ اسب و قاطر بود که ما فکر می‌کردیم که این اسب و قاطرها متعلق به حزب است و به جهادسازندگی دادیم که اینها را بفروشد و صرف کارهای عمرانی کند هنگامی که اسبها و قاطرها را به شهر آوردند معلوم شد که این اسبها و قاطرها را به زور از دهقانان گرفته‌اند و صاحبان اسب و قاطرها آمدند و اسب و قاطر خود را بردند. بنابراین

نشان می‌دهد که اینها با زور وارد دهات می‌شوند. مردم از ترس و وحشت قدرت حرف زدن ندارند.

خبرنگار: این مساله ای بود که اینجا پیش آمد و همیشه هم گفته شده بود که حداقل تبلیغ شده این است که بیشتر مقامات رسمی مملکت می‌گویند که افراد مخالف انقلاب اسلامی در کردستان اکثراً غیر بومی هستند و کسانی هستند که از اطراف و اکناف مثل چریکهای فدایی به آنجا رفته‌اند و در آنجا عمل می‌کنند اگر چنین چیزی واقعاً صحت دارد پس چطور است که با این وضع از قطعنامه‌ی هیاتی که اخیراً در مذاکرات مطرح می‌شود که افراد غیربومی پاسدار از منطقه کردستان خارج شوند دولت مرکزی موافقت نمی‌کند چون اگر موافقت بکند طبیعتاً افراد غیر بومی که در آنجا عمل می‌کنند نمی‌توانند بمانند چنین چیزی صحت دارد که آنجا غیر کرد هستند و دارند آنجا عمل می‌کنند.

چمران: منظور آنها از افراد غیر بومی، افراد غیر بومی دولتی است. قوای انتظامی ارتش و ژاندارمری و پلیس هست. منظورشان احزاب چپی نیست و از نظر دولت و ما معتقدیم که ایران متعلق به تمام ایرانیان است و یک کرد نه فقط در کردستان حق دارد بلکه حتی در خراسان و بلوچستان هم حق حاکمیت دارد و بنابراین فکر اینکه یک فارس و یک بلوچ نباشد یک فکر ارتجاعی و منحط است. و ما معتقدیم یک بلوچ باید بتواند به آزادی در کردستان زندگی کند و یک کرد نیز به سادگی و آزادی بتواند در بلوچستان یا هر نقطه دیگری زندگی کند بنابراین ما مخالف این ایده هستیم برای اینکه از نظر انقلاب اسلامی ما با این ایده مخالفیم ولی آنها مخالفت می‌کنند و این سؤال شما را باید به خود آنها بازگرداند یعنی آن کسانی که با خارجیها در کردستان مخالفت می‌کنند و می‌گویند غیر کرد باید خارج شود. بنابراین چرا این احزاب چپ غیر کرد را در کردستان می‌پذیرند. ادامه همکاری هم می‌کنند یعنی این سؤال به خود آنها وارد است نه بر ما.

خبرنگار: بعد از اشغال سفارت آمریکا به اصطلاح جزو یکی از افشاگریهای دانشجویان و غیره و امام مدارکی هست دال بر دخالت سازمان سیای آمریکا در کردستان و در خوزستان و مناطق دیگری که در آنجا اغتشاشاتی بود آیا چنین چیزی صحت داشته یا اینکه فقط تبلیغات سوء است؟

چمران: والله افسران عراقی و سربازان عراقی در کردستان دیده شده‌اند بدون تحقیق و بدون شك و تردید وجود داشته‌اند. از طرفی جاسوسان اسرائیلی و دست نشانده‌های صهیونیست در منطقه کردستان نیز وارد شده و نمونه‌های زیادی از فعالیت‌های آنان دیده شده است و در هر حال از آنجا که اسرائیل با آمریکا رابطه نزدیک دارد از یک جا آب می‌خورند بنابراین می‌توان پیش‌بینی کرد که اینها با هم رابطه داشته‌اند و دلیلی بر دخالت آنها در ایران می‌توان شمرد.

خبرنگار: آیا مساله کردستان بعنوان یکی از عامل تضعیف کننده دولت تا حدی که کار دولت را به استعفا بکشاند بود یا نه؟

چمران: نه، هیچ دخالتی در استعفا نداشته است ولی می‌توان گفت که مساله کردستان در انقلاب ما دخالت داشته است یعنی باعث تأخیر پیشروی ملت ما شده است یعنی مقدار زیادی از انرژیها و فعالیت‌هایی را که می‌توانست در راه سازندگی صرف شود در راههای تخریب و انحطاط صرف کرده است.

خبرنگاران: شایعاتی است که شما در بین عشایر کردستان اسلحه پخش کردید آیا این صحت دارد؟

چمران: آقای بهادران که شخص مرا و سرتیپ ظهیرنژاد فرمانده ارومیه را متهم می‌کند که به عشایر کردستان اسلحه دادیم و بعد مطالب دیگری چنین و چنان حملات می‌کنند. خیلی حملات جالبی است ولی به طور کلی قضیه توزیع اسلحه در کردستان مربوط به ژاندارمری است و هیچ رابطه‌ای نه با ارتش دارد و نه با شخص من و نقص قضیه یعنی توزیع اسلحه در آنجا چه خوب باشد، چه بد، هیچ ارتباطی با شخص من ندارد یعنی آقای بهادران روی چهل یا روی غرض این حرف را زده و بخصوص هنگامی این حرف را زده که من در پاوه بودم و این جناب آقا در نقده یا ارومیه بوده و من در پاوه اصلاً هیچ ارتباطی من با او ندارم و آن نامه یا مقاله‌ای را که نوشته در همان روزهایی است که من در پاوه بودم و هیچ دخالتی در منطقه نقده نداشتم و این یکی از دلایل بزرگی است که کسانی که بعد از قضیه پاوه شهرت ما به هر دلیل خوب یا بد خواسته‌اند که بگویند و دلیلی بتراشند و این آقا اسم ما را جزو دیگران گذاشته و این جور حمله کرده بنابراین موضوع منتفی است و بی اساس است. بله ژاندارمری با اسلحه مسلحش کرد و اسلحه برای جوانمردان فرستاد تا از مرزها نگهبانی بکنند و بنابراین مثلاً ایل منگور حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ قبضه اسلحه بین آنها پخش کرد که از مناطق خودشان دفاع کنند و اشنویه ۵۰ قبضه اسلحه داد که جوانمردان از منطقه خودشان حمایت بکنند. و متأسفانه حدود ۷۵۰ قبضه اسلحه به دمکراتها داد و حتی هنگامی که از او پرسیدند که به دمکراتها دادید حتی دمکراتهایی که کارت داشتند تیمسار دانشور فرمانده ژاندارمری به آنها گفته بود من نمی‌خواستم بین کردهای حزبی و غیرحزبی تبعیض قایل شویم می‌خواستم نشان بدهم به همه‌ی آنها با یک چشم نگاه می‌کنم و بنابراین اسلحه را اینچنین پخش کرد و هواداران دمکرات همه اسلحه‌ها را تحویل حزب دادند و بر خلاف این مدعا که ژاندارمری اسلحه‌ها را به عشایر داده بود مقدار زیادی هم به همه حزبها داده بود و آنها تحویل حزب دادند ولی به هر حال این قضیه خوب یا بد هیچ ارتباطی به شخص من یا ظهیرنژاد فرمانده ارومیه ندارد و جای تأسف است که چنین حرفهایی زده می‌شود. علاوه بر آن مطلب دیگری که خود را منتسب به امام خمینی می‌کنند. شخص امام در جلسه‌ای در حضور عده‌ای فرمودند: به هیچوجه نماینده او نیست و حتی دستور دادند به دفتر امام این مطلب را که او نماینده امام است تکذیب کنند. این مطلب چندین بار در رادیو خوانده شد البته من بر این موضوع نمی‌خواستم تکیه بکنم و اصلاً این قضیه از اساس بی معنی است اما متأسفانه بر پایه‌ی ترس آقای بهادران روزنامه‌های کمونیستی و روزنامه‌ی مردم، روزنامه مربوط به چریکهای فدایی و پیکار و دیگران و دیگران دست گرفتند و این مطلب را بزرگ کردند و بر دیوارهای دانشگاه پر کردند یک داستان از نظر خودشان مهیج بوجود آوردند که به اصطلاح خودشان یک فرد را بگویند که جای تأسف است که یک فرد مسلمان اینچنین آلت دست احزاب چپ و احزاب توطئه گر شود.

خبرنگاران: این روزها متداول شده که شخص شما تل زعفران را تسلیم فالانژیست‌های لبنانی کردید آیا این صحت دارد؟

چمران: آنها که کمی اطلاع دارند می‌دانند که "تل زعفران"، "قلعه‌ی ثمود" نامیده می‌شد یعنی قلعه‌ی شکست ناپذیر فلسطینی‌ها که در این قلعه هزاران مسلح فلسطینی می‌جنگیدند و موضوع اینکه یک شخصی از نقطه دیگری از جنوب لبنان قادر باشد "قلعه ثمود" فلسطینی‌ها در بیروت را تحویل فالانژیست‌ها بدهد. این برای فلسطینی‌ها یک ننگ به حساب می‌آید چگونه

ممکن است يك شخص در نقطه ديگري قلعه شكست‌ناپذير فلسطيني‌ها را تسليم دشمن بکند پس آن فلسطيني‌ها مسلح چه مي‌کردند. آنها بیکار نشسته بودند که شخصي قلعه آنها را تسليم دشمن کند. اگر کسی چنین حرفي را بزند يك ننگي را بر آنها تحميل کرده است چون قلعه‌ي فلسطيني‌ها را فلسطيني‌ها مسوول محافظتش هستند. چگونه شخصي از خارج بياید آنها قادر است قلعه‌ي اينها را بگیرد. تحويل مثلاً فالانزیست‌ها بدهد و اگر این قضیه صحیح می‌بود در عرض چند سال خود فلسطيني‌ها می‌باید مطرح می‌کردند. چطور شد که سالها گذشت و هیچکسي حرفي نزد و بیکار يعني منافقين از مجاهدین جدا شدند اينها آمدند چنین چیزی را دست می‌گیرند که تل زعتر را فلان کس تسليم کرده بزرگترین مسخره‌ي تاريخ است مثل کسی که بگوید آلمان شكست خورد که مشهدي حسن در سبزواری فلان عمل را انجام داد. چه رابطه‌اي بين اينها بود از این دروغها و ناسزاها و باز عده‌اي این ابهام و شك خودشان را بیشتر می‌کنند که دکتر چمران سازمان دهنده‌ي سازمان "امل" است که سازمان شيعيان لبنان است و این سازمان ضد فلسطيني است در جواب باید بگویم که در چهلم بزرگداشت دکتر شریعتي در بیروت در مراسم باشکوهي که تشکیل شده بود یاسر عرفات فرمانده مقاومت فلسطین و رهبر سازمان الفتح در حضور هزاران نفر که در آنجا حضور داشتند می‌گوید: سازمان امل همان سازمان الفتح است و سازمان الفتح همان سازمان امل است و اگر سازمان امل در جنوب لبنان از سازمان الفتح پشتیبانی نکند سازمان الفتح از بین خواهد رفت بنابراین بزرگترین اثبات از طرف رهبر سازمان مقاومت فلسطین در مقابل سازمان امل است بنابراین اگر يك کمونیست با يك منافق بیاید و کلامی بگوید باید کلام این منافقین را پذیرفت یا کلام رهبر فلسطین را به هر حال درباره فلسطین باید بگویم در لبنان با گروه جرح حبش و جبهه‌التحریرالعربيه و کمونیست‌هاي دیگر اختلافات زیادی داشته‌ایم ولی این اختلافات با کمونیست‌ها و چپی‌ها به هیچ‌وجه مخالف با مقاومت فلسطین نبوده است بلکه با سازمان الفتح در تمام سنگرهای مبارزه در مقابل اسراییلی‌ها و در مقابل فالانزیست‌ها سربازان عمل دوش به دوش همکاری کردند و شهدای زیادی نیز دادند اما عده‌اي از کمونیست‌ها و منافقین و سازمان امل مخالفت کرده به دلیل اینکه از نظر ایدئولوژی بزرگترین سد در مقابل آنها سازمان امل بود و اگر بخواهیم مثال بزنیم آن سازمانها جبهه‌التحریرالعربيه یا جبهه‌الشرقيه متعلق به جرح حبش مانند سازمان چریکهای فدایی خلق و سازمان‌هاي نظیر او در ایران است نهضت اسلامي که قادر به همکاری با آنها نیست و دست رد به سینه آنها می‌زند و آنها نیز انقلاب اسلامي ما را مورد هجوم قرار می‌دهند و بنابراین اگر کسانی پیدا بشوند که با کمونیسم‌ها و چپی‌ها یا گروه‌هاي نظیر همکاری داشته باشند آن نوع همکاری از طرف انقلاب اسلامي و خط مکتبی ما مذموم است.

دکتر مصطفی چمران وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران و عضو هیات حسن‌نیت کردستان در يك گفتگوی اختصاصی با کیهان نقطه‌نظرهای خود را در مورد جریان‌ات کردستان و شایعاتي که در اطراف آن وجود دارد بیان نمود ابتدا آقای دکتر چمران ضمن اشاره به وقایع کردستان جزئیات عملیات نظامي در آن منطقه را به طور مفصل بیان داشت که طی دو شماره امروز و فردا به نظرتان خواهد رسید دکتر چمران ابتدا گفت: بطور کلی ما معتقدیم، انقلاب اسلامي ایران معجزه‌اي بود که ابرقدرتها را به شكست واداشت و شرق و غرب



و عالم در مقابل این انقلاب به زانو در آمدند و منافع و مصالحشان در معرض خطر قرار گرفت. اینها سعی کردند انقلاب ما را بشکست بکشانند. بنابراین ابرقدرتها نیروها و عمال داخلی خود را برای ضربه زدن باین انقلاب دست بکار کردند که نتیجه اینکار توطئه‌ها در نقاط مختلف ایران نظیر کردستان، خوزستان گنبد قابوس و بلوچستان بود، زیرا پذیرش و امادگی برای توطئه در این سرزمینها، به علت فقر و محرومیت اختلاف مذهب، ظلم و دیکتاتوری شاهنشاهی در مردم وجود داشت ولی فعلاً قضیه‌ای که در موردش صحبت می‌کنیم قضیه کردستان است و توطئه گران می‌توانستند از نقاطضعفی که وجود داشت بنفع خودشان سوءاستفاده کنند و علیه انقلاب اسلامی ایران دست به کار شوند بعد می‌بینیم که چپ‌نماها که وابسته به غرب و صهیونیست‌ها هستند با گروه‌های وابسته پالیزان‌ها و سالارچاق‌ها و اویسی‌ها و شاه و آمریکا دست بدست هم دادند و توطئه بزرگی را در کردستان ساختند و در خلال این توطئه ها دولت ماه‌های دراز سکوت کرد و ارتش هم در این مدت حضور نداشت. در مقابل نیروهای توطئه گر دست به تسلیح و تجهیز طرفداران خود زدند و نیروهای مسلح را در کردستان به حرکت در آوردند و پاسگاه‌های ژاندارمری و پلیس و حتی ارتش را خلع سلاح کردند و همانطور که دیدیم به پادگان سنندج و مهاباد مسلحانه حمله کردند. در سنندج پیروز نشدند ولی مهاباد را به خاک و خون کشیدند و تمام اسلحه پادگان را دزدیدند و بعد از خلع سلاح کردن نیروهای پلیس و ژاندارمری و ارتش حتی مخالفین خود و طرفداران مومن به انقلاب را در منطقه تصفیه کردند چرا که نمی‌خواستند يك انسان مومن به انقلاب اسلامی ایران در منطقه آنها وجود داشته باشد بعضی از آنها معتقد بودند و معتقد هستند که این احزاب چپ علیه پاسداران و نیروهای غیرمحملي حساسیت داشتند ولی حمله آنها به مریوان و محاصره کردن ۲۵ پاسدار کرد نشان داد که این امر صحیح نیست و منظور آنها تصفیه کردن هر آدم مؤمن به انقلاب اسلامی ایران است. و همچنین در پاوه نیز درست است که ۶۰ پاسدار غیر محلي وجود داشتند ولی بیش از ۲۵۰ پاسدار کرد محلي در پاوه وجود داشت و هنگامی که پاوه را محاصره کردند منظورشان بطور اعم محو و تصفیه ۲۵۰ نفر کرد محلي بوده. بنابراین این شایعه که آنها پاسداران غیر محلي را نمی‌پذیرند و می‌خواهند آنها را از منطقه بیرون کند صحیح نیست در يك جمله می‌خواستند که به قدرت اسلحه افکار فلسفی و سیاسی خودشان را بر مردم کرد تحمیل نمایند تا هیچکس در کردستان برخلاف رای و نظر آنها قادر به کاری نباشد! و تمام این اعمال در غیاب ارتش و نیروهای انتظامی صورت گرفت و ما به این موضوع تکیه و تاکید می‌کنیم برای اینکه در تبلیغاتی که چپی‌ها براه‌انداختند و ارتش را ارتش طاغوتی می‌دانستند که آمده و می‌خواهد مردم را به خاک و خون بکشد و با زور و دیکتاتوری طاغوتی می‌خواهد سیستم فاشیستی را پیاده کند آنها فراموش می‌کنند که تمام این حرکت‌های مسلحانه وقتی بوجود آمده بود که اصلاً ارتش و نیروهای انتظامی حضور نداشتند و هیچ دلیلی برای آنها وجود نداشت که مسلحانه وارد عمل بشوند و اصولاً انقلاب اسلامی ما انقلابی بود که بدون سلاح به پیروزی رسیده بود و ارزش و اهمیت خاص انقلاب ما در همین بود که به قدرت فداکاری و ایمان و باستقبال شهادت رفتن پیروز شده بود و بزرگترین پیغام این انقلاب همین بود که می‌خواست انقلاب را با همین سیستم به همه نقاط کشور بکشاند و هم‌ی مردم را به این رسالت آگاه بکند و بنابراین سعی

نمی‌کرد تا با زور اسلحه وارد کردستان و سایر مناطق بشود. می‌بینیم دشمنان انقلاب مسلحانه موضع‌گیری می‌کنند، حمله به سنندج در موقعی صورت می‌گیرد که ارتش از داخل پادگان بیرون نمی‌آید و اصلاً درصدد درگیری نیست و حتی فرمانده پادگان تسلیم می‌شود ولی معاون و عده‌ای از سربازان از جان گذشته می‌ایستند و دفاع می‌کنند و در مهاباد می‌بینیم که ارتش حتی از داخل پادگان هم دفاع نمی‌کند و این احزاب چپ نما پادگان را محاصره می‌کنند و آنجا را آتش می‌کشند و اسلحه‌شان را می‌دزدند و به خصوص این هجوم در موقعی صورت می‌گیرد که آیت‌الله طالقانی و دکتر بهشتی و شخصیت‌های بزرگ دیگر به کردستان رفته‌اند تا با مردم مذاکره کنند و بطور مسالمت‌آمیز مشکلات ایشان را حل کنند یعنی هنگامی که دولت با این حسن‌نیت با آنها رفتار می‌کند و شخصیتی با این عظمت را آنجا فرستاده می‌خواهند با زور اسلحه حرف خودشان را به کرسی بنشانند و این بزرگترین دلیل این است که این سیستم زور و قدرت و سلاح از طرف آنها را ارائه شده و به صحنه آمده نه از طرف ارتش و دولت. اینجاست که بعنوان مثال می‌توان قضیه مریوان را مثال زد که بعد از محاصره‌ی آن و کشتن و زخمی‌کردن ۲۵ پاسدار کرد محلی دولت تصمیم گرفت که قضیه مریوان را بطور مسالمت‌آمیز حل کند و شخص مرا بعنوان نماینده آنجا فرستاد و من هم مدت ۱۰ روز در مریوان با بزرگان شهر مذاکره کردم تا قضیه مریوان را به طور مسالمت‌آمیز حل بکنم بزرگترین افتخار من در آن روز همین بود که بالاخره بطور مسالمت‌آمیز قضیه مریوان را حل کردیم و بدون هیچ نوع درگیری ارتش وارد شهر مریوان شد و مسلحین را از شهر خارج کرد و مردم به شهر بازگشتند و قانون بر شهر حکمفرما شد. اما هنگامی که این مذاکرات در مریوان صورت می‌گرفت و بزرگان شهر پذیرای صلح و مذاکره با دولت بودند چپی‌ها و سازمان‌های چریکی به قول خودشان!!! به سختی با مردم شهر مخالفت می‌کردند و می‌خواستند جنگ به راه بیندازند و حتی بعد از آنکه تمام مذاکرات به نتیجه رسید در داخل شهر دست به تظاهرات زدند و در پشت محل دژبان تحصن اختیار کردند و هنگامی که خود من به آنجا رفتم و با آنها می‌خواستم مذاکره کنم بزرگترین دشنام‌ها را به دولت و ارتش نثار کردند که چرا شهر به آمده و آرامش برقرار کرده در صورتی که همه می‌دانستند ارتش به مریوان وارد شد بدون هیچ نوع درگیری و بدون هیچ نوع خونریزی و با رضایت تام و تمام مردم شهر.

#### پیروزی دولت

و به طور کلی می‌توانم بگویم که قضیه مریوان یک پیروزی برای دولت به حساب آمد که توانست مردم بیگناه را به خودش جلب کند و هزاران نفری را که آنها از شهر بیرون زده بودند و علیه دولت به تظاهرات واداشته بودند تمامشان را به شهر بازگرداند. همین قضیه است که آنها نمی‌خواهند که شکست مریوان در پاوه هم تکرار شود بنابراین هنگامی که پاوه را محاصره می‌کنند و دست به کشت و کشتار پاسداران می‌زنند باز هم دولت تصمیم می‌گیرد که قضیه پاوه را هم بطور مسالمت‌آمیز حل بکند و شخص من را به پاوه فرستاد و من هنگامی که با هلیکوپتر در معیت تیمسار فلاحی وارد پاوه می‌شدم که شهر در محاصره قرار داشت و حتی هلیکوپتر هدف گلوله قرار گرفت. خواست خدا بود که به سلامت بر زمین نشستیم. و آنها به هیچ وجه حاضر نبودند و نمی‌خواستند که پاوه مثل مریوان به صلح و صفا قضیه خاتمه پیدا کند دست به کشت و کشتاری زدند که واقعاً بی‌نظیر بود. از ۶۰ پاسدار غیر محلی که آنجا بود فقط ۱۶ نفر آنجا

باقي ماندند. ۲۵ نفر از اين پاسداران را فقط در منطقه مريضخانه کشتند عده‌ي زيادي از پاسداران کرد به شهادت رسيدند بنابراين پايه يك مبدايي است براي يك انفجار بزرگ در کردستان و جنگ همه جانبه بين اين احزاب چپ نما عليه دولت مرکزي و طرد کلي دولت و حاکميت ارتش از منطقه و مطابق با اطلاعاتي که از منطقه در دست ما هست. اين برنامه جنگ برنامه‌اي است که از پايه شروع و به مناطق مختلف کشيده مي‌شود. دشمنان ما فکر مي‌کردند در مقابل اين يورش همه جانبه عظيم در کردستان ارتش شکست خواهد خورد و بخصوص با توطئه‌هايي که در نيروي هوايي و در بين همافرها و هوانيروز و ارتش و دستهاي مرموزي که بر همه‌ي سازمانهاي اداري و دولتي داشتند مطمئن بودند که دولت و ارتش قادر به هيچ عمل مثبتي نخواهد بود. بلکه با اين دستهاي مرموز که در همه جا دارند هر حرکتي را فلج خواهند کرد.

#### آمادگي نظامي در منطقه

آنها تمام کردستان را زير سلطه نظامي خود درآوردند و همانطور که مي‌دانيد تقريباً همه‌ي کردستان زير سلطه‌ي آنها قرار داشت. فقط اعلام سلطه بود که مي‌خواست در کردستان صورت بگيرد تا بطور رسمي و علني ارتش و دولت را رد بکند و حتي صحبت از اين بود که پس از سيطره‌ي کامل نظامي بر تمام راهها و شهرهاي کردستان اعلام استقلال بکند. و حتي کشورهايي بودند که مي‌خواستند بعد از اعلام استقلال آنها را به رسميت شناخته و کمکهاي نظامي و حتي نيروي هوايي برسانند. بنابراين پايه يك نقطه شروع براي يك انفجار بزرگ در سرتاسر کردستان به شمار مي‌رفت. که آنها ديگر حاضر به مذاکره و قبول هيچ صلح و صفايي نبودند و مي‌خواستند بطور مسلحانه آن سيطره نظامي خودشان را بر سرتاسر کردستان تحميل بکنند. همه روزه ما نيروهايي را از دست مي‌داديم و مواضع استراتژيک و مهم يکي بعد از ديگري به دست آنان مي‌افتاد و در شب آخرين که هولناکترين شبها بود فقط دو نقطه يك پاسگاه ژاندارمري و ديگر محل پاسداران در تصرف ما بود حتي ۵ متری پاسگاه ژاندارمري را زير سلطه خودشان داشتند و با نارنجک و خمپاره و غيره و پاسگاه را زير حمله خود قرار مي‌داد. و تمام مرتفعات و فرودگاه و تمام نقاط ديگر شهر در تصرف آنها بود و نزديکهاي صبح تقريباً نزديکهاي خانه‌ي پاسداران رسيده بودند و اگر خانه‌ي پاسداران هم سقوط مي‌کرد ديگر چيز ديگري وجود نداشت و خلاصه ما هر لحظه انتظار مرگ و نابودي خودمان را داشتيم و هيچ اميدي هم به جايي نداشتيم و حتي هليکوپتري چيزي هم نمي‌توانست بر زمين بنشيند چون هيچ جايي براي نشستن هليکوپتر وجود نداشت. و حتي راه رفتن جلوي خانه‌ي پاسداران و در هر خياباني زير رگبار گلوله انجام مي‌گرفت. در اين محاصره‌ي بزرگ چپ و راست هر دو دست داشتند. و عده‌اي از مردم براي دفاع از خانه و اموال خودشان در مقابل آنها دفاع مي‌کردند و اتفاقاً همين قضيه بود که شايد ما را نجات داد چون گرفتن اين خانه‌ها يکي پس از ديگري و غارت آنها و آتش زدن آنها وقت مي‌گرفت و به ما فرصت داد که شب را به روز برسانيم ولي آنها براي اينکه از اين درگيري با مردم راحت بشوند با بلندگو در شهر به مردم اخطار مي‌کردند و اين صدا بخوبي در خانه‌ي پاسداران شنيده مي‌شد. که اي مردم ما با شما کاري نداريم فقط از شما مي‌خواهيم که وفاداري خودتان به ما اعلام بکنيد اگر وفاداري اعلام بکنيد ما با خانه‌ي شما کاري نداريم. ما آمده‌ايم که پاسداران دشمن شما را سر ببريم و اين جنگ ادامه پيدا کرد تا بيانيه‌اي از طرف امام خميني منتشر شد و به طور قطع و يقين بايد گفت که

این بیانیه امام و بخصوص قبول رهبری او برای نیروهای انتظامی و فرمان او به مردم برای هجوم به کردستان اولین نقطه تغییر و تحول در قضیه کردستان شد. یعنی به محض آنکه بیانیه‌ها منتشر شد صدای الله‌اکبر پاسداران بلند شد و همان پاسداران مجروح و ناامید روحیه و قدرتی پیدا کردند که غیرقابل تصور بود و دشمنان ما قبل از این که هلیکوپتری به پناه وارد شود پا به فرار گذاشتند و فوراً يك گروه ۵ نفری که از چند نفر از دوستان نخست‌وزیری بودند با چند نفر از رزمندگان خوب دیگر به اینها مأموریت دادند که به بزرگترین مرتفعات شهر حمله ببرند و برای آنکه پاسگاه ژاندارمری را نجات دهیم باید این کوه را به تصرف خودمان درآوریم. این ۵ نفر عده‌ای از پاسداران کرد را هم همراه خودشان بردند و حمله‌ی آنها به قدری شجاعانه بود که من که از پایین نگاه می‌کردم وحشت می‌کردم در مدت بسیار کوتاهی این کوه بلند را با دادن يك شهید تصرف کردند.

حمل آذوقه به پناه

در این موقع تیمسار فلاحي که در کرمانشاه بود بوسیله بی‌سیم به من اطلاع داد که نیروهای زیادی از مردم و سربازان و آذوقه در کرمانشاه آماده هستند که به پناه منتقل شوند فقط باید يك فرودگاه برای آنها تهیه کرد یا فرودگاه موجود را از دست دشمنان گرفت که هلیکوپترها بتوانند در آنجا بنشینند. بنابراین به هر قیمتی شده باید فرودگاه را به تصرف درآورد و فرودگاه در آخرین نقطه شهر در طرف مرز عراق قرار داشت. که نیروهای زیادی از دشمن در آنجا متمرکز بودند. ما تصمیم گرفتیم که فرودگاه را هم به تصرف در آوریم گروه پنج نفری تشکیل دادیم و از سه نقطه مختلف به این فرودگاه حمله کردند و به این‌ها گفته بودیم که بعد از تصرف فرودگاه به اولین تپه‌ای که در پشت فرودگاه می‌رسد در آن تپه متوقف شوند و بیشتر پیشروی نکنند. ولی شدت احساس این جوانان به حدی بود که تپه‌ی اول، دوم، سوم را هم گذراندند و به دهی رسیدند که در پشت این تپه قرار داشت و در آن ده، عده زیادی از چپ‌نماها وجود داشتند که در آنجا درگیری بوجود آمد و در آنجا یکی از جوانان ما به شهادت رسید و به هر حال با يك شهید فرودگاه هم به تصرف در آمد و علت بزرگش این بود که دشمن روحیه اش را از دست داده بود و بدون جنگ می‌گریخت. مریضخانه هم که ۲۵ شهید داده بودیم بدون هیچ خونریزی به تصرف پاسداران در آمد. و پاسداران با فریاد الله اکبر به هر گوشه‌ای می‌رفتند و مواضع استراتژیک را به تصرف در می‌آوردند و همه آنها پیش از ساعت ۵ یا ۶ بعد از ظهر تمام شد و هلیکوپترها و نیروهای کمکی همگی بعد از ساعت ۶ وارد پناه شدند. یعنی هنگامی وارد پناه شدند که همه‌ی پناه و همه‌ی مرتفعات و همه‌ی مواضع استراتژیک به تصرف آنان در آمده بود بنابراین تنها دلیل برای پیروزی ما در پناه و شکست دشمن بیانیه‌ای بود که امام خمینی صادر کرده بود:

ما تصمیم گرفتیم که همان شب برنامه‌ای را طرح‌ریزی بکنیم که تا ۲۴ ساعت آینده موقعی که ارتش لازم است وارد پناه شود. نوسود را هم به تصرف خودمان در آورده باشیم. نوسود سخت‌ترین و خطرناکترین محل دشمنان ما بود که در مرز عراق واقع شده و حتی این را هم می‌دانستیم که همیشه مورد هجوم دشمنان است و بزرگترین قدرتهای دشمن در اطراف نوسود متمرکز هستند بنابراین با همان نیروهایی که شب آمده بودند تا ساعت ۳ بعد از نیمه شب جلساتی و طراحی‌هایی داشتیم که بخصوص نیروهای تیپ نوه‌د از نیروهای چتربازان تیپ نوه‌د و هلیکوپترها در روز بعد به ما کمک کردند. و با

اعمال تاکتیکی و قهرمانانه‌ی شدید قبل از آنکه ارتش وارد پاوه شود نیروهای ما نوسود را فتح کرده که این خودش سرعت عمل و جهش نیروهای موجود در پاوه را می‌رساند که حتی قبل از آنکه ارتش وارد پاوه شود اینها می‌خواستند عظمت و قدرت و پیشرفت خودشان را به اثبات رسانند و این چنین نیز شد. بنابراین پاوه یک مبدا تغییر و تحول و نقطه‌ی علنی در قضیه کردستان به شمار می‌رود و در مدت ده روز تمام شهرها مواضع استراتژیک کردستان به تصرف نیروهای انقلابی درمی‌آید و این برای دنیای بی‌سابقه بود نه فقط کردها نمی‌توانستند این پیش‌بینی را بکنند بلکه آمریکا و دولتهای بزرگ و ابرقدرتها هم با کامپیوترهای خودشان به هیچ وجه نمی‌توانستند پیش‌بینی بکنند که ارتش، این حد سریع سرتاسر این نقاط استراتژیک بزرگ را به تصرف خودش درآورد اما این چنین شد. روحیه قوی در ارتش و پاسداران و مردمی که از اقصای نقاط کشور برای استقبال شهادت آمده بودند آنقدر سریع و شدید بود که هیچ نیرویی نمی‌توانست در مقابل آنها مقاومت کند. به عنوان نمونه می‌خواهم بگویم که وقتی ما از بسطام به سمت بانه حرکت می‌کردیم در بین راه درگیریهای فراوانی داشتیم و در بین راه شهدای زیادی دادیم و آنها تصور نمی‌کردند که نیروی ما بتواند از این گردنه‌های سخت، از این کوههای بلند از این دره‌های خطرناک به سلامت عبور کند و خودش را به بانه برساند.

ورود به بانه و سردشت

حتی چندین ساعت قبل از این که وارد بانه بشویم در یک نبرد چهار نفر از بهترین جوانهای ما به شهادت رسیدند یک افسر از نیروی نوه‌د به نام سروان مهربانی به درجه شهادت رسید. جنگ‌های سختی در آنجا درگیر شده بود ولی هیچکس از مرگ وحشتی نداشت. و این جوانان به استقبال مرگ می‌آمدند و دشمن را آنچنان تار و مار کردند که دشمن احساس کرد در مقابل این نیروها قادر به مقاومت نیست و هنگامی که ما وارد بانه شدیم ساعت ۶ بعدازظهر بود سید جلال حسینی ساعت ۴ بعدازظهر با نیروهای خودش از شهر گریخته بود و به طوری که به ما اطلاع دادند گروه‌های آنها ۴ برابر نیروهای ما بود بعد از بانه که بزرگترین مرکز قدرت آنهاست آخرین پایگاهی که برای آنها باقی مانده بود سردشت بود و همه‌ی ما حساب می‌کردیم که در سردشت بزرگترین مقاومتها در مقابل ما صورت بگیرد و بخصوص راه بانه سردشت راهیست جنگلی و آنها امکان دارند که در این جنگ‌ها کمین بکنند و بزرگترین ضربتها را در این آخرین جنگ به ما بزنند و به خصوص هلیکوپترها هنگام شناسایی از سردشت به اطراف سردشت چهار تانک در پشت سردشت دیدیم در فاصله‌ی چند کیلومتری سردشت چهار تانک و توپخانه‌ی سنگین و نیروهای موتوریزه بسیار وسیع وجود داشت و بنابراین امکان درگیریهای شدید و جنگ‌هایی در آن می‌رفت و تمام نیروی ما که از بانه حرکت کرد و به سردشت رفت رزمنده‌های واقعی آن ۵۰ تانک بود و در حدود ۲۰۰ سرباز عادی شرکت داشتند ولی با آن روح و شهامت و شجاعت و گم کردن نیروهای تانک و نیروهای نوه‌د در مناطق مختلف سرکوهها و تپه‌ها و هجوم شجاعانه به شهر و محاصره‌ی شهر توسط هلیکوپترها دشمن احساس کرد که با نیرویی روبرو است که باز از مرگ نمی‌ترسند و به استقبال شهادت آمدند و هر درگیری و به زیان آنها خواهد شد. و این نیرو با سرعتی حدود ۲ ساعت یا ۳ ساعت خودش را از بانه به سردشت رسانید و فقط یک درگیری کوچک در مدخل شهر سردشت داشت که با دستگیری سه نفر یا چهار نفر از نیروهای دشمن به پایان رسید و این نیرو

پیروزمندانه وارد سردشت شد و به نظر ما این پیروزی ارتش که برای دولت حاصل شد يك پیروزی نظامی نبود. يك پیروزی سیاسی و ایدئولوژی بود که حاکمیت دولت را مستقل کرده بود.

#### تبلیغات دشمن

این شکست که بر گروه‌های چپ و راست و در کردستان حاصل شده بود پیش از همه چیز نتیجه روح انقلابی و عامل فکری و ایدئولوژیک این رسالت بزرگ بود که در کردستان پیروز شد. به هر شهری که وارد می‌شدیم مردم هزار هزار به پیشواز ما می‌آمدند و عده‌ای از مردم از خوشحالی اشک می‌ریختند احساس کردم که تمام پادگان را جمعیت مردم شهر فرا گرفته و خود من وحشت داشتم که چطور ما امشب را در پادگان به سر آوریم و تمام بزرگان شهر به استقبال ما آمدند و نطق می‌کردند و ورود ارتش به شهر را تبریک گفتند و تقاضای عفو و بخشش کردند. که ما هم براساس فرمان امام همه را عفو کردیم و گفتم: برای نجات آزادی شما آمده‌ایم تبلیغات دشمن بسیار مؤثر بود و به آنها گفته بودند که این سربازان می‌آیند و پستان زن‌ها را می‌برند و طرفداران سنی را سر می‌برند و به دختران اهانت می‌کنند و چنین و چنان می‌کنند هنگامی که با عده‌ای از سربازها و پاسداران برخورد کردند که در منتهای دوستی و اخلاق و محبت بودند اول کاری که ما می‌کنیم بعد از ورود به شهر وارد مسجد می‌شویم و با بزرگان شهر در مسجد سخن می‌گوییم و سخن ما از اسلام و اصالت اسلام و دوستی و محبت و صفا برادری و برابری است، اینها تعجب می‌کردند انتظار داشتند که ما مثل دیکتاتورها و فاتحین شهرهای بزرگ آنها را شکنجه بدهیم عقوبت کنیم و بزدان بکشیم بنابراین يك چنین محبتی و يك چنین انسانیتی در مقابل آن تبلیغات شوم و سهمگین به وقوع پیوسته بنابراین می‌بینیم که پاوه يك مبدأ يك نقطه عطف برای تاریخ کردها به شمار می‌رود و واقعاً از نظر جنبش و نهضت و حرکت باید پاوه را يك نقطه عطف به حساب آورد و ما این پشتیبانی و این یکرنگی و فداکاری را تقدیس می‌کنیم. مقدس است و همین نقطه عطف در کردستان به شمار می‌رود که آنهایی که دم از ملت و ملت‌ها می‌زنند يك بار احساس کردند که ملت آنجاست و آنها دروغ می‌گویند. اگر صحبت از ملت و ملت‌ها و مردم به حساب می‌آمد مردم و ملت آنجا هستند و بنابراین از نظر سیاسی شکست خوردند چون واقعاً احساس کردند ملت در مقابل آنها قرار دارد و آنها در نقطه‌ی ضعف و شکست هستند و باز نقطه‌ی عطف دیگری که می‌خواهم در مساله پاوه تکرار کنم و شاید بیش از هر چیز دیگری در روح من تأثیر گذاشته و باز آنرا يك نقطه عطف در تاریخ مبارزه ملت خودمان به حساب می‌آورم آن حقیقتی است که در آن شب تاریک و مخوف سرتاسر کشور ما و همه‌ی مردم ما يك حالت روحانی و معنوی به خود گرفته بودند و چون امکان عملی در آن شب تاریک برای کسی میسر نبود هر يك به دعا و نماز و مناجات به درگاه خداوند بزرگ متوسل شده بودند که خدا پاوه را از شر دشمنان محفوظ بدارد حتی با کسانی برخورد کردم و یا نامه‌هایی به من رسید که در کشورهای دوردست هم کسانی هستند که دستشان از همه جا قطع بود و دعا می‌کردند و نماز می‌خواندند.

#### نهضت اصیل

هنگامیکه ما يك جنبش سیاسی یا اجتماعی و یا جنبش نظامی را در نظر می‌گیریم و اینها را با يك جنبش روحی و معنوی مقایسه می‌کنیم این اختلاف برای ما به ظهور می‌رسد آن نهضتی و آن حرکتی مقدس، اصیل و عمیق است

که بیشتر در قلب مردم و درون مردم نفوذ بکند. و بر اساس آن ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیر و ما به انفسهم خدای بزرگ هم وقتی تاکید می‌کند آن تغییر و تحول درونی را ملاک قرار می‌دهد و می‌گوید هنگامی که آن تغییر و تحول در روح و نفس مردم بوجود آمد بعد از تغییر و تحولات است که تحولات اجتماعی و سیاسی و نظامی هم به ظهور خواهد پیوست و ما می‌بینیم که در قضیه‌ی پاره این تغییر و تحول در اکثریت مردم ما به ظهور می‌پیوندد و از اینجا است که معتقدیم این حرکت و این نهضت نقطه‌ی عطفی در تاریخ نهضت ماست. از نظر فلسفی من روی این خیلی تکیه می‌کنم یک پیروزی‌هایی نظیر نظامی، سیاسی، اجتماعی است ولی پیروزی دیگری است که روح و قلب و نفس مردم را متغیر می‌کند. نه فقط در پاره، در تهران، در سرتاسر دنیا و لبنان هزاران نفر از شیعیان پشت سفارتخانه یا جاهای دیگر جمع شده بودند می‌خواستند خودشان را به ایران برسانند بنابراین اگر در تصور خودمان بگنجانیم که انقلاب خودمان هم در سال پیش پیروز شد نتیجه همان روح و تغییر و تحول بود که در نفوس ما بوجود آمد که آن روحیه فداکاری و شهادت و شجاعت و شهادت در آنجا بوجود آمده بود و باعث شد که انقلاب ما پیروز بشود که بر اثر این روحیه در عرض ۱۰ روز کردستان زیر و رو شد. و به همین علت است که می‌گویم در کردستان ما یک پیروزی ایدئولوژیک فکری سیاسی داشته‌ایم، پیروزی نظامی ما در مقابل پیروزی ایدئولوژیک یک قسمت ناچیزی بود ارتش به پادگانها برمی‌گردد

و بر اساس همین طرز تفکر بعد از پیروزی در کردستان دولت تصمیم گرفت که به جای جنگ و سپاه‌گیری دست به کارهای عمرانی و جهادسازندگی بزند و بنابراین به ارتش دستور داده شد که به پادگانهای خودشان بروند و از شهرها خارج شوند و با مردم کاری نداشته باشند و گروه‌های جهادسازندگی و عمران و غیره وارد کردستان شدند که به مردم خدمت کنند و حدود یک‌ماه بدین ترتیب گذشت یعنی یک‌ماه بدون هیچ‌گونه تحریک نظامی از طرف دولت، توجه است در مقابل آن کسانی که دولت را متهم به دیکتاتوری و ارتش طاغوتی و فاشیستی می‌کردند. بعد از این پیروزی که دولت می‌خواست قدرت نظامی خودش را به ثبوت برساند و رسانده بود دیگر دلیلی نمی‌دید که دوباره و بیشتر دست به اعمال نظامی بزند. در عوض به جوانانش گفت که دست به کارهای عمرانی و جهاد سازندگی بزنند، اما متأسفانه توطئه‌گران به پشتیبانی از اجنبی و سیاستهای خارجی آرام ننشستند دست به سازماندهی زدند نیروهای پراکنده‌ی خودشان را از عراق جمع آوری کردند و در خلال این مدت یکبار دیگر به شهرها و نقاط دیگر برگشتند، آنجا که ارتش و دولت و همه چیز در صلح و صفا و آرامش کامل به سر می‌بردند.

شهادت ۲۲ نفر از پاسداران

بنابراین باز کسانی که دولت را متهم می‌کنند و ارتش را طاغوتی می‌گویند حرف آنها غیر منطقی است زیرا ارتش و دولت در مدت یک‌ماه سکوت کردند که حسن‌نیت خود را به همه‌ی برادران کرد به ثبوت برساند و نشان بدهند آنها با قدرت نظامی و جنگ نمی‌خواهند قضیه‌ی کردستان را حل بکنند بلکه با فعالیت سیاسی اجتماعی عمرانی می‌خواهند که رسالت انقلابی اسلام را در کردستان پیاده بکنند و بعد از کشت و کشتارهایی که آن طرف به راه‌انداختند و به خصوص بعد از شهادت ۲۲ نفر از پاسداران در راه بین سردشت و بانه، دولت تصمیم گرفت دوباره به ارتش فرمان دهد در مقابل این توطئه‌گران مقاومت کند و

اینجا و آنجا بود که گروه‌های ضربت در بعضی نقاط از کردستان بوجود آمد که مهیج‌ترین عملیات در منطقه‌ی سردشت که محل قدرت و تمرکز نیروهای دشمن بود صورت گرفت و در نبردهای بسیار سخت و درگیریهایی بسیار خونین اثبات کردند که باز هم هر وقت از ارتش بخواهد قادر خواهد بود و در هر لحظه نیروهای دشمن را متلاشی کند و بنابراین در نقاطی که دشمن متمرکز می‌شدند و می‌خواستند به شهری یا به جایی حمله کنند از نیروهای ویژه‌ی ارتشی با تاکتیکهای چریکی خودشان بر آنها حمله می‌بردند و آنها را متلاشی می‌کردند جنگهای پارتیزانی و سیطره بر منطقه‌ی کردستان به طور کلی از دست توطئه گران گرفته شد درک کردند که مقابل ارتش ضعیفند و اگر ارتش بخواهد هر وقت هر جا قادر است که نیروهای آنها را متلاشی کند با این وضع بعضی از بزرگان آنها مایل به مذاکره می‌شوند و احساس می‌کنند که بهتر است با دولت و ارتش کنار بیایند و از آنجایی که دولت نیز فکر سیطره‌ی نظامی و پیش بردن رسالت اسلامی خودش را از طریق سلاح در نظر نداشت بنابراین این درخواست مذاکره را لیبیک گفت.

آغاز مذاکرات سیاسی

بنابراین آقای داریوش فروهر از طرف دولت مسوول شد که در منطقه حاضر شود و با هرکسی که می‌خواهد با دولت مذاکره کند وارد مذاکره شود و بنابراین فکر مذاکره و احساس اینکه دولت ما حسن‌نیت دارد و هرکسی که مطلبی دارد و می‌خواهد مذاکره کند دولت حاضر است که مذاکره کند و حتی بعد از آنکه داریوش فروهر مذاکراتی با عده‌ای از آنها انجام داد و آنها احساس کردند می‌خواهند مذاکرات را در سطح بالاتری انجام دهند دولت نیز تصمیم گرفت چهار نفر را با اختیارات تام مسوول مذاکره بکند تا به مشکلات کردستان رسیدگی کند و انشاءالله از راه مذاکره و صلح و صفا این مشکلات را حل بکند و یا برای این که دولت حسن‌نیت خودش را نشان دهد به نیروهای ارتش دستور می‌دهد که در شهرهای بزرگ از هر نوع درگیری نظامی پرهیز کنند یعنی ابتدا به ساکن هیچ عمل نظامی را در شهرها انجام ندهد مگر آنکه از طرف دشمن به آنها حمله شود که خود این امر باعث ناراحتی‌ها و اختلافات خیلی زیادی شد و حتی عده‌ای ناراحت شدند و حتی عده‌ای از افسران و سربازان فکر کردند جنگ بکلی خاتمه پیدا کرده است و دیگر موضع نظامی یعنی آن به اصطلاح حالت نظامی خود را از دست دادند می‌بینیم یکباره عده‌ای از سربازان از سردشت به بانه می‌آمدند که به تهران منتقل شوند در راه بازگشت به خانه بودند و بی‌خیال وارد بانه می‌شوند و احساس اینکه در داخل شهر مساله جنگ و جدال مطرح نیست بدون موضع‌گیری و بدون حراست از نیروهای خودشان یکباره از طرف دشمنان مورد هجوم قرار می‌گیرند و اینها همان احزاب افراطی چریکهای فدایی و نیروهای نظیر آن بودند که به هیچوجه با مذاکره موافقتی نداشتند بعد از آنکه حزب دمکرات و بعضی شخصیت‌های دیگر آمادگی خودشان را برای مذاکره اعلام کرده بودند این حزب و احزاب افراطی دیگر برای آن که مخالفت کنند از مهاباد خارج شدند و در سردشت و بانه علیه این نظامیان کمین کردند و آنها را کشتند که خود این یک مبین حقیقتی بود که احزاب بزرگ در آنجا می‌خواستند یک نوع مذاکره‌ای با نمایندگان دولت انجام دهند در حالی که این چریکهای افراطی چپ حتی حاضر به آن نبودند و اعلامیه‌ای صادر کردند و حزب دمکرات را متهم کردند که با دولت سازش کرده است و حتی در حال حاضر می‌بینیم وقتی دولت در سردشت و بانه به هجوم آنها جواب می‌گوید از منطقه سردشت به



جنوب می‌روند و در منطقه نوسود و مریوان و نقاط جنوبی‌تر همان مشکلات را بوجود می‌آورند. اینها گروه‌هایی هستند بکلی توطئه‌گر و وابسته به نیروهای خارجی و دارای بدنامی‌های عمومی و خطرناک که به هیچوجه نمی‌خواهند غائله‌ی کردستان پایان بگیرد بلکه می‌خواهند با درگیریها و کشت و کشتارها و ناراحتی‌های دیگری دولت یا انقلاب اسلامی‌ما را به سقوط بکشانند البته ما با سیاستی که دولت در نظر گرفته است قادر خواهد بود که حسن‌نیت خود را لااقل به برادران کرد به ثبوت برساند و اگر کسی نپذیرفت و آماده جنگ شد و ارتش عملی متقابل انجام داد دیگر این ارتش، ارتش طاغوتی و فاشیستی نیست بلکه ارتش پاسدار صلح، پاسدار امنیت منطقه، پاسدار انقلاب اسلامی‌است. (کیهان ۱۳۵۸/۸/۲۲)

در کردستان چه گذشت؟ (۲)

خبرنگار کیهان: شما فکر نمی‌کنید سیاست آزادی پس از انقلاب که باعث شکل گرفتن حزبهای ضد انقلاب شد یک تاکتیک اشتباهی بود که دولت در پیش گرفت؟

چمران: انقلاب ایران ویژگی‌های خاصی داشت که در هیچ انقلاب دیگری نظیر آن دیده نشده بخصوص پیروزی انقلاب بدون قدرت سلاح و بدون درگیری‌های نظامی و پیروزی آن فقط بر مینای ایمان و فداکاری و استقبال و شهادت. این ویژگی‌های خاص یک اختلاف‌های اساسی بین انقلاب ایران و انقلاب‌های دیگر بوجود می‌آورد که خود من در یک سخنرانی ۱۰ نقطه متمایز بین انقلاب ایران و انقلاب‌های دیگر ذکر کردم که شاید باشد در بعضی از آنها در دانشگاه همان روزهای انقلاب صحبت کردم یکی از این ویژگیها به همین مساله دیکتاتوری و آزادی بر می‌گشت اصولاً تمام نظام‌های انقلابی دنیا اجباراً دست به دیکتاتوری می‌زنند تا مدتی با سیستم دیکتاتوری اداره کنند تا بعد آرام آرام آزادی بدهند بنابراین روش کلاسیک برای این سیستم‌ها روش دیکتاتوری است ولی انقلاب ایران به علت ویژگی‌های خاص خودش است که احتیاج نداشت به دیکتاتوری تکیه کند دیکتاتوری یعنی قدرت یک حزب با یک عده افراد مخصوص و خاص بر اکثریت مردم در حالی که در ایران اکثریت قریب به اتفاق انقلاب کرده بودند و بنابراین این اکثریت قریب به اتفاق احتیاج نداشت که بر اقلیت دیکتاتوری کند. دیکتاتوری عادتاً وقتی بوجود می‌آید که اقلیتی بخواهد قدرت را بدست گیرد در حالی که در ایران اکثریت مطلق قدرت را بدست گرفته بود و این احتیاج به دیکتاتوری نداشت و قادر بود که آزادی به همه اعطا کند و بر اساس آزادی رفتار کند بنابراین این ویژگی خاص بین ایران وجود نداشت و ما می‌توانستیم با همان آزادی دموکراسی که اول انقلاب رفتار کرده بودیم ادامه دهیم مسلماً آن ویژگی خاص را برای انقلاب خودمان حفظ می‌کردیم و مزایای بیشتری داشت ولی متأسفانه توطئه‌ها از طرف دشمنان و پول‌های خارجی و روزنامه‌ها و تبلیغات ابرقدرتها بالاتر از آن بودند که بتوان در یک محیط باز و بدون حساب با آنها مقابله کرد و این بسیار بسیار جای تأسف برای شخص من هست و از نظر فلسفی بسیار ناراحت‌م که یک چنین واقعیت تلخی بر ما تحمیل شد که مجبور شدیم آن آزادی و دموکراسی را به مقداری محدود کنیم که جلوی توطئه گران را بگیریم برای اینکه این مثال بهتر روشن شود مساله ارتش و قدرت سلاح را مثال می‌زنم. مثال روشنتری از همین قضیه هست همانطور که دیدیم انقلاب ما بدون وجود ارتش و نیروی انتظامی پیروز شد و ما هم امید داشتیم که همه حیات خود را و انقلاب خود را و پیشرفت خود را بدون قدرت سلاح جامعه تحقق

پوشانیم یعنی به دنیا نشان دهیم این ویژگیهای خاص برای انقلاب و کشور ما وجود دارد و در هیچ جای عالم دیده نشده است و آن این که به قدرت و رسالت به قدرت ایمان و فداکاری و شهادت پیش می‌برد نه به قدرت سلاح و بر همین اساس بود که برای ماههای متعدد در کردستان یا هیچ نقطه دیگری ارتش وجود نداشت زیرا انقلاب ما از نظر فلسفی می‌خواست فقط و فقط به رسالت خود تکیه کند نه به قدرت سلاح اما متأسفانه قضیه کردستان پیش آمد و در کردستان انقلاب آنطور که باید و شاید رسوخ نکرده بود و با ورود سلاح و سیل پول از خارج دولت را مجبور کردند. که دست به جنگ مسلحانه بزند و این بزرگترین شکست فلسفی انقلاب ما بود یعنی انقلاب ما می‌خواست بدون دست زدن به اسلحه همه را رام کند و انقلاب را به همه جا بفرستد اما دشمنان ما توطئه‌گران خارجی جنگ کردستان را بر انقلاب ما تحمیل کردند درست است که در این نبرد از نظر نظامی انقلاب ما پیروز شد ولی از نظر فلسفی می‌خواست بدون سلاح پیروز شود اما اجباراً دست به سلاح برد و این يك شکست فلسفی برای انقلاب مکا بشمار می‌رود این مثال روشنی است برای قضیه دیکتاتوری و آزادی که بر اساس آن ویژگیهای روز اول انقلاب ما در محیط آزاد کاملاً آزاد به هدف خود برسد اما متأسفانه پیش از ۲۰۰ روزنامه و مجله مزدور خارجی چپ نما یا راست گرا یا هر چیز دیگری و تبلیغات شوم و توطئه‌های متعدد مجبور کرد که انقلاب ما برای برای آنها محدودیت بوجود بیاورد این هم از نظر من جای تأسف است و معتقدم که اگر ابرقدرتها و توطئه‌های خارجی نبودند ما می‌توانستیم آن ویژگیهای روزهای اول انقلاب را حفظ کنیم و در محیط کاملاً آزاد هر مخالفی را رام کنیم.

خبر نگار: با توجه به اشاره‌ای که به عزیمت هیأتی به سرپرستی مرحوم آیت‌الله طالقانی به کردستان کردید می‌خواستم بدانم اثر شوراها در منطقه کردستان تا چه اندازه بود و آیا تشکیل شوراها به عنوان يك راه حل می‌تواند به مساله کردستان خاتمه بدهد یا خیر؟

چمران: بدون شك مساله شوراها مهم بود و مقداری از عقده‌ها و ناراحتی‌های برادران کرد را حل می‌کرد باید بدانیم که در کردستان پس از قرن‌ها زور و دیکتاتوری يك عقده‌ای برای مردم بوجود آمده بود از هر دولتی و قدرتی می‌ترسند بنابراین دیدند که هر کسی و هر قدرتی که آمده به آنها زور گفته و این عقده‌ای برای آنها شده به نظر من همان عقیده است که سبب می‌شود که در مقابل زور تسلیم می‌شوند و هنگامیکه هم زور به دست آنها می‌افتد با خشونت رفتار می‌کنند. بنابراین برای راه حل عقیده قضیه شوراها بسیار مقتضی و اصیل است که به آنها نشان دهد خود شما هستید مسوولین خود را انتخاب کنید و شهر خود را اداره می‌کنید در سنج بسیار مفید و مؤثر بود متأسفانه دلایل مختلف کارشکنی‌ها و غیره اجازه نمی‌داد و اجازه نداد که مساله شورا در نقاط مختلف پیاده شود ولی معتقدیم که قانون اساسی ایران نیز مساله شورا را پیشنهاد کرده و مقدار زیادی از مشکلات روانی و عقده‌های آنها بدین وسیله حل خواهد شد و هنگامی که احساس کردند سرنوشت آنها بدست خود آنهاست فعالیت بیشتری خواهند کرد علاقه بیشتری نشان خواهند داد و به خصوص هنگامی که احساس کردند بین آنها و برادران دیگرشان در ایران اختلافی نیست همه در مقابل قانون و در مقابل تصمیم‌گیری یکسان و برابرند.

خبرنگار: با توجه به مذاکرات سیاسی که جریان دارد آیا فکر می‌کنید که بین خواسته‌های خود رهبران کرد یک هماهنگی اصولی و یکنواختی وجود دارد که دولت بتواند به این مذاکرات سیاسی دلخوش باشد. و آنرا نقطه‌ی پایانی بداند برای این بحران در کردستان.

چمران: والله این چیزی است که آینده نشان خواهند داد تا چه حد اینها با هم هم‌عقیده هستند بدون شك می‌دانیم که عده‌ای وابسته به قدرتهای خارجی هستند و فقط منتظر بهانه نشسته‌اند و به هیچ چیزی خوشحال نمی‌شوند مگر شکست انقلاب اسلامی ایران و بنابراین اینها را نباید با مردم کرد یکسان و برابر دانست ولی معتقدم که رهبران کرد کم و بیش با هم نزدیکند و خواسته‌های کم و بیش مشترکی دارند و اگر مذاکرات به نتیجه مثبتی رسید اکثریت قریب به اتفاق رهبران آنها با هم موافقت خواهند کرد.

خبرنگار: شما اشاره کردید به نقش چریکهای فدایی در غائله‌ی کردستان آیا از نظر ایدئولوژیکی و از نظر به اصطلاح برنامه‌ریزی فکر می‌کنید دخالت اینها در کردستان می‌تواند یک شروعی باشد برای برپایی حکومت کارگری؟

چمران: چریکهای فدایی خلق اصولاً معتقد به اسلام و انقلاب اسلامی ما نیستند منتظر انقلاب دیگری هستند که نظام مارکسیستی - لنینیستی خود را پیاده کنند و برای رسیدن به هدف خود هیچ دریغی از ضربه زدن به پیکر انقلاب اسلامی ایران ندارند و اینها از هر نقطه ضعیفی در هر نقطه‌ای سوءاستفاده می‌کنند و برای آنها کردستان مهم نیست همانطور که دیدید در گنبد قابوس و خرمشهر و نقاط دیگر هم توطئه کردند و آشوب و بلوا به راه انداختند و خیلی خوب می‌دانیم که در تهران هم که این مشکلات کردستان یا بلوچستان وجود نداشت همین کارشکنی‌ها و مخالفتها را شروع کردند در تهران مردم روشنتر و متمرکزتر بودند و لانه‌های آنها را بستند و آنها را از خود راندند و اینها نیروهای خود را در نقاط نزدیک به مرزها متمرکز کردند و دست به خرابکاری زدند بنابراین نقشه‌ی اینها آزاد کردن کردستان یا بلوچستان نیست. هر کجا را که بتوان بهانه قرار داد و به انقلاب اسلامی ایران ضربه زد و راه رسیدن آنها به حکومت همراه بود آنها دست بردار نیستند. اما به نظر من اگر انقلاب اسلامی ایران شکست بخورد یک نظام مارکسیستی برای ایران سیطره نخواهد یافت بلکه یک نظام وابسته به آمریکا طاغوت شاه یا نزدیک او بر ایران سیطره پیدا خواهد کرد. همانطوری که بعد از سقوط دکتر مصدق در ۲۸ مرداد اینچنین شد. حزب توده تصور می‌کرد با سقوط دکتر مصدق حکومت را بدست خواهد گرفت و یک حکومت کمونیستی در ایران بوجود خواهد آورد اما حقیقت نشان داد که بر خلاف آن است. و هنگامی که حکومت دکتر مصدق سقوط کرد یک حکومت وابسته به آمریکا سر کار آمد و دمار آن روزگار را مردم حتی از حزب توده هم کشید و من کم و بیش مطمئن هستم که اگر خدای ناکرده انقلاب ما به شکست بیانجامد امکان پیروزی امپریالیسم آمریکا بیشتر است.

خبرنگار: آیا حزب دمکرات در زمان رژیم سابق در میان توده کرد فعالیت داشت و اصولاً ایدئولوژی این حزب چیست یعنی دنبال چه چیز هستند؟

چمران: حزب دمکرات قبل از سقوط طاغوت هم فعالیت داشت ولی از آنجا که کشوری خارجی به دنبالش نبود و در ایران هم امکان آزادی برای آنها نبود هیچ عمل مؤثر و مثبتی نمی‌توانستند انجام دهند در ماه‌های اخیر دولت عراق به پشتیبانی آنها برخاست و با سیل پول و اسلحه آنها را حمایت کرد و بخصوص از نظر نظامی و مانورهای سیاسی امکان داد که حزب دمکرات بتواند بر

منطقه‌ی کردستان بر اوضاع مسلط شود. از نظر ایدئولوژی آنها دارای افراد مختلفی هستند ولی اکثریت آنها معتقد به فلسفه‌ی مارکسیست - لنیسیست هستند و معتقدند که اقلایک نظام سوسیالیستی باید ایجاد کرد و متأسفانه تاریخ ما نیز نشان می‌دهد که در زمان پدر شاه سابق توطئه‌هایی از طریق یک دولت خارجی در شمال ایران بوجود آمد که حزب دمکرات را در آذربایجان بوجود آوردند و متعاقب آن حزب دمکرات در کردستان نیز بوجود آمد که این دو حزب در این دو منطقه علم تجزیه و استقلال برداشتند و می‌خواستند ایران را تجزیه کنند و به قول خود، خودمختاری بوجود بیاورند و با توافقی که بین روسیه و آمریکا بوجود آمد بر اثر فشار آمریکا روسیه دست از حمایت این احزاب در این دو منطقه برداشت و دولت مرکزی در آن موقع توانست این احزاب را متلاشی کند و از بین ببرد. در سالهای اخیر نیز کیسینجر وزیر امور خارجی آمریکا طرحی را ارائه داد که در منطقه کردستان یک کشور آزاد کرد بوجود بیاید و این دنباله‌ی طرحی بود که کیسینجر برای تجزیه‌ی دولتهای عربی حتی سوریه، لبنان و عراق پیش بینی کرده بود و این تجزیه حتی به ایران نیز می‌رسید و کیسینجر معتقد بود که با ایجاد یک کشور آزاد در منطقه خاورمیانه یک اسرائیل دیگری بوجود خواهد آمد که با ایران و ترکیه، عراق و سوریه مخالف خواهند بود و برای اینکه در این منطقه زندگی کنند اجباراً باید به یک دولت خارجی، یک ابرقدرت خارجی تکیه کند بنابراین یک اسرائیل تازه‌ای خواهد شد و این به نفع آمریکاست که پایگاه دیگری در منطقه داشته باشد. بنابراین می‌بینیم که سالهای پیش سیاست کیسینجری نیز در منطقه وجود یک کردستان آزاد را پیشنهاد می‌کند و طراحان خارجی یعنی مستشرقین خارجی برای ایجاد فرهنگ کرد و زبان کرد و کولتور کرد و غیره دست به فعالیت می‌زنند کتابها می‌نویسند فعالیتها می‌کنند و تحریکهای مختلف که بتوانند یک ملیت کرد با زبان کردی و سنن کردی در بین آنها تقویت کنند و عاقبت الامر یک کشور کرد آزاد بوجود بیاورند بنابراین احساسات و این برنامه‌ها چه از طرف روسها و چه از طرف آمریکاییها مقدار زیادی باعث تحریک و تهییج برادران کرد شده است و مسلماً در ذهن عده‌ای از آنها ایجاد خیالیافی‌های زیادی کرده است که مسلط در غائله‌ها و ناراحتی‌های کردستان بی‌تأثیر نبوده است.

خبرنگار: سؤال مهم‌تری که وجود دارد این است که آیا تاکنون در سرکوبی اشرار و دشمنان انقلاب اسلامی ایران، از بمباران هوایی نیز استفاده شده است یا خیر؟

چمران: بمباران هوایی با هلیکوپتر می‌گویید؟

خبرنگار: به طور کلی بمبی که از آسمان ریخته می‌شود.

چمران: بمب ریخته شده نه بر مردم نه در شهرها، در جنگ مه‌باد برای تسخیر مه‌باد بمباران هوایی بوجود آمد اما بر روی کوههای اطراف مه‌باد برای آنکه مسلحین را که در کوهها کمین کرده بودند آنها را تحت فشار قرار دهند و بعلاوه مردم شهر بدانند که اگر دولت بخواهد شهر آنها را بمباران کند قادر است ولی به خاطر انسانیت دست به چنین عملی نمی‌زند و بعد همانطور که دیدیم بر اثر این تاکتیک بود که هنگام ورود ارتش به مه‌باد حتی گلوله‌ای نیز رها نشد و ارتش به سلامت وارد شهر شد و این در اثر همین بمبارانهای اطراف شهر بود بنابراین بمباران انجام گرفت ولی به هیچ وجه بمبی بر شهر وارد نیامد فقط در قلعه‌ی کوهها یا شاید یکی دو بمب در داخل پادگان مه‌باد بود. که آنها هم بر روی تپه‌ها قرار داشت.

خبرنگار: آیا به نظر شما بهتر نبود قبل از آنکه درگیری نظامی بوجود بیاید يك مبارزه بنيادي و اساسي با فقر و محرومیت شود و مشکل كردستان را به اینجا نكشد؟

چمران: فقر و محرومیتی که در كردستان یا مناطق محروم ایران سیطره دارد نتیجه قرن‌ها ظلم و ستم و عقب‌ماندگی است و در عرض چند ماه به هیچ‌وجه دولت یا هیچ کس دیگری قادر نخواهد بود این فقر و محرومیت را بر طرف کند و بنابراین انتظار اینکه نتیجه قرن‌ها فقر در عرض مدتی محدود حل شود يك انتظار بی‌جایی است و ثانیاً همان روزهای اول که جهادسازندگی و کارهای عمرانی از طرف دولت و سازمانها شروع شد كردستان بیش از هر نقطه‌ای مورد توجه بود و جوانان و مهندسين و دكترها و مردم خیر به طرف كردستان سرازیر شدند. اما متأسفانه به علت عدم امنیت در نقاط مختلف این جوانان را گرفتند به زندان انداختند و حتی کشتند و بنابراین امکان فعالیت را از چنین گروه‌هایی سلب کردند اگر بخاطر داشته باشید دو ماه قبل از جریان پاره چند نفر از جهادسازندگی را در شهر سرو گرفتند و مدت چند روز به زندان انداختند کتک زدند و شکنجه کردند و همچنین ده نفر از جهادسازندگی را در مهاباد دستگیر کردند و مدت چند روز شکنجه و آزار کردند. تا بعد از وساطت از طرف دادستان کل و استاندار و غیره توانستند این عده بی‌گناه را آزاد کنند. و حتی عده‌ای دیگر را در سردشت گرفتند و کشتند. بنابراین توطئه‌گران نمی‌خواستند جوانان کارهای عمرانی کنند چون بطور کلی کارهای عمرانی و جهادسازندگی به نفع آنها نبود بلکه رابطه دولت و ملت را به هم نزدیکتر می‌کرد. آنها سعی داشتند این رابطه را قطع کنند و بطور خلاصه فقر و محرومیت مردم آنجا به نفع آنان بود و از آن استفاده می‌کردند و حتی بخاطر دارم که در مریوان هنگامی که یکی دو کامیون ارتش با مواد خوراکی برای مردم مریوان فرستاده شد و مردم بدبخت و گرسنه می‌خواستند این مواد را از دولت بگیرند. مسلحین حزبی ممانعت می‌کردند. مردم را منع می‌کردند که این آذوقه را نپذیرند زیرا نمی‌خواستند رابطه محبت و مودت بوجود بیاید و بنابراین برنامه از همان روز اول وجود داشت ولی امکان پیاده کردن آن بسیار کم بود و حتی در حال حاضر هم به علت عدم امنیت امکان پیاده کردن طرح‌های جهادسازندگی و برنامه‌های عمرانی بسیار ضعیف است. (کیهان ۱۳۵۸/۸/۲۴)

پاسخ دکتر چمران به اتهامات نمایندگان سازمان چریک‌های فدایی خلق  
دکتر چمران وزیر دفاع ملی، طی اطلاعیه‌ای به اتهاماتی که در مناظره تلویزیونی، از سوی نمایندگان از سازمان چریک‌های سازمان خلق به وی روی آورد، پاسخ داد و مدعیان مخالف خود را به مناظره تلویزیونی دعوت کرد. متن اطلاعیه دکتر چمران در پی آمده است: بسمه تعالی. جامعه‌ای که در آن تهمت و دروغ و شایعه رواج پیدا کند محکوم به زوال است به خصوص که مدعیان انقلابی به چنین حربه‌های ننگین دست زنند. مناظره جناب آقای ریس جمهور با نمایندگان سازمان چریک‌های فدایی خلق، بسیار آموزنده و عبرت‌انگیز بود و امیدواریم که این روش ادامه یابد تا حقایق آشکار گردد و خود دروغ و تهمت و شایعه از بین رود. در این مناظره، نمایندگان سازمان چریک‌های فدایی خلق برای چندمین بار بر اساس ادعای بدون دلیل آقای بهادران، مرا متهم کردند که فتوای‌های رادر كردستان مسلح کرده‌ام و با اینکه بارها در رسانه‌های عمومی بطور صریح و با دلایل منطقی، بی‌اساس بودن این ادعا را ثابت کرده‌ام و حتی تکذیب رسمی دفتر امام در مورد ادعای آقای بهادران، دو مرتبه از رسانه‌های

گروهی پخش شده است و هیچ کس نمی‌تواندحتی يك دليل بر آن مدعا اقامه کند و یا فئو دال را توسط اینجانب نشان دهد، با این همه، باز هم این گروه و همفکران آنها این دروغ را تکرار می‌کنند و دست از سر آقای "بهادران" که از روی سادگی (انشاءالله) مرتکب خطای شده اند، بر نمی‌دارند. البته در آن مناظره تلویزیونی، تیمسار فلاحي، فرمانده نیروی زمینی، با صراحت و صداقت کامل این تهمت در بدون مدرک و بی پایه خواند و قویا آنرا رد نمود که موجب تشکر است، ولی آخر تهمت و دروغ تا چقدر و بی انصافی تا چه اندازه؟ مگر این دنیا خدائی ندارد؟ مگر کتاب و حسابی در میان نیست؟ راستی اگر خدا را نمی‌پرستید، لا اقل آزاده مردم باشید و به حرف حق و منطق توجه کنید و بر مبنای هر کدام، پوچی کارها و اعمال و اقدامات مسلحانه و غیر قانونی و غیر خلقی خود را توجیه نکنید که در دنیا و آخرت، زیان خواهید دید. این رفقا درباره کردستان چه تهمتها و افتراهائی پس از پیروزی غرور آفرین امت ما در کردستان که بعد از فرمان تاریخی امام بدست آمد، به اینجانب زده اند و من ضمن افتخار به رسالت مردمی و فداکاری‌های که در کردستان در راه انجام دین به آب و خاک خدمت به دین و خلق و مستضعف کرد. و بیایاری پاسداران انجام داده ام که برای مردم مسلمان آگاه ما روشن است. حاضریم با مدعیان مخالف در حضور همه ملت، مناظره کنم و هرابهامی را روشن و هر اتهامی را پاسخ گویم، باشد که خدا همه گمراهان را هدایت کنند. دکتر مصطفی چمران (اطلاعات ۱۴/۱۲/۱۳۵۸)

دکتر چمران در مراسم تجلیل از شهید آیت شعبانی:  
از روح پاک شهدا استمداد می‌جوئیم تا در مبارزه با دشمنان انقلاب اسلامی، پیروز باشیم.

تسخیر بزرگترین سنگر ضد انقلاب در سیندج افتخاری است برای پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی ایران

کرمانشاه-دکتر مصطفی چمران، وزیر دفاع ملی کشور جمهوری اسلامی ایران، عصر دیروز در مراسم تجلیل پاسدار شهید آیت شعبانی و سه خلبان هوانیروز ابوالحسن اسماعیلی، حشمت‌الله مکوندي و محسن درخشان، در محوطه دانشکده علوم برای مردم کرمانشاه، افسران و درجه داران لشکر ۸۱ رزمی پشתיبان منطقه ژاندارمری، شهربانی و پاسداران انقلاب اسلامی و هوانیروز سخترانی کرد. بنا به گزارش خبرنگار خبرگزاری پارس، در این اجتماع، بهروز ماکوئی استاندار کرمانشاه، علما روحانیون و جمع زیادی از اقشار مردم شرکت داشتند. دکتر چمران ضمن تجلیل از شهدا گفت: "ما امروز به سه انگیزه در اینجا جمع شده‌ایم. نخست: بمنظور سالروز شهادت حضرت امام علی‌النقی "ع" و دوم تجلیل از شهدای ارتش و پاسداران انقلاب اسلامی در وقایع کردستان و سوم گرامیداشت آیت شعبانی یکی از پاسداران هم‌رزم و هم سنگر در وقایع سال گذشته پاره و کردستان». وی گفت: "ما از خداوند بزرگ مسئلت می‌کنیم و از روح پاک این شهدا استمداد می‌جوئیم تا در مبارزه با دشمنان انقلاب اسلامی، موفق و پیروز باشیم و اجازه ندهیم که طاغوت و طاغوتیان، امپریالیزم شرق و غرب و صهیونیزم، بار دیگر زمام امور این کشور را بدست بگیرند و روزگار ما را مانند گذشته تیره و تار کنند». وزیر دفاع ملی سپس در باره سیستم حکومت‌های شرق و غرب که بر اساس مادی‌گری و مسائل شخصی و فردی را مورد بحث قرار داد و گفت: "در چنین حکومت‌هایی، افراد بخاطر منافع و مقاصد خود میکوشند و فعالیت میکنند. نظام سرمایه داری، انسان‌ها را زیر سلطه خود قرار می‌دهد و انسان را عبد و عبید و بنده می‌سازد تا

به هر راهی که می‌خواهند آنها را بکشانند. در دانشگاه‌ها و مراکز علمی با کامپیوتر، افکار و احساسات و عواطف مردم را نه تنها در کشور خود و بلکه در سراسر دنیا فرموله کرده و براساس آن مقایسه می‌کند. وی افزود: "با همین معیار، در سال ۱۳۴۰ مساله اصلاحات ارضی را که بعنوان نبوغ شاه مخلوع مطرح بود، در ایران و همزمان در آمریکای جنوبی و مرکزی به اجرا در آورد و این، براساس برنامه‌های حساب شده کامپیوتری برای کنترل مردم این مناطق بود که دیگر انقلابی آنها به جوش آمده بود و می‌ت رسید که این دیگ منفجر شود، با همین معیارها، انقلاب اسلامی را هم مورد مقایسه قرار داد، ولی در اینجا به این اشتباه دچار شد که در برابر روح شهادت، کامپیوتر نمی‌تواند حساب کند می‌باشد.

و این از خود گذشتگی است، خصیصه‌ای است که با هیچ معیار و فرهنگ، نمی‌توان آن را سنجید. دکتر چمران آنگاه به معادلات و برنامه‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب اسلامی به تفصیل سخن گفت و افزود: "معادلات آمریکا در مورد تحریم اقتصادی و دخالت نظامی، با مقابله شما ملت رشید مواجه شد. وقتی دید که ما تحریم اقتصادی را جشن می‌گیریم، مستاصل شد و با تمام قدرتش، خود را ضعیف و ناتوان حساب می‌کند. دکتر چمران آنگاه به تفصیل در باره وقایع کردستان از بعد از انقلاب تاکنون و همچنین وقایع منطقه پاره و شبی را که در کنار آیت شعبانی پاسدار شهید در حادثه پاره گذرانده مورد بحث قرار داد و از مردم خواست که همچنان با حفظ وحدت و یکپارچگی در مقابل ضد انقلاب و دسیسه‌های امپریالیسم آمریکا بایستند و با این ایستادگی همه دسائیس و توطئه‌های آنها را خنثی کنند. دکتر چمران، آنگاه اشاره به دسائیس حکومت بعث عراق کرد و گفت: "صدام حسین تصور می‌کند می‌تواند به انقلاب ما با نظر چپ بنگرد. اگر نیروی عراق وارد کشور ما بشود، ملت ما با چنگ و دندان آنها را تکه تکه خواهند کرد و شما بدانید و مطمئن باشید امروز که نیروهای ما و رزمندگان ما و پاسداران ما به سرزمین کربلا نجف برسند، ملت عراق، ارتش ما را پذیرا خواهد بود و شیعیان عراق از ما استقبال خواهند کرد و علیه قدرت و نظام طاغوتی خود، خواهند جنگید». دکتر چمران در پایان سخنان، وقایع کردستان و ظلم و ستمی که از سوی گروه‌های مسلح بر مردم این سامان رفته است را مورد بحث قرار داد و سپس از محل هوانیروز کرمانشاه بازدید کرد و عملیات نظامی منطقه را مورد بررسی قرار داد. در فرودگاه کرمانشاه، دکتر مصطفی چمران در مورد عملیات کردستان به خبرنگار خبرگزاری پارس گفت: "این عملیات، افتخاری است برای پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی که با رشادت و شجاعت، بزرگترین سنگر ضد انقلاب را در سنجند تسخیر کرد و نیروی دشمن را پراکنده ساخت. انشاءالله این پاکسازی تا برقراری امنیت کامل منطقه کردستان، ادامه خواهد یافت همچنان که در گذشته دیده شد، هر وقت دولت و شورای انقلاب، تصمیم گرفته‌اند، ارتش و پاسداران قادر بودند که با قاطعیت و سرعت تمام دشمن، را متلاشی و اجازه ندهند که یک وجب از خاک این سرزمین مقدس به دست مزدوران اجنبی بیفتد، اینک آنچه بر ما واضح شده است همکاری و پشتیبانی برادران کرد با ارتش و پاسداران می‌باشد». (اطلاعات ۱۳۵۹/۲/۳۰)

پاکسازی گسترده در روستاهای پاره بوسیله‌ی پیشمرگان مسلمان کرد  
دکتر چمران برای مردم پاره پیام فرستاد.

کرمانشاه - پیشمرگان مسلمان کرد شاخه پاوه پس از یازده ساعت درگیری، روستاهای چیلانه علیا و سفلی و میرا اولی و لاوان را که محل استقرار مهاجمین مسلح بود از وجود این عناصر پاک کردند.

این گزارش به نقل از روستاییان حاکیست که تلفات مهاجمین مسلح ۴ نفر است که اجساد آنها را به باینگان بردند. بر اساس این گزارش مقداری مهمات چون گلوله، آر، پی، جی، هفت و خشاب‌های کلاشینکف در چند سنگر مهاجمین به دست پیشمرگان مسلمان کرد افتاده است. از سوی دیگر پاسداران انقلاب اسلامی مستقر در پاوه از طریق کوه‌های "زردویی" و "بلایی" به عملیات پاکسازی ادامه می‌دهند. فرماندار اورامانات نیز عملیات پاکسازی روستاهای میراولی و لاوان را مورد بازدید قرار داد.

از سوی دیگر در ادامه عملیات پاکسازی منطقه از عناصر ضد انقلاب و عاملین بعث عراق، گروه‌های ضربتی سپاه پاساران انقلاب اسلامی، پیشمرگان مسلمان کرد، پاسداران افتخاری و ارتش چند شب پیش در روستاهای "بله‌ای" و "کلاته" واقع در منطقه‌ی پاوه مستقر شدند و عملیات پاکسازی را شروع کردند که هنوز هم ادامه دارد.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پاوه ضمن این گزارش اعلام داشت که تاکنون به مهاجمین مسلح تلفاتی وارد آمده است که تعداد آن مشخص نیست. هدف از این عملیات سرکوبی عناصری است که از چندی قبل شهر پاوه را زیر آتش خمپاره قرار داده‌اند و تاکنون بر اثر آتش خمپاره آن‌ها عده‌ای از افراد بیگناه و کودکان این شهر به شهادت رسیده‌اند.

پیام دکتر چمران

دکتر چمران نیز که به کرمانشاه سفر کرده بود روز گذشته هنگام بازگشت از این شهر پیامی به مردم پاوه فرستاد. متن پیام چنین است:

دروود به هموطنان شهر پاوه که زیر آتش خمپاره‌های ضد انقلاب شبانه مقاومت کردند و شهید دادند و حیات هستی خود را تقدیم خدا کردند و با اراده آهنین و تکیه بر ایمان خدا سخت‌ترین حملات دشمن را تحمل کردند و تسلیم نشدند و نشان دادند که همان قهرمانان معروف پاوه هستید که سال گذشته نیز خطرناک‌ترین ضربات دشمن را از خود رد کردند و از صحنه معرکه بیرون آمدند. درود به پاسداران شجاع و از جان‌گذشته انقلاب که با فداکاری‌ها و جانبازی‌های خود حماسه‌های خونین و پرافتخاری خلق کردند و ضد انقلاب را در هر زمان و هر مکان با قاطعیت تمام در هم شکستند. درود بر ارتشیان - سربازان - پاسداران - درجه‌داران - افسران و خلبانان هوانیروز و خلبانان نیروی هوایی که هر وقت و هر جا و هر کجا که اراده کردند طومار حیات دشمن را در هم پیچیدند و قدرت و اراده خود را به همه عالمیان نشان دادند. امروز ما اقتدار داریم که سرنوشت خود را به دست گرفته‌ایم و شرق و غرب آینده‌ی ما را تعیین نمی‌کنند بلکه اراده و ایمان و فداکاری ملت ما تعیین کننده سرنوشت ملت است.

ما اقتدار داریم که با کمال شجاعت دست رد به سینه‌ی بزرگترین جباران عالم زده‌ایم و با قوی‌ترین قدرت‌ها پنه درافکنده‌ایم و برای اولین بار بعد از سالیان دراز احساس آزادی و استقلال و شرف می‌کنیم، همه‌ی ما شاهدیم که دشمنان داخلی و خارجی در همه‌ی نقاط کشور و همه‌روزه آتش افروزی می‌کنند و توطئه بوجود می‌آورند و همه‌ی قدرت‌های شیطانی خود را برای در هم کوبیدن انقلاب اسلامی به کار انداخته‌اند و ملت ما تصمیم گرفته است که



شهادت پر افتخار را به زندگي ذلت‌بار زیر سلطه‌ي اجنبی ترجیح دهد و شما ای مردم رشید و فداکار پاوه که در مرز مرگ و زندگي با دشمن غدار روبرو شده‌اید و انواع خطر و توطئه‌ها را بر سینه‌ي خود تحمل می‌کنند و پیشقراولان مردم ما علیه ضد انقلاب به شمار می‌آید ما مسلم می‌دانیم که با ایمان و اراده شما هیچگاه ضد انقلاب به پاوه مسلط نخواهند شد و خاک عراق قهرمان‌پرور پاوه اجازه نخواهد داد که مزدوران اجنبی در خاک شما ترك تازی کنند.

رحمت خدا بر شهیدای گلگون کفن پاوه و شهیدای دیگر انقلاب، درود بی‌پایان به مردم با ایمان و فداکار پاوه. پیروز انقلاب اسلامی. پاینده باد ایران. (کیهان ۱۳۵۹/۲/۳۰)

پاوه نقطه عطف تاریخ انقلاب اسلامی ایران

به مناسبت سالگرد بزرگداشت شهیدای پاوه مراسم با شکوهی در این روز تاریخی برگزار شد. رییس‌جمهور، ابوشریف، تیمسار فلاحی و عده‌ای دیگر صحبت کردند. ولی از آنجا که دکتر چمران قهرمان مبارزات پاوه و کردستان در سال گذشته بود فرماندهی نیروهای انقلاب را به عهده داشت. و در سایه تجارب انقلابی و چریکی او و فداکاری و سرعت عمل او نیروهای انقلاب کردستان را آزاد کردند. بنابراین همه سخنرانی او در سالگرد این روز تاریخی ذکر می‌شود:

بسم الله الرحمن الرحيم

ولا تحسبن الذين قتلوني سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون  
به خاطر سالگرد شهیدای خونین کفن پاوه و برای بزرگداشت مقاومت دلیرانه مردم در مقابل ضد انقلاب و برای اعلام آمادگی خود برای شهادت و ادامه همان راه مقدس، امروز در پاوه گرد هم آمدیم و به روح خود و خون خود قسم می‌خوریم که برای پاسداری از انقلاب و میهن و اسلام تا آخرین قطره خون خود مبارزه خواهیم کرد. پاوه نقطه عطف تاریخ انقلابی ایران است، مسیر کردستان و ایران را تغییر داد و توطئه‌های شوم استعمارگران را نقش بر آب کرد. دشمن به همه کردستان مسلط شده بود و همه راهها و مناطق استراتژیک را به تصرف خود در آورده بود و فقط پاوه که مومنین به انقلاب در آن قدرت داشتند. همچنان در مقابل ضدانقلاب مقاومت کرد. دشمن می‌خواست با تسخیر پاوه تمام کردستان را يك جا ببلعد و می‌خواست آن را از ایران تجزیه کند، بزرگترین ضربت را به انقلاب اسلامی ایران وارد آوردند و ارتش را فلج کرده و اعلام استقلال نمایند و حتی کشورهای که دست نشاندهان غرب دولت جدید را به رسمیت بشناسد و به آن توپ و تانک و اسلحه سنگین بدهند و بعد از کردستان نوبت خوزستان بود و بعد سیستان و بلوچستان و الی آخر.

پاسدار مظهر ایثار

اما پاسداران از جان گذشته ما، جان خود را فدا کردند. همه وجود خود را قربانی هدف دادند و برای اینکه توطئه خائنان را در هم بشکنند و تو ای پاوه شاهی - ای کوه - ای گر تو شاهد - ای زمین ای آسمان تو شاهی - ای شهیدان خونین کفن شما شهید و شاهدید که فرزندان از جان گذشته این آب و خاک سال گذشته چگونه جان باختند و در مقابل خطر لحظه‌ای درنگ نکردند و با آغوش باز به استقبال شهیدان رفتند. در میان طوفانی از مصائب و مشکلات در میان گردابی از توطئه‌گران خون‌خوار آنقدر مردانه ایستادند و عاشقانه جانبازی کردند که روزگار دست تحیر به دندان گزید استعمارگران و ابر قدرتها مات و مهیوت شدند. آنها اصلاً تصور نمی‌کردند که انقلاب اسلامی ایران در میان

این توطئه خطرناک مقاومت کند. آنها منتظر بودند که تجزیه کردستان اعلام شود. ایران قطعه، قطعه گردد و دولت جدید سقوط کند. اما يك باره دیدند که دست توانایی پروردگار از آستین به درآمد فرمانی انقلابی از امام امت انقلابی صادر شد. فریاد الله اکبر پاسداران، آسمان و زمین را به لرزه در انداخت. موج مات به حرکت در آمد و طومار حیات توطئه‌گران را در هم پیچید و در عرض ۱۲ روز سرتاسر کردستان را همه شهرها را و همه راه‌ها و مواضع استراتژیک را آزاد کرد.

### چگونگی خطر سقوط پاوه

دشمن در عرض ۷ ماه همه کردستان و شهرها و مواضع مهم را تسخیر کرده بود و می‌خواست با تسلط بر پاوه کار را یکسره کند هزاران جنگجوی دشمن بین (۲۰۰۰ تا ۸۰۰۰) از گروه‌های چپی (حزب دموکرات، حزب کومله، چریک‌های فدایی خلق و...) و از گروه‌های دست راستی (قلخانی، ایل پالیزیان، سالارچاف و جوانرودی و...) دست به دست هم دادند و پاوه را محاصره کردند و راه کرمانشاه را بستند و چند کامیون آذوقه را به یغما بردند. ضدانقلابیون در قوری‌قلعه علیه مردم پاوه متحصن شدند و مردم پاوه نیز در فرمانداری متحصن شدند و از دولت مرکزی تقاضای کمک کردند و ۲۵۰ پاسدار کرد محلی از منطقه دفاع می‌کردند و در مقابل هزاران ضدانقلابی مسلح به همه عنوان اسلحه، محکوم به شکست بودند. دولت مرکزی خواسته مردم را اجابت کرد و ۶۰ پاسدار مرکزی از کرمانشاه و مریوان به وسیله هلی‌کوپتر وارد پاوه کرد تا به برادران کرد خود کمک کنند این پاسداران به مدت ۱۰ روز در محاصره دشمن بودند و جز ۱۶ نفر بقیه آنها به شهادت رسیدند و دشمن همه کوهها و مرتعات پاوه را محاصره کرده بود و نیروی پاسداران فقط به خانه آنها در شهر پاوه محدود می‌شد سه مصیبت بزرگ بر آنها وارد آمد که روحیه را ضعیف کرد و شهر را در خطر سقوط قرار می‌داد. ۱- سقوط فانتوم در چند کیلومتری خارج پاوه و شهادت دو خلبان آن. ۲- سقوط بیمارستان پاوه به دست ضد انقلابیون که ۲۵ پاسدار آن اکثر مجروح بودند و در بستر بیماری خوابیده بودند به بیرون بردند و به رگبار گلوله بستند و بعد آنها را سر بریدند و اجساد شهدا چند روز زیر آفتاب سوزان مانده و بعد متلاشی شده به طوری که بعضی آنها را نتوانستند به تهران منتقل کنند و ۹ شهید آن در همین محل در کنار بیمارستان به خاک سپرده شدند ۳- سقوط هلی‌کوپتر که برای رساندن مهمات و آذوقه به پاوه آمده بود و می‌خواست شهدا و مجروحین را تخلیه کند که همه سرنشینان آن به شهادت رسیدند و حتی ملخ هلی‌کوپتر عده‌ای دیگر را به هلاکت رساند و راستی که روحیه‌ها را به حداقل تقلیل داد. . . در چنین شرایط سخت و خطرناکی از طرف دولت آقای بازرگان مامور شدم که برای نجات پاوه حرکت کنم و من هم همراه با سه نفر از گارد نخست‌وزیری و تیمسار فلاحی که همیشه در کردستان پا به پای ما می‌آمد و بزرگترین فداکاری‌ها را از خودشان نشان می‌داد به کمک یک هلی‌کوپتر عازم پاوه شدیم و در بالای پاوه هر کجا که نزدیک می‌شدیم رگبار و گلوله ما را استقبال می‌کرد و بالاخره هلی‌کوپتر در بالای فرودگاه پاوه در منتهی الیه غربی پاوه فرود آمد. در حالی که به ضرب گلوله‌های متعددی سوراخ، سوراخ شده ما اصلاً به سلامت خود اطمینان نداشتیم ولی در رگبار دشمن بر خاک خزیدیم و سینه خیز خود را به پشت دیوارها رساندیم و با زحمت زیاد وارد پاسگاه ژاندارمری شدیم و سخت‌ترین نبردها را شروع کردیم در حالی که وضع ما وخیم‌تر و بدتر می‌شد تا بالاخره به آن شب مخوف رسید که

همه امیدها مبدل به یأس شده بود و دشمن بزرگترین حمله سراسری خود را علیه ما آغاز کرده بود و ما دل به شهادت گذاشته بودیم و جز لقای پروردگار آرزوی دیگری نداشتیم.

### مقاومت حسین‌وار پاسداران و جوانمردان

در آن شب خطرناک فقط دو نقطه در دست ما بود یکی پاسگاه ژاندارمری و دیگری خانه پاسداران و من با تیمسار فلاحی دو شب اول را در پاسگاه ژاندارمری گذرانیدیم و از شب تا صبح زیر رگبار و گلوله دشمن جنگیدیم ولی در آن شب مخوف تصمیم گرفتیم شخصاً به خانه پاسداران برویم که وضعی وخیم داشت و روحیه‌ها ضعیف بود لذا می‌خواستیم فرماندهی پاسگاه ژاندارمری را به عهده کسی دیگری بگذارم تا در آن شب شهادت تا آخرین توان خود مقاومت کنم لذا دوستانم را در پاسگاه ژاندارمری جمع کردم و گفتم که امشب شب آخر ماست همه ما شهید می‌شویم ولی می‌خواهم فرماندهی پاسگاه را به کسی بدهم که خود را در کربلای حسینی تصور کند و تا آخرین قطره خون خود بجنگد آنگاه جوانی پیش آمد لاغر و کوتاه قد که تا آن لحظه به او توجهی نکرده بودم و او "آیت شعبانی" یکی از جوانان کرد کرمانشاهی بود. شعبانی با شجاعتی زائدالوصف قدم جلو گذاشت و گفت: حاضر است این مسوولیت تاریخی را بپذیرد و تا آخرین قطره خون خود دفاع کند. من نیز فرماندهی پاسگاه را به عهده او گذاشتم و همراه با اصغر وصافی فرمانده سپاه پاسداران و چند پاسدار نخست‌وزیری زیر رگبار و گلوله دشمن پاسگاه را ترک کردم. دوان، دوان خود را به خانه پاسداران رسانیدیم هنگامی که سیاهی شب برآمد محاصره‌کنندگان قلعه ژاندارمری خود را به پشت دیوارها و پنجره‌های پاسگاه رساندن و با ژاندارم‌ها صحبت کردند و گفتند ما با شما کاری نداریم اسلحه خود را تحویل بدهید و بروید ما فقط می‌خواهیم سر پاسداران را ببریم آیت شعبانی به سربازان و جوانمردان گفت "لا اکره فی الدین" هر کس می‌خواهد برود آزاد است هیچ اجباری برای ماندن نیست ولی با صدای محکم و قاطع گفت: ما می‌دانیم و تا آخرین قطره خون خود می‌جنگیم و با آغوش باز به استقبال شهادت می‌رویم و خود را از اصحاب حسین در کربلا به حساب می‌آوریم. ژاندارم‌ها در برابر این ایمان آهنین شعبانی ایثار و فداکاری او خجل شدند و گفتند اگر شما می‌خواهید بمانید و به شهادت برسید خون ما رنگین‌تر از خون شما نیست ما هم می‌مانیم و همراه شما به شهادت می‌رسیم.

نبرد سخت درگرفت و ضدانقلابیون با موشک و خمپاره و با استفاده از اسلحه سنگین و سبک پاسگاه را سوراخ، سوراخ کردند. و از شب تا صبح جنگیدند. ولی جوانان ما نیز همراه چند ژاندارم و جوانمرد تا آخرین قطره قدرت خود جنگیدند و اجازه ندادند دشمن وارد پاسگاه شود تا وقتی که سپیده صبح بر آمد و ضدانقلابیون اجباراً صحنه نبرد را ترک کردند در جبهه نیز هزاران ضدانقلابی مانند سیل از هر طرف به پیش خانه پاسداران می‌آمدند. و مسلسل‌های پاسداران به خصوص دو کالیبر ۵۰ از دو گوشه ساختمان دیواری از آتش به وجود آوردند که از پیشروی دشمن جلوگیری می‌کرد. سیل دشمن نیز هر لحظه نزدیک می‌شد و آتش‌های دشمن بر سر و روی خانه‌های پاسداران می‌بارید ولی عده‌ای از عشایر دست راستی که برای دزدی آمده بودند دست به یغمای خانه‌ها زدند و لذا درگیری‌هایی به وجود آمد و صدای تیراندازی علیه صاحب‌خانه شنیده می‌شد و احياناً کشته می‌شدند و هر لحظه موج دشمن به ما نزدیک

می‌شد. در ساعت ۴ صبح ماشین‌هایی با میکروفون و بلندگو در وسط شهر پاوه به حرکت آمدند و می‌گفتند:

"ای مردم پاوه ما با شما سر جنگ نداریم، وفاداری خود را به حزب دموکرات اعلام کنید و دیگر مشکلی نیست. ما آمدیم سر دکتر چمران را ببریم، ما آمدیم سر پاسداران را ببریم و با دیگران کاری نداریم." اما رگبار ضخیم مسلسل میکروفون و بلندگو را خفه می‌کرد و بعد می‌شنیدیم میکروفون دیگری را می‌آوردند و همان اراجیف را تکرار می‌کردند. . تا بالاخره سپیده صبح برآمد و دشمن نتوانست به دیوارهای سپاه پاسداران نزدیک شود.

#### فرمان امام نقطه عطف تاریخ انقلاب

و اما بدون تردید این شب مخوف را پشت سر گذاشتیم و آماده نبردهای سخت‌تر دیگری بودیم که یک‌باره فریاد الله اکبر پاسداران از داخل خانه به آسمان طنین انداخت. من که در بالای دیوار ایستاده بودم و شهر پاوه را می‌نگریستم، از پاسداران پرسیدم چه شده است و گفتند اکنون امام امت بیانیه‌ای صادر کردند بسیار مهیج و مهم که انقلابی بیان کرده‌اند. امام فرماندهی قوا را به دست گرفته و گفته‌اند که ارتش باید عرض ۲۴ ساعت خود را به پاوه برساند و توطئه‌گران را متلاشی کنند این بزرگترین نقطه تاریخ انقلابی ملت ما بود. از تاریخ انقلاب تا آن روز سیاست دولت و شورای انقلاب مدارا با دشمن بود و با فرستادن کمیسیونهای حسن‌نیت می‌خواست مساله را با صلح و صفا حل کند، ولی دشمن با وحشی‌گری کامل مسلحانه وارد عمل شده بود، شهرها را تصرف می‌کرد، پادگان‌ها و پاسگاه‌ها و ژاندارمری‌ها را خلع صلاح می‌کرد. مردم بی‌گناه را می‌کشت و راه‌ها را می‌بست. امنیت منطقه را به هم می‌زد و می‌خواست به قدرت اسلحه افکار سیاسی و حزب خود را بر مردم تحمیل کند و نظام اسلامی جدید را به سقوط بکشانند فرمان امام در جریان پاوه اولین برخورد منطقی با دشمنان انقلاب بود و حالت دولت را از دفاعی به هجومی مبدل کرد و من برای اولین بار آنجا بودم که تصمیم به جنگ گرفتم تا آن روز فقط در صدد دفاع از خود و پاسداران بودم ولی از آن لحظه تاریخی بنا به فرمان تاریخی امام حمله اساسی و حیاتی ما برای در هم کوبیدن توطئه‌گران شروع می‌شود.

#### چگونگی نجات مواضع استراتژیکی

من ابعاد این فرمان تاریخی را خوب می‌دانستم که باید آن را به طور انقلابی پیاده کنم که یک لحظه مماشات و تاخیر روا نیست. امام فرمان انقلابی صادر کرده است و همه ما هم باید این فرمان انقلابی را به طور قاطعانه پیاده کنیم از همان لحظه اصغر وصالی فرمانده شجاع سپاه پاسداران پاوه و دوستان دیگر را به دور خود جمع کردم و از ابعاد این فرمان انقلابی امام شرح دادم و گفتم قبل از آنکه سربازی از کرمانشاه به پاوه برسد ما باید همه شهرها را تصرف کنیم و دشمن را متلاشی نمایم اصغر وصالی را همراه دوستانم از گارد نخست‌وزیری و چند نفر از سپاه و چند نفر از پاسداران کرد پاوه مأموریت دادم که به بلندترین کوه پاوه که بر ژاندارمری مسلط است حمله کند و قلعه‌ای را که در بالای این کوه قرار گرفته و پایگاه مهم دشمن به شمار می‌رفت از دشمن پاک کند به آنها گفتم که از پشت گردنه سینه‌خیز پیش روند تا دشمن آنها را نبیند. ولی شور و هیجان این جوانان به حدی بود که با قد برافراشته از روی گردنه با سرعت زیاد و فریاد الله اکبر به پیش می‌رانند و دشمن کاملاً آنها را می‌دید و به آنها تیراندازی می‌کرد و یکی از برادران به شهادت رسید ولی دشمن نیز روحیه خود را از

دست داده بود و به سرعت از مقابل دوستان ما می‌گریختند. موشکی توسط یکی از برادران به سوی قلعه بالای کوه شلیک شد ولی اصابت نمود ولی دشمن روحیه‌ای برای مقابله نداشت با همان سرعتی که دوستان ما پیش می‌تاختند دشمن نیز با همان سرعت فرار می‌کرد و بدین وسیله در عرض مدتی کوتاه بزرگترین پایگاه دشمن و بلندترین موضع استراتژیک پاوه به دست ما افتاد. آنگاه اصغر وصالی و دیگران برای آزاد کردن بیمارستان حمله کردند و بدون تلفات بیمارستان را به تصرف در آوردند. آنجا با اجساد متلاشی شده ۲۵ پاسدار شهید مواجه شدند. سپس حدود ۴ بعدازظهر تیمسار فلاحی از کرمانشاه پیغامی فرستاد که نیروهای زیادی از کرمانشاه آماده حرکتند و همه ملت به حرکت درآمدند و امکانات فراوانی وجود دارد فقط باید فرودگاه پاوه آزاد شود تا هلی‌کوپتر بتواند به زمین بنشیند من نیز برای تصرف فرودگاه حرکت کردم و ۳ گروه ۵ نفری تشکیل دادیم که در هر گروه یکی از سپاه و یکی از گارد نخست وزیری و بقیه از جانبازان و پاسداران کرد بودند و از ۳ طرف به سوی فرودگاه حمله بردند و به آنها گفته بودم بعد از تسخیر فرودگاه در اولین تپه بعد از فرودگاه موضع‌گیری کنند و دیگر پیشروی نکنند اما دوستان ما با آن همه شور و شوق تپه اولیه بعد از فرودگاه را گرفتند و بعد تپه دوم را نیز تسخیر نمودند و بعد تپه سوم را تسخیر نمودند و در پشت تپه سوم دهی از دموکرات‌ها بود تیراندازی شد و یکی از برادران ما به شهادت رسید و دوستان ما در همان تپه سوم متوقف شدند. خطر دشمن به کلی منتفی شد ساعت ۵ بعدازظهر همه پاوه با همان پاسدارها خسته و دلشکسته و مجروح و ناتوان پاک شده بوده و من پیغامی برای تیمسار فلاحی فرستادم که شهر آنان پذیرش آماده نیروهای جدید است از ساعت ۶ بعدازظهر تا نیمه شب هلی‌کوپترها مرتب می‌آمدند و نیروهای جدید پیاده می‌کردند. از بهترین نیروهای کماندویی تیپ نوهه از پاسداران و کمیته‌ها و از مردم شهرهای دور افتاده ایران، از علما از همه جای ایران آمده بودند و همه خیابانهای شهر از مردم پرشور ایران پر شده بود و فریاد الله اکبر آنها کوه‌ها و دره‌های پاوه را می‌لرزاند به راستی شب نعمت بود، شب رحمت و پیروزی که در سایه یک فرمان انقلابی به وجود آمده بود تا ساعت ۳ بعد از نیمه شب برادران تازه وارد را سازماندهی می‌کردم و ساعت ۳ بعد از نیمه شب با فرماندهان تیپ نوهه جلسه‌ای تشکیل دادیم و به آنها گفتم که قبل از ورود نیروهای ارتشی پیاده باید شهر را نیز که از خطرناک‌ترین پایگاه‌های دشمن در مرز عراق بود تصرف کنیم نقشه‌ای طراحی شد و ساعت پنج صبح این نقشه به اجرا گذاشته شد نیروهای کماندویی ما توسط هلی‌کوپترهایی بر روی تپه‌های مهم و اساسی وسط راه پیاده شدند و با درگیری‌های ساده‌ای توانستند راه را تامین کنند آنگاه یک ستون زمینی از نیروهای پاسدار کمیته‌ها و کردها و برادران تازه وارد به حرکت درآمدند و ساعت ۱۰ صبح نیز نوسود نیز به تصرف ما درآمد و خود من ساعت ۱۰ صبح در بالای شهر نوسود با هلی‌کوپتر حرکت می‌کردم و ملاحظه می‌کردم که دشمن به کلی متلاشی شده و جایگاه‌های خود را رها کرده و گریخته است. و ساعت ۱۲ ظهر بنابر فرمان تاریخی امام نیروی ارتشی با تانک و توپ و تجهیزات کامل با فرماندهی تیمسار فلاحی وارد پاوه شد و در مواضع استراتژیک شهر قرار گرفت و خطر به کلی منتفی شد آنگاه پیشروی نیروهای ما ادامه یافت و در عرض ۱۲ روز تمام شهرها و راهها و مواضع استراتژیک کردستان به تصرف نیروهای ما درآمد و روزهای آخرین این معرکه در مرزهای عراق، پشت سر داشت و در یک حمله

هنگامي که نيروهاي متلاشي شده دشمن به عراق مي‌گريخت و اسلحه زيادي با خود مي‌بردند توانستيم که سه تانک در مرز عراق به دست آوريم و مهمات و اسلحه‌هايي که در طول راه بر زمين انداخته بودند ۱۲ کاميون ذيل ارتشي مي‌شد که همه را به سردشت منتقل کرديم و حتي در داخل خاک عراق در درگيريهاي پراکنده‌اي آنها را متلاشي نموديم و ۸ نفر از آنها را اسير کرديم و نشان داديم آنجا که امام امت فرمان مي‌دهد و ملت به حرکت درمي‌آيند و نيروهاي انقلابي تصميم به جنگ مي‌گيرند هيچ قدرتي نمي‌تواند در مقابل ما مقاومت کند و قادريم در عرض چند ساعت نيروهاي دشمن را متلاشي کنيم و در سال گذشته نشان داده شد که به محض فرمان امام و حرکت نيروهاي انقلابي چگونه طومار حيات ضد انقلاب از هم پيچيده شد و چگونه مثل مور و ملخ پراکنده شدند و به عراق گريختند. اکنون نيز مي‌خواهم در برابر دشمنان اتمام حجت کنم که ما براي شهادت آماده‌ايم و اين ادعاي خود را در صحنه عمل اثبات کرديم. ما نشان داده‌ايم که عاشقانه به استقبال شهادت مي‌رويم و از هيچ خطري روي بر نمي‌گردانيم. اگر دشمنان انقلاب، اگر نوکران طاغوت، اگر خودفروختگان به صهيونيسم و امپرياليسم حاضرند که با ما بجنگند، اگر حاضرند دست از جان خود بشوند اگر حاضرند در معرکه شهادت با ما مقابله کنند اين گوي و اين ميدان بفرماييد. ما بنده حقيريم و از شرق و غرب نمي‌ترسيم و اگر دشمن از زمين و هوا پر شود از خط مکتب خود دست بر نمي‌داريم ما براي خدا قيام کرده‌ايم و رسالت خدايي داريم و سعادت خود را در فناء في الله مي‌بينيم و جزء لقا پروردگار خود آرزوي نداريم و شهادت بدون شک بزرگترين جهش در راه وصال خداست مي‌خواهم بيش از اين مزاحم دوستان شوم و سخن خود را با يك قسم نامه به پايان مي‌رسانم.

بسم الله الرحمن الرحيم

قسم به پاوه و مقاومت بي‌نظيرش و اراده آهنينش و شهيدان خونين کفنش، قسم به کردستان و کوه‌هاي بلندش و دره‌هاي عميقش، به درد و حرمانش، به مردم فداکار و با وفايش. قسم به ايران و تاريخ پرافتخارش. قسم به اسلام و رسالت مقدس خدايي و جاودانيش، قسم به امام امت و فرمان منقلب کننده و معجزه آفرينش. قسم به اراده آهنينش و ايمانش و عرفانش. قسم به فرياد الله اکبر پاسداران. قسم به عرق جبين رزمندگان در زير آفتاب سوزان. قسم به سنگرهاي کوه‌هاي بلند که در زير پاي تکاوران مهاجم فرو مي‌ريزد. قسم به گلوله سوزان. قسم به جسارت و فداکاري. قسم به فريادهاي رعد آساي دليران. قسم به هجوم صائقه‌وار رزمندگان مجروح. قسم به خون شهيدان. قسم به اشک يتيمان. قسم به آه بيوه زنان. قسم به خون. قسم به شرف. قسم به شهادت. قسم به انقلاب. قسم به رسالت. قسم به خدا که تا آخرين قطره خون خود با دشمنان داخلي و خارجي مي‌جنگم و از انقلاب اسلامي ايران و از آب و خاک پاسداري مي‌کنم و تا استقرار حکومت و حق و عدل در سرتاسر عالم و تا نابودي کامل طاغوتها و شيطانها دست از مي‌ارزه بر نمي‌دارم و خدای بزرگ بر آنچه که مي‌گويم شهيد و شاهد است. والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته (کيهان ۱۳۵۹/۵/۲۹)

